

# NASIM



نسیم دانشجویی  
ماهنامه فرهنگی | اعتقادی | اجتماعی  
سال دوم . شماره ۱۴ . اسفند ۱۳۹۳



**لوح فاطمه (سلام الله علیها)**

**سید جمال الدین اسد آبادی، مصلح بیدادگر**

**سیزده اشتباه بزرگ تاریخی در زندگی**

**نقاشی زیر لاک / کوچه آشتی کنون مخصوص همسران**

**چطور فرزندان مسوولیت پذیر باشیم؟**

**تنبل و این همه خواصیت! / رفج‌ها و فریادهای فاطمه (ع)**

**دفتر کاری مدرن مخصوص شاغلین در منزل**

**غذاهای که باعث کاهش سردرد می‌شود**

**مضرات نمایشگرهای دیجیتال برای چشمتان را جدی بگیرید**

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى ص اغْتَنِمُوا بَرْدَ الرَّبِيعِ فَإِنَّهُ يَفْعَلُ بِأَبْدَانِكُمْ مَا يَفْعَلُ بِأَشْجَارِكُمْ  
وَاجْتَنِبُوا بَرْدَ الْخَرِيفِ فَإِنَّهُ يَفْعَلُ بِأَبْدَانِكُمْ مَا يَفْعَلُ بِأَشْجَارِكُمْ

سرمای بهار را غنیمت بشمارید که با بدن‌های شما همان کاری را می‌کند که با درختان می‌کند  
و از سرمای پاییز دوری کنید که با بدن‌های شما همان کاری را می‌کند که با درختان می‌کند.

بحارالأنوار ج / ۵۹ ص / ۲۷

گفت پیغمبر به اصحاب کبار  
آنچه با برگ درختان می‌کند  
زانکه با جان شما آن می‌کند  
راویان این را به ظاهر برده‌اند  
آن خزان نزد خدا نفس و هواست  
پس به تاویل این بود کانفاس پاک

تن می‌پوشانید از باد بهار  
با تن و جان شما آن می‌کند  
کآن بهاران با درختان می‌کند  
هم بر آن صورت قناعت کرده‌اند  
عقل و جان عین بهار است و بقااست  
چون بهار است و حیات برگ و تاک

- ۴ ◦ سرمقاله
- ۵ ◦ لوح فاطمه (سلام الله علیها)
- ۸ ◦ ریا
- ۱۰ ◦ سید جمال الدین اسد آبادی، مصلح بیدادگر
- ۱۲ ◦ سیزده اشتباه بزرگ تاریخی در زندگی
- ۱۴ ◦ ابن کثیر مکی
- ۱۵ ◦ نقاشی زیر لاک
- ۱۶ ◦ امروز هم روز مبارزه است
- ۱۸ ◦ اخلاص، وحی و نغمه های شاعرانه
- ۲۰ ◦ شکوه سقف، و دیگر هیچ (قسمت دوم)
- ۲۴ ◦ اخبار مسجد
- ۳۰ ◦ کوچه آشتی کنون مخصوص همسران
- ۳۲ ◦ چطور فرزندان مسوولیت پذیر باشیم؟
- ۳۳ ◦ ۱۵ نکته چرخ گوشتی
- ۳۴ ◦ کیش اسفناج و کدو حلوائی / کیک کدو حلوائی
- ۳۵ ◦ تنبل و این همه خواصیت!
- ۳۶ ◦ جایگاه حضرت زینب در روایات
- ۳۸ ◦ رنج ها و فریادهای فاطمه (ع)
- ۴۰ ◦ دفتر کاری مدرن مخصوص شاغلین در منزل
- ۴۱ ◦ گلستان حجر
- ۴۲ ◦ غذاهای که باعث کاهش سردرد می شود
- ۴۳ ◦ مضرات نمایشگرهای دیجیتال برای چشمتان را جدی بگیرید
- ۴۴ ◦ گردهای نان
- ۴۵ ◦ عشق و آرامش
- ۴۶ ◦ قدرت فتوا
- ۴۷ ◦ یه دروغ
- ۴۸ ◦ کدگذاری، استخراج، طبقه بندی دادها





سلامی به بلندای یک سال که می‌گذرد و نوید سالی نو و بهاری دیگر را به ما می‌دهد.

به انتهای یک سال و به استقبال سالی دیگر می‌رویم. سالی که از اتفاقات آن بی خبریم اما به امید خوبی و خوشی آن سال به استقبال آن می‌رویم. اما چرا؟؟

امید و آرزو اگر به درستی در انسان شکل گیرد، مایه گرمی و حرارت زندگی انسان و سبب ایجاد شوق و شور در راه رسیدن به هدف‌هاست. انسانی که وجودش از امید و آرزو تهی است. از نعمت شادابی و نشاط بی بهره است. در نتیجه، از پویایی و پیشرفت باز خواهد ماند.

در حکایت است که مسیح علیه السلام روزی پیرمردی را دید که با بیل مشغول زیر و رو کردن زمین بود. حضرت عیسی علیه السلام عرضه داشت: خدایا! امید و آرزو را از دل او بیرون کن! پیرمرد بیل را رها کرد و به استراحت پرداخت. دوباره حضرت عیسی علیه السلام فرمود: خدایا امید و آرزو را به او برگردان. پیرمرد برخاست و مشغول کار شد. حضرت عیسی علیه السلام سبب را از او پرسید. او گفت: مشغول کار بودم که با خود گفتم: تو پیر شده‌ای تا کی باید کار کنی؟ پس بیل را انداختم و به استراحت پرداختم. پس از آن دوباره با خود گفتم که باید تا پایان عمر به راحتی زندگی کنی. پس به امید و آرزوی راحتی، دوباره به سوی بیل رفتم و مشغول کندن زمین شدم.

اما باید توجه داشته باشیم که همین مایه پیشرفت اگر بیش از حد و زیاده شد باعث خرابی روح و جسم ما خواهد شد مثل آب که مایه حیات است و بدون آن نمی‌توان زنده ماند اما تصور کنید کسی که به جای غذا و هر چیز دیگری به او آب بدهند یا او را در این نعمت الهی غوطه‌ور کنند لحظاتی بیش عمر نخواهد کرد و همین مایه حیات علت عدم حیات او خواهد بود. حالا اگر ما هم غرق در امید و آرزو شویم و به جای بهره‌مندی به اندازه کافی از این نعمت خودمان را در آن غرق کنیم قطعاً به سمت هلاکت خودمان قدم برداشته‌ایم و دست در دست شکست خواهیم گذاشت. البته قطعاً گاهی طول خواهد کشید تا ما به علت آن پی ببریم - البته اگر بفهمیم - و بلافاصله به شکست و نابودی خود و همان آرزوهای زیبایمان پی نخواهیم برد. آورده اند در روزگاران دور چوپانی گله داری مردم می‌کرد و مردم در ازای این خدمت به او هر روز کمی روغن می‌دادند. وی که به ساده زیستن عادت کرده بود، همیشه مقدار کمی از آن روغن را مصرف می‌کرد و بقیه آن را در یک کوزه بزرگ، ذخیره می‌کرد. یک روز که داشت با خودش فکر می‌کرد با خود گفت: "هر وقت این کوزه روغن پر شد بهتر است که این کوزه روغن را بفروشم و با پول آن گوسفندی خریداری کنم و در کنار چوپانی دیگران خودم نیز سهمی در این تجارت داشته باشم. خب این همه روغن ۳۰۰ تومان می‌ارزد. اگر این کوزه روغن را بفروشم، با پول آن می‌توانم ۵ تا میش بخرم. اگر ظرف شش ماه هر میش دو تا بچه بیاورد، در آن صورت پانزده گوسفند خواهیم داشت." القصه آرزوها رفت و رفت تا "وقتی

پیرتر شدم و احساس کردم که دیگر نمی‌توانم به همه کارها رسیدگی کنم یک چوپان استخدام می‌کنم تا از گوسفندها نگهداری کند، به آنها غذا بدهد و یک خدمتکار تا از بچه‌هایم نگهداری کند" که ناگهان به ذهن چوپان رسید که نکند خدمتکار با فرزندان او بد خلقی کند که: "اگر روزی خدمتکار بخواهد دست روی بچه من بلند کند با همین چماق، محکم، این طوری می‌زنم بر فرق سرش." درویش ساده دل که در رؤیاهای خودش گم شده بود و داشت به چطور تنبیه کردن خدمتکارش فکر می‌کرد، چماق را بلند کرد و محکم روی کوزه روغن زد. کوزه شکست و همه روغن‌ها روی سر و صورت و لباس‌های درویش ریخت. درویش، خدا را شکر کرد و با خودش گفت: "چه خوب شد که به جای خدمتکار، کوزه روغن را تنبیه کردم، وگرنه اگر با این شدت بر سر خدمتکار می‌زدم تا آخر عمر، سر و کارم با دادگاه و قاضی و زندان بود.

شکست خویش خواهد آید

گرش در سر فتد سنگ آزمایی

اما از این طرف بام هم نباید افتاد و از این همه مشکلات زندگی نا امید شد چرا که

گر خضر در بحر کشتی را شکست

صد درستی در شکست خضر هست

همیشه بیاد داشته باشیم این روایت امام حسن علیه السلام را که فرمود «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا» برای امور دنیوی چنان عمل کن که گویا همیشه در دنیا هستی و برای امور اخروی که مربوط به زندگی ابدی توست اهل سرعت باش گویا فردا روز رفتن تو و انتقال به عالم آخرت است.

در مورد امید خداوند متعال بهترین روش را به این صورت بیان می‌کند "وَمَنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ" اولئك لهم نصيب مما كسبوا والله سريع الحساب" و بعضی از آنان می‌گویند: پرودگارا به ما در دنیا و آخرت حسنه ارزانی کن و ما را از عذاب آتش حفظ نما آنان نصیبی از آنچه کسب کرده اند خواهند داشت و خداوند به سرعت حساب خواهد کرد "در واقع در این دو آیه و آیه قبل کسانی را موفق می‌داند که دنیا و آخرت را با هم بخواهند و کسانی که فقط به دنیا و فایده‌های دنیایی اهمیت می‌دهند را بینصیب می‌داند. در این ایام که فصل دید و بازدید است خوب است که به رسم قدیمی هایمان به مزار درگذشتگان برویم که هم یادی کنیم از آنها و هم در مورد خودمان هشیار شویم که یک سال دیگر پیر شدیم. این سال چطور گذشت؟ با خوبی؟ دعوا؟ با خانواده یا به دنبال پول بیشتر و کار بیشتر و بهره کمتر؟ یادمان باشد که ایام خواهد گذشت و این در اختیار ماست که چگونه بگذرانیم شاید روزی بیاید که حسرت همین داشته‌های بعضاً اندکمان را بخوریم همین‌هایی که تا زمانی که از دستشان ندادیم قدرشان را نمی‌دانیم. خانواده سلامتی و... فراموش نکنیم چیزهایی بهتر برای بهره بردن هست مهم‌تر از تکنولوژی و پول که شاید با آمدن این‌ها دیگر آنها نباشند.



# لوح فاطمه

(سلام الله علیها)

شده است. پدرم رسول الله (ص) آن را به من بخشیده است تا با نگاه کردن در آن دلم شاد شود».

جابر آنگاه ضافه نمود: «سپس مادرت فاطمه(س) آن لوح را در اختیار من قرار داد سپس آنچه در لوح نوشته شده بود خواندم و نسخه‌ای از آن را در ذهن نگاه داشتم [یا از روی آن نوشتم]».

امام صادق(ع) در ادامه روایت می‌فرماید: «آنگاه پدرم به جابر فرمود: جابر! آیا آن نسخه هنوز هم در دست توست؟ آیا آن را بر من عرضه می‌کنی؟ جابرین عبدالله گفت: آری. آنگاه پدرم با جابر همراه شد تا به منزل جابر رسیدند. جابر صحیفه‌ای از پوست نازک آورد، آن را گشود. پدرم به جابر فرمود: جابر! حال به صحیفه‌ای که در نزد توست بنگر تا برای تو از حفظ بخوانم. جابر به نسخه‌ای که در دستش بود، نگریست پدرم تمام مطالب صحیفه را از حفظ برای جابر خواند. سوگند به خدا حرفی از کلام امام با حرفی از صحیفه‌ای که در دست جابر بود مخالف نبود.

پس از آنکه قرائت امام به پایان رسید جابر گفت: خدای بزرگ را شاهد می‌گیرم که آنچه در صحیفه نزد فاطمه(س) دیدم همین بود که شما خواندید، اما متن این لوح طبق نقل چنین است:

«امام صادق(ع) فرمود: پدرم محمدبن علی الباقر(ع) روزی به جابرین عبدالله انصاری گفت: جابر! سخنی با تو داشتم چه موقع فارغ بال می‌شوی تا درباره موضوعی با تو سخن گویم؟ جابر به حضرت عرض کرد: هر وقت شما اراده کنید.» فرصتی پیش آمد و امام با جابر خلوت نمود و به گفتگو پرداختند. در این گفتگو امام از جابر خواست تا آنچه را که در جریان مشاهده لوحی که در دست جداهش حضرت فاطمه(س) دیده بود برای او بازگو کند و او را از آنچه حضرت فاطمه(س) از مطالب مکتوب در لوح به او خبر داده، آگاه کند.

جابر پاسخ داد: «شهادت می‌هم که روزی در ایام حیات رسول الله(ص) مادرت فاطمه(س) را ملاقت کردم تا ولادت حسین [بن علی(ع)] را به او تبرک بگویم که در دستان آن بانوی بزرگ، لوح سبزینه را دیدم که گمان کردم زمرد است؛ در آن لوح، کتاب سفیدی را که به درخشندگی خورشید بود مشاهده کردم. به آن حضرت عرض کردم: پدر و مادرم فدای تو باد! این لوح چیست [و از کجا آمده است]؟

فاطمه(س) فرمود: «این لوحی است که خداوند - عزوجل - آن را به رسولش محمد مصطفی(ص) اهدا نمود. در این لوح نام پدر و همسر و فرزندانم [حسن و حسین(ع)] و نام اوصیا و امامانی که از نسل فرزندانم [حسن(ع)] هستند ذکر



بسم الله الرحمن الرحيم

این کتابی است از سوی خداوند شکست ناپذیر و حکیم به محمد[ص] نور و فرستاده خدا و حجاب، دلیل و آیت او در زمین. این نوشته توسط جبرئیل امین از جانب رب العالمین آورده شد.

ای محمد[ص] اسماء الهی را بزرگ شمار، نعمتهایم را شکرگزار باش، هرگز نشانه هایم را انکار نکن. من پروردگار و معبود جهانیانم و جز من خدایی نیست؛ درهم کوبنده جباران و خوار کننده ستمگران و حسابرس روز جزایم. من همان الله و معبود شمایم که جز من الله و معبودی نیست. هر که به فضل کسی جز من امیدوار باشد یا از چیزی جز عدل الهی خوف داشته باشد، او را به عذابی سخت گرفتار خواهم ساخت که احدی از جهانیان آن را نچشیده است. سپس فقط مرا پرستش کن و بر من توکل نما. من هیچ رسولی را مبعوث نکردم و رسالت او را تکمیل ننمودم و دوران تبلیغ و رسالت او را به پایان نرساندم مگر اینکه برای او وصی‌یی قرار دادم.

[ای محمد(ص)] تو را بر تمام پیامبران برتری بخشیدم؛ وصی‌ی تو را نیز بر تمام اوصیا برتری دادم. سپس از وصی و جانشینت، تو را به وجود دو فرزند دلاور، حسن و حسین گرامی داشتم. بعد از پایان دوره [حیات و امامت] پدرش [علی(ع)] حسن را معدن علم خود و حسین را نگهبان و حافظ وحی خود قرار دادم؛ نعمت شهادت را به حسین بخشیدم و او را بدین سبب گرامی داشتم و برای او سعادت خواستم. حسین با فضیلت ترین کسی است که شهید گشت و در بین شهیدان بالاترین درجه و مقام را داراست؛ امامت و توحید تمام و کمال را با او همراه کردم، حج بالغه خود را نزد او قرار دادم؛ بر اساس [رضایت و غضب] اهل بیت و عترت او پاداش می دهم و طالحان و بدکاران را به سزای اعمال خوش می رسانم. اولین فرزند و عترت حسین[ع]، [علی] سرور پرستندگان و زینت دوستان من است. پس از او فرزندش که شبیه و همنام جدش است محمد، شکافنده علم الهی و معدن حکمت اوست. بزودی تردید کنندگان [در حقانیت] جعفر بن محمد هلاک خواهند شد؛ هر کس به او [و مکتب او] باز گردد، گویی به من [و دین من] باز گشته است.

سخن حق از من است: سوگند می خورم که منزلت دانش جعفر بن محمد [و هر آن که بر او ایمان آورد] را گرامی بدارم؛ محبت و عشق به او را در دل دوستان، شیعیان، پیروان و یارانش قرار خواهم داد، سپس فتنه کور و سیاه گمنامی و تقیه را از برابر امام موسی[ع] کنار خواهم زد؛ چرا که سیر فرمان و

اطاعت الهی هرگز منقطع نخواهد شد و حجت و دلیل من از دید مردم پنهان نخواهد ماند و دوستانم هرگز تیره بخت نخواهند گردید.

[ای محمد به خلق بگو] اگر کسی یکی از حُجج مرا انکار کند، نعمتی را که داده ام انکار نموده است و هر که آیه ای از کتاب را تغییر دهد بر من تهمت بسته است. وای بر افترا زندگان انکارگر، آن زمان که دوران امامت بنده و دوست و برگزیده ام موسی [بن جعفر(ع)] به پایان رسد.

آگاه باشید! هر که هشتمین حجت مرا دروغ شمارد، گوئی همه اولیای مرا انکار نموده است. علی [بن موسی(ع)] دوست و یاور من [و رهبر شما] است و من ثقل علم و عصمت و صفات نبوت را در او قرار می دهم؛ توان او را در پاسداری از آن می آزمایم؛ عفريت ستمگر و متکبر او را می کشد و در شهری که عبد صالح ذوالقرنین ساخت دفن می شود.

سخن حق آن است که من بگویم: دیدگان موسی را با تولد فرزندش محمد و خلیفه و جانشین پس از او روشنی بخشیم. محمد [بن علی بن موسی الرضا(ع)] وارث علم و دانش من و معدن حکمت و جایگاه راز من و حجت من بر بندگانم است. بهشت را جایگاه او قرار دادم و او را شفیع هفتاد نفر از افراد خانواده [منسوبان او] که جهنم بر آنان واجب شد قرار دادم [پس از او] فرزندش علی[بن محمد بن علی بن موسی الرضا(ع)] دوست و یاورم را سعادتمند کردم؛ او امانت دار وحی من خواهد بود؛ از صلب او، حسن [بن علی بن محمد] را بر خواهم آورد که دعوت کننده مردم به راه خدا و نگاهبان علم الهی است. آنگاه [پس از او] حجت خویش را با آمدن فرزندش [قائم آل محمد(ع)] که رحمت واسعه برای جهانیان است تکمیل خواهم نمود. قدرت و کمال موسوی، عظمت و نور عیسوی و صبر ایوب همه را در او می بینید؛ او در زمانی خواهد آمد که دوستان من خوار شده و چون مغولان و دیلمیان مشرک، سرافکنده گشته و به آتش کشیده می شوند، سرهای آنان به عنوان هدیه به اطراف و اکناف فرستاده می شود و ترسان و لرزان می شوند، زمین از خون آنان رنگین می شود و هلاکت و فریاد و شیون در بین زنانشان همه گیر می شود.

آنان بحقیقت حجت و اولیای من در زمین خواهند بود. به واسطه اینان هر فتنه کور و سیاه را از خلق دور خواهم ساخت و با آنها حرکت های ظریف و پنهان [معاندان دین الهی] کشف می شود و قید و بندها و زنجیرهای بندگی از دوش خلق برداشته می شود. صلوات و رحمت خداوند بر آنان باد! اینان همان هدایت یافتگانند.



## توضیح حدیث

۱. حدیث لوح از معروفترین احادیث شیعه است که محدثان با استناد به آن مطالب قابل توجهی را اثبات نموده اند از جمله: الف - شیعه در زمان حیات پیامبر(ص) به نگارش و تدوین حدیث اهتمام ورزید، نخستین کتاب حدیث که در تاریخ حدیث شیعه شکل گرفت بنا به اظهار برخی محدثان، حدیث لوح فاطمه(س) و پس از آن مصحف فاطمه(س) و پس از آن صحیفه الجامعه(علی(ع) است. این در حالی است که اهل تسنن به احادیث بی پایه مبنی بر ممنوعیت کتابت حدیث در زمان پیامبر(ص) در قرن اول هجری، از نگارش حدیث خودداری نمودند و با روی کار آمدن عمر بن عبدالعزیز (۹۸ - ۱۰۱ هـ) اجازه کتابت و تدوین حدیث به آنان داده شد.

از صحیفه جامعه امیرالمؤمنین(ع)، کتاب علی(ع)، صحیفه فاطمه(س) و حدیث لوح که از نخستین آثار منظوم و مکتوب حدیث در تاریخ اسلام است، در منابع مهم حدیثی شیعه و اهل سنت نام برده شده است:

- بصائر الدرجات فی المقامات و فضائل اهل البیت، ص ۱۳۵ - ۱۷۰  
منابع حدیثی اهل سنت:

مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱ هـ)،

صحیح بخاری (م ۲۵۶ هـ)،

سنن ابن ماجه (م ۲۷۵ هـ)،

سنن ابی داود (م ۲۷۵ هـ)،

سنن نسایی (م ۳۰۳ هـ).

در اصول کافی ۴ روایتی است که گزارش می دهد، اصحاب امام صادق(ع) از آن حضرت درباره مصحف فاطمه(س) سؤال می کنند و امام وجود آن را تایید می کند و درباره آن سخن می گوید.

۲. درباره نایبنا بودن جابر بن عبدالله و چگونگی رویت حدیث لوح و استنساخ آن در این باره دو پاسخ مطرح می شود: یک. جریان رسیدن جابر به مزار امام حسین(ع) که عطیه تعریف نموده، هیچ گونه دلالتی بر نایبناپی جابر نمی کند بلکه دلالت بر آن دارد که هنگام تلاش و جستجو به دنبال کشف مزار حسین(ع) چشمان او اشک آلود و تار شده، به گونه ای که اطراف خود را دقیق نمی دید. دو. اگر خبر نایبنا بودن جابر صحت داشته باشد، نایبناپی در اواخر عمر او اتفاق افتاد و هنگام تشرف به حضور صدیقه طاهره فاطمه الزهراء(س) بینا بوده است و صحیفه را دیده و از حضرت درباره مطالب آن سؤال نموده و آن را نوشته است. مهمترین موضوعاتی که حدیث لوح، به آن دلالت دارد عبارت است از:

۱. تنصیص به امامت ائمه اثنی عشر(ع).

۲. پیش بینی برخی حوادث که همزمان با حیات ائمه اتفاق خواهد افتاد. از جمله علم امام، چگونگی شهادت امام، محل شهادت امام و نوع برخورد های مخالفان و معاندان با امام.

۳. توصیف خصوصیات ظاهری و معنوی امام مهدی(عج) و بیان وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر ظهور و نیز وقایع و اصلاحات اجتماعی که پس از ظهور آن حضرت اتفاق خواهد افتاد.

۴. تمام امامان روح واحدی هستند در کالبد های مختلف. اهداف آنان منطبق بر یکدیگر و عالی ترین مقصد آنان سعادت بشر از طریق پرستش صحیح خدای واحد و بکار بستن عقل و درایت به منظور بهبود وضعیت زندگی و رسیدن به کمال است، هر چند روش های عملی آنان به دلیل تنوع و تفاوت شرایط و مقتضیات زمان و مکان متفاوت بوده باشد. لذا راه سعادت در پذیرش امامت هر دوازده امام معصوم است. توقف بر یکی از ائمه به معنای انکار و نادیده گرفتن بقیه ائمه خواهد بود و حتی انکار امام متوقفه علیه رانیز بدنبال خواهد داشت. در حدیث لوح می فرماید: اِنَّ الْمَكْدُبَ بِالْأَمْنِ مَكْدُبٌ بِكُلِّ أَوْلِيَانِي.

۵. اکمال سلسله جلیله امامت به وجود حضرت حجت(ع) است و لذا فرموده است:

ثم اكمل ذلك بابنه رحمه للعالمين عليه كمال موسى وبهاء عيسى وصبر ايوب... كمال هر چیزی رسیدن به مرحله ای از رشد و تعالی است که در آن غرض اصلی آن موجود تحقق یابد، مثلاً این آیه شریفه که: «عذاب کامل بدکاران در روز رستاخیز داده می شود»، این نکته را را خاطر نشان می سازد که کمال عقوبت در قیامت است، همان طور که کمال پاداش صالحان در قیامت است.

بر اساس توضیح فوق، تحقق اهداف اصلی امامت تا ائمه در امامت حضرت مهدی(عج) خواهد بود؛ همان طور که امامت حضرت امیرالمؤمنین(علی(ع) اکمال رسالت رسول الله(ص) است: الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي... چنانکه می دانیم مفسران و مورخان بسیاری از عامه و خاصه نزول آیه فوق را در واقعه حجه الوداع و معرفی امام علی(ع) به عنوان وصی و خلیفه پیامبر و امام مسلمانان می دانند.

امامت حضرت مهدی(ع) چه در غیبت صغرا و چه در غیبت کبرا، تکمیل کننده و به ثمر رساننده امامت یازده امام پیشین(ع) است.

امامت حضرت مهدی(عج) فقط مخصوص مسلمانان یا شیعیان نیست بلکه امامت آن حضرت رحمت گسترده ای است که همه مردم را فرا می گیرد. در حدیث لوح از وجود آن حضرت به رحمه للعالمین تعبیر شده است و در سایه حکومت و امامت ایشان همه مستضعفان به حقوق خود می رسند؛ حتی همه افراد از غاصبان ستانده و به ایشان بازگردانده می شود: الْكُلُّ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ.

۶. در آغاز حدیث لوح وجود شریف پیامبر اکرم(ص) توصیف به حجاب شده است: هذا كتاب من الله العزيز الحكيم لِمَحْمَدٍ نَبِيٍّ وَنُورِهِ وَجِبَاهِهِ وَسَفِيرِهِ... علامه مجلسی درباره حجاب بودن پیامبر(ص) توضیحی دارد: کلمه و وصف «حجاب» از این جهت بر رسول الله(ص) اطلاق شده است که آن حضرت واسطه بین خداوند و خلق بوده است، یا به این اعتبار که رسول الله(ص) دارای دو مقام و وجهه بود: مقامی نزد خداوند و مقامی نزد مردم.

۷. در متن حدیث لوح آمده است: فَمَنْ رَجَا غَيْرَ فَضْلِي أَوْ خَافَ غَيْرَ عَدْلِي عَذْبَتُهُ عَذَابًا لَا أَعْذِبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ. از عبارت غیر فضلی این مطلب قابل برداشت است که نمی توان به فضل کسی جز خدا امیدوار بود که نتیجه امید به فضل دیگران، باعث عذاب الهی و البته نافرجامی و ناکامی در تحقق اهداف عالی زندگی است.

۸. در متن حدیث و در توصیف حسین بن علی(ع) آمده است: ... جَعَلْتُ كَلِمَتِي التَّائِمَةَ مَعَهُ، طبق روایتی که از امام علی بن موسی الرضا(ع) رسیده منظور از کلمه تائمه، امامت است.

قرآن، تولد شگفت انگیز عیسی(ع) از مریم(س) را به فرمان الهی نسبت می دهد و در توصیف عیسی(ع) می فرماید: مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فِي جَايٍ دَیْكَرٍ فَرَمُود: اِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَيَّ مَرْيَمُ وَرُوهُ مِنْهُ... و درباره حضرت ابراهیم(ع) می فرماید: وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ. در توضیح این آیه صاحب مجمع البحرین حدیثی نقل می کند که در آن منظور از کلمه باقیه، امامت و منظور از عقبه، نسل و فرزندان حسین بن علی(ع) دانسته شده است؛ این امامت تا قیامت ادامه دارد و کسی حق اعتراض نخواهد داشت که چرا امامت در نسل حسین بن علی(ع) نهاده شده نه نسل حسن بن علی(ع)، زیرا خداوند در انجام افعالش حکیم است: لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ. کلمه تائمه یعنی «تمام و کمال از هر چیزی» و عبارت جَعَلْتُ كَلِمَتِي التَّائِمَةَ فِي عَقِبِهِ، یعنی: «امامت را به طور تمام و کمال در نسل حسین بن علی(ع) قرار دادم.»

۹. حدیث لوح از طرق مختلف و با اندک اختلاف در بعضی الفاظ، در جوامع و مجامع حدیث نقل شده است، نگارنده در انتخاب طریق، سندی را که شیخ صدوق تا امام صادق(ع) ثبت نموده، انتخاب کرده چرا که احتمالاً از بقیه نقل ها صحیح تر است.



نقطه مقابل اخلاص ریا است، آن هم در مقابل اخلاص عوام و گر نه اخلاص خواص یا صدیقین همچنانکه گفته شد دقیق‌تر و باشکوه‌تر است.

ریا: رنّاء، به معنای تظاهر و نشان دادن به غیر است (اقرب الموارد) و آن این است که شخص کار خوبی انجام دهد و قصدش تظاهر و نشان دادن به مردم باشد.

قرآن کریم کار ریائی را به سنگ صاف و سختی تشبیه می‌کند که بر روی آن خاک مختصری قرار گرفته باشد، در این میان رگبار شدیدی بیارد و تمام خاکها را بزداید و تنها سنگی باقی می‌ماند که هیچ‌گونه دانه و آبی هم در آن نفوذ نمی‌کند.

همچنانکه این خاک در مقابل باران شدید مقاومتی ندارد و در این سنگ هم دانه‌ای نمی‌رود، عمل ریائی انسان ریاکار به واسطه نیت باطل او هیچ‌گونه ارزشی نداشته

به واسطه آن فکر باطل به کلی محو و زائل می‌گردد. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْتَغُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَكَلَتْهُ فَمَكَلَتْهُ تَزَابُ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَ كَهَ صُلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ».

ای اهل ایمان صدقات خود را به سبب منت و آزار تباه نسازید، مانند آن کس که مال خود را از روی ریا انفاق کند و ایمان به خدا و روز جزا ندارد. مثل او به مانند سنگ سختی است که بر روی آن خاکی بوده که باران تندى بر آن بیارد (همچنانکه چیزی بر روی سنگ باقی نمی‌ماند) ریاکار هم نمی‌تواند حاصلی از کار ریائی خود برداشت نماید و خداوند کافران را هدایت نمی‌فرماید.

مرحوم علامه طباطبائی می‌فرماید: از مفاد آیه مبارکه روشن گردید که: قبول عمل نیاز به نیت اخلاص و قصد انجام آن برای خدا را دارد، و هر دو گروه شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل نموده‌اند که فرمود: اعمال تنها بستگی به نیتها دارد.

حافظ در موارد بسیاری از عمل ریائی نکوهش کرده و از آن اظهار تنفر نموده است. کار ریائی نه تنها مفید نیست، بلکه ایمان را هم مخدوش ساخته، بزرگ‌ترین

ضربه را بر پیکر دین انسان وارد می‌سازد: حافظ این خرقة پشمینه بینداز و برو

آتش دلق و ریا خرمن دین خواهد سوخت

هر تصور غیر خدایی روح لطیف عارف را ضربه می‌زند و برای او رنج و عذابی دردناک ایجاد می‌کند:

روح را صحبت ناجنس عذابی است الیم

چاک خواهم زدن این دلق ریائی چه کنم

غزل‌سرای شیراز ریا و نظایر آن را با واژه‌ها و کلماتی مانند ریا، دلق ریائی، خرقة آلوده، خرقة سالوس، نقش ازرق، شید، عُجَب، تزویر، سالوس، عمل بر مجاز،

زهدفروشی و طامات محکوم می‌نماید و از آن تبری می‌جوید.

ریاکاری خود نوعی شرک است، که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «إِنْ أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَيْكَ الشَّرْكَ الْإِصْغَرُ، قَالُوا وَ مَا الشَّرْكَ الْإِصْغَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قال: الرباء. يقول الله تعالى يوم القيامة إذا جازى العباد بأعمالهم اذهبوا إلى الذين كنتم تراؤن في الدنيا فانظروا هل تجدون عندهم الجزاء». وحشتناک‌ترین چیزی

که بر شما بیم دارم شرک کوچک‌تر است. گفتند شرک کوچک‌تر چیست ای پیامبر خدا؟ فرمود: ریا. خداوند در روز قیامت هنگامی که بندگان را به واسطه اعمالشان

پاداش می‌دهد (به ریاکاران) می‌فرماید: بروید نزد آنهایی که برای ایشان در دنیا کار انجام می‌دادید، ببینید آیا پاداش را نزد ایشان می‌یابید؟

ریاکار گاه به یک شرک قائل نمی‌شود، بلکه شریک‌ها می‌جوید و تنها یک بت ندارد، بلکه در برابر بتهای گوناگون سر می‌ساید!

که صد بت باشدش در آستینی

خدا ز آن خرقة بیزار است صدبار

حافظ دردمند، درد دین دارد و آرزو می‌کند که کاش به جای این خرقة پوشان سالوس‌گر و ریاکاران تاریک‌دل، خلوت‌نشینی از غیب چراغی برافروزد و جانه‌ای

مکدر و تیره و تاریک را روشنی بخشد.

چراغی بر کند خلوت‌نشینی

درون‌ها تیره شد باشد که از غیب

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «کل رياء شرک، انه من عمل للناس کان ثوابه على الناس و من عمل لله کان ثوابه على الله». هر ریائی شرک است، هر کس

برای مردم کاری کند پاداش او برعهده مردم است و هر کس برای خدا کاری کند پاداشش با خداست. عمل ریائی عملی مجازی و خالی از حقیقت است و

باعث شرمندگی و سرافکندگی در روز جزا می‌باشد:

شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد

فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید

خداوند متعال می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» هر کس امید لقای الهی را دارد، عمل شایسته انجام دهد و در عبادت پروردگارش کسی را شریک نگرداند.

امام صادق علیه‌السلام ذیل این آیه می‌فرماید: «الرجل يعمل شيئا من الثواب لا يطلب به وجه الله، إنما يطلب تركية الناس، يشتهي ان يسمع به الناس فهذا الذي

اشرك بعبادة ربه، ثم قال: ما من عبد اسر خيرا فذهبت الايام ايدا حتى يظهر الله له خيرا و ما من عبد يسر شرا فذهبت الايام حتى يظهر الله له شرا». شخصی کار

خوبی را انجام می‌دهد، ولی مراد و مقصودش پروردگار نمی‌باشد، بلکه می‌خواهد مردم او را فرد خوبی بپندارند و علاقه دارد که کار خوب او به سمع آنان برسد.

این شخص همان کسی است که در عبادت پروردگارش شریک قائل شده است. سپس فرمود: هیچ بنده‌ای نیست که کار خیری را انجام دهد و آن را پنهان

کند مگر آنکه پس از گذشت روزهایی خداوند آن کار خوب را آشکار نماید و هیچ بنده‌ای هم نیست که کار شری را انجام داده و پنهان گرداند مگر آنکه پس از

روزگارانی خداوند بدی آن را آشکار فرماید.

آنهایی که در وادی عرفان پرواز می‌کنند فقط خدا را می‌بینند و تنها خدا را می‌خواهند، هر قدمی را برای او برمی‌دارند و هر کاری را فقط به خاطر او انجام می‌دهند:

که کار خیر بی‌روی و ریا کرد

غلام همت آن نازنینم

آنها نه تنها به فکر ریا نیستند، بلکه درصدد اختفا می‌باشند، همانطور که حضرت مسیح فرمود: «إذا كان يوم صوم احدكم فليدعوا رأسه و لحيته و يمسح شفتيه

لثلا يرى الناس انه صائم و اذا اعطى يمينه فليخف عن شماله و اذا صلى فليرخ ستر بابه، فان الله يقسم الثناء كما يقسم الرزق».

هرگاه روز روزه یکی از شما بود، سر و محاسن خویش را روغن مالی کند و دو لبش را مسح کند تا آنکه مردم ندانند که او روزه‌دار است و هنگامی که با دست راستش انفاق کرد از دست چپ خود مخفی دارد و زمانی که نماز خوانده پرده

در منزل خویش را بیندازد؛ زیرا خداوند همچنانکه روزی را تقسیم می‌کند ثنا و مدیحه را هم تقسیم می‌فرماید.

هر کاری که در آن ذره‌ای ریا باشد نه تنها بی‌ارزش است، بلکه وزر و وبالی بیش نیست، چنان که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «ان المرائی ینادی

عليه يوم القيامة يا فاجر، يا غادر، يا مرائی ضل عملک و جبط اجرک، اذهب فخذ اجرک ممن كنت تعمل».

روز قیامت به ریاکار... با فریاد گفته می‌شود: ای گناهکار! ای خیانتکار! ای ریاکار، کارت بی‌نتیجه بود و اجر و پاداشت نابود شد، برو و پاداش خود را از آن

کسی که برای او عملی انجام داده‌ای دریافت کن.

باشد که گوی عیشی در این میان توان زد

حافظ به حق قرآن کر شید و زرق بازای

عارف از ریاکاری احساس شرم می‌نماید و دو رنگی را کنایه بزرگ می‌شمارد:

شرمسار از رخ ساقی و می‌رنکینم بس

که در خرقة آلوده زدم لاف صلاح

روحیات زشت، عارف را رنج می‌دهد و شیطان درون او را به عذاب می‌افکند، او از هرگونه ظاهرسازی متنفر است و از هر زرق و برقی بیزار می‌باشد:

وین نقش زرق را خط بطلان به سر کشیم

صوفی بیا که خرقة سالوس برکشیم

امام صادق علیه‌السلام اشخاص دو رنگ را مورد ملامت قرار داده می‌فرماید:

«ما يصنع احدكم ان يظهر حسنا و يستر سيئا، اليس يرجع الى نفسه فيعلم ان ذلك ليس كذلك والله تعالى يقول «بل الانسان على نفسه بصيرة» ان السريرة اذا صحت قويت العلانية». منظور شما چیست که ظاهر خود را آراسته و در اندرون

نیتی زشت دارید؟ مگر همه این کارهای برونی انسان به نفس و نیت درونی او باز نمی‌گردد و خودش هم می‌داند که نیت او به مانند ظاهرش خوب و نیکو نیست. خداوند متعال هم می‌فرماید: بلکه انسان به نفس و درون خود آگاه است،

گر چه عذرهایی هم بیاورد، اگر باطن انسان خوب و سالم باشد اعمال ظاهری او هم قوی و با قوام خواهد بود.

امام علیه‌السلام در این سخنان به صورت محاوره مطالب خود را بیان می‌نماید، افراد را گاهی به صورت حاضر و گاهی هم به شکل غایب مورد خطاب قرار می‌دهد، و به چند نکته ارزنده اشاره می‌فرماید: ۱. از ریاکاری و دو رنگی باید برحذر بود. ۲. ارزش کارهای انسانی وابسته به نیت درونی او می‌باشد. ۳. افراد ریاکار به خوبی می‌دانند که نیت ایشان مانند ظاهرشان پاک و پسندیده نیست. ۴. هر انسانی بهتر از هر کسی به نفس و درون خود آگاه است. ۵. اگر انسان درون و نیتش پاک باشد، کار و عملش ارزشمند است، ولی اگر نیتش پاک نباشد عمل او مانند طلی تو خالی و سرابی بی‌آب و چشمه‌ای خشک می‌باشد. عمل ریائی ظاهری دلپذیر دارد و باطنی نفرت‌آور. مانند آدمی است بی‌روح و مرده‌ای بی‌جان که نقشی ندارد و صفایی ایجاد نمی‌کند: طریق رندی و عشق اختیار خواهیم کرد

نفاق و زرق نبخشد صفای دل حافظ  
حافظ گاهی آن چنان از ریا اظهار نفرت می‌کند که آن را بدتر از صد گناه معرفی می‌نماید:

بهرتر ز طاعتی که به روی و ریا کنند

می‌خور که صد گناه ز اغیار در حجاب  
حافظ در این بیت میان گناه پنهان و طاعت ریائی مقایسه می‌کند و می‌گوید آن گناه پنهانی برای شرم از خداست و این ریا برای خودنمایی. البته این نوع سخنان نباید باعث تجری گناهکار گردد، همان‌طور که منظور شاعر هم مقایسه است نه تجری و بهتر است که گفته شود: طاعت ریائی بدتر از صد گناه پنهانی است.

### تزیور

تزیور عبارت از آن است که انسان خود را به دروغ خوب جلوه دهد، زهد ندارد خود را زاهد معرفی می‌کند و غرق دنیا است، ولی خویش را بی‌اعتنا بداند می‌نماید. حافظ با بدبینی هر چه تمام‌تر مردم اهل زمان خویش را مزور معرفی نموده می‌گوید: چون نیک بنگری همه تزیور می‌کنند

می‌خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب  
مزور گاهی نماز را وسیله تزیور قرار می‌دهد و گاهی قرآن را، گاهی سجاده را و گاهی دلق را، حافظ هر گناهی را بهتر از آن می‌داند که آدمی مقدسات را وسیله تزیور قرار دهد و از این رو می‌گوید:

دام تزیور مکن چون دگران قرآن را

حافظا می‌خور و رندی کن و خوش باش ولی  
البته برخی این موضوع را بهانه بولپه‌وسی و عیاشی قرار می‌دهند و گر نه فرد متعهد و دیندار نه می‌می‌خورد و نه قرآن را دام تزیور می‌کند.

### دو رنگی

برخی گرگ‌صفتانی هستند که در لباس میش درآمدند و برخی روباهایی هستند که فلسفه می‌یافتند. بعضی ظاهری فریبنده دارند و باطنی وحشتناک و بعضی هم زبانی شیرین دارند و نیتی شیطانی:

نه آن گروه که ازرق لباس و دل‌سیه‌اند غلام

همت دردی کشان یکرنگم

### خودنمایی

ریا تنها در موضوعات دینی و معنوی نیست، بلکه در امور مادی و دنیوی هم امکان‌پذیر می‌باشد. برخی به قدرت خود می‌بالند و بعضی هم ثروت خویش را به رخ دیگران می‌کشند. قرآن کریم این گونه افراد را هم ریاکار معرفی نموده، از همگامی و همشکلی با آنان برحذر می‌دارد. در حادثه جنگ بدر می‌نویسند: سپاه قریش با کبر و نخوت هر چه تمام‌تر از مکه خارج شد و راهی بدر گردید. در میانه راه، ابوسفیان که تازه به مکه رسیده بود پیغام داد بازگردند. ابووجهل که از سرکردگان سپاه بود گفت: امکان ندارد که برگردیم مگر آنکه به بدر وارد شویم (بدر یکی از مراکز تجمع عرب بود) باید سه روز در آنجا اقامت نموده شترها بکشیم و شرا بیا بنوشیم و خوانندگان برای ما بخوانند و بنوازند و این حرکت و تجمع خود را به گوش عرب برسانیم تا برای همیشه از ما واهمه و ترس داشته باشند.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصْلَحُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» و نباشید مانند افرادی که از شهرهای خود خارج شدند برای طغیان و خودنمایی و بازداشتن (مردم) از راه خداوند، در حالی که خداوند به آنچه می‌کنند احاطه دارد.

انگیزه ابووجهل و یارانش از این مانور نظامی و سیاسی سه چیز بود: یکی طغیان و دیگری خودنمایی و سوم، بازداری مردم از حرکت در مسیر الهی. خداوند متعال هم مؤمنان را از مشابهت با آنان بر حذر می‌دارد.

### خودبینی

خود را دیدن و دیگری را به بهایی نگرفتن از اخلاق زشت و ناپسند است. خودبینی و خودپسندی و خودخواهی هر سه از صفات ناپسندی هستند که معمولاً با هم جمع می‌شوند. خودبینی در مقابل حق‌بینی و خودپسندی در برابر حق‌پسندی و خودخواهی در مقابل حق‌خواهی است. این سه بُت خطرناک آفات بزرگی را همراه دارند و تا آنجا انسان را می‌برند که خداوند متعال می‌فرماید:

«فَرَّغَتْ مِنْ آتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»

«أَرَأَيْتَ مَنْ آتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»

آیا دیده‌ای آن کسی را که هوای نفس خود را معبود خویش ساخته است؟! هر قبله‌ای که بینی بهتر ز خودپرستی گر جان به تن بینی مشغول کار او شو خودبینی سبب می‌شود که انسان به اشتباهات خود پی نبرد، اشکالات خویش را نپذیرد و در نتیجه همیشه در جا بزند و هیچ گونه تزکیه و ارتقای نداشته باشد. یک نکته‌ات بگویم خود را مبین که رستی

تا فضل و عقل بینی بی‌معرفت نشینی  
خودبینی جمود فکری می‌آورد، عقل را کور می‌کند و انسان را از اندیشه صحیح باز می‌دارد. دود آهیش در آینه ادراک انداز یا رب

آن زاهد خودبین که بجز عیب ندید  
در بیت فوق، حافظ در کنار خودبینی عیب‌بینی را مطرح می‌کند. برخی نسبت به خود عجب داشته خودپسند می‌باشند و نسبت به دیگران سوء ظن داشته بدبین هستند، همچنانکه حضرت مسیح می‌فرماید: خاشاکی را در چشم برادرش می‌بیند، ولی چوب بزرگی را در دیده خودش مشاهده نمی‌کند. برخی مرتب خود را می‌ستایند و از دیگران انتقاد می‌نمایند، خود را خوب می‌پندارند و دیگران را بد و خود را صالح و همگان را طالح و این آفت بزرگی است که گاهی گریبان جامعه‌ای را می‌گیرد و شاعر شیرین سخن ما خود را از آن کنار می‌داند.

جامه کس سیه و دلق خود ازرق نکنیم

ما نگویم بد و میل به ناحق نکنیم

### زهد فروشی

حافظ در موارد متعددی زهد را در کنار ریا معرفی می‌کند و می‌گوید:  
حافظ این خرقة پشمینه بینداز و برو  
آتش زهد و ریا خرمن دین خواهد سوخت  
باید توجه داشت که زهد و پارسایی در محدوده قوانین شرعی خوب و پسندیده است و نموداری از پاکی و نزاهت انسانی است، ولی برعکس زهد ریائی زشت و ناپسند بوده، از ردائل اخلاقی به شمار می‌رود، گر چه معمولاً بسیاری از قلندران به صورت مطلق زهد را محکوم می‌کنند:

با ما به جام باده صافی خطاب کن

ما مرد زهد و توبه و طامات نیستیم  
طامات به معنای حوادث عظیم، اقوال پراکنده و معارفی است که صوفیان بر زبان رانند و در ظاهر کزافه به نظر آید. حافظ در جای دیگر بی‌باکانه زهد را در کنار ریا قرار داده، زندان را مبرای از آن می‌دارد:

ما را خدا ز زهد و ریا بی‌نیاز کرد

حافظ مکن ملامت زندان که در ازل  
غزلسرائی ما با صراحت هر چه تمام‌تر احترام به زهدفروشان را خطا دانسته می‌گوید:

که دست زهدفروشان خطاست بوسیدن

مبوس جز لب معشوق و جام می حافظ  
و سرانجام با رعایت عدالت به صورت بسیار زیبا می‌گوید:

مکن به فسق مباحات و زهد هم مفروش  
دلا دلالت خیرت کنم به راه نجات  
برخی برای پرهیز از زهد فروشی تظاهر به گناه می‌کنند. این عمل هم ناپسند و زشت است؛ زیرا رعایت حریم الهی واجب و لازم است و همان‌طور که زهدفروشی زشت و ناپسند است تجرّی به گناه و تظاهر بدان هم پرده‌داری و هتک حرمت‌ها می‌باشد.

## اشاره

سید جمال الدین اسد آبادی در سال ۱۲۱۷ ش در خانواده ای روحانی در محله امام زاده احمد، اسد آباد همدان، دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش عالم جلیل القدر به نام سید صفدر بود که بزرگ سادات سید حسینی آن سامان بود. سید جمال الدین از پنج سالگی آموزش قرآن و مقدمات عربی را در نزد پدر و مادرش که زنی با سواد و صاحب کمال بود، آغاز کرد. پدر با مشاهده نبوغ سرشار فرزند، تصمیم می گیرد او را به یکی از مراکز علمی ببرد تا ادامه تحصیل دهد. پس از این واقعه، او را به حوزه قزوین می آورد. در این شهر سید جمال حتی روزهای تعطیل هم به تحصیل می پردازد. پس از دو سال اقامت در حوزه قزوین، به اتفاق پدر به تهران می رود. پس از ورود به تهران در درس عالم بزرگ سید صادق طباطبائی شرکت می کند. در قسمتی از درس، سید جمال از استاد درخواست می کند دوباره عبارتی را توضیح دهد. وقتی آن عالم بزرگ به قیافه بسیار جوان او نگاه می کند به او می گوید: این فضولی ها به تو نیامده است. سید جمال در پاسخ متواضعانه می گوید: تقاضای فهمیدن مسایل علمی فضولی نیست و دانستن و بهره مند شدن از علوم نیز به بزرگی و کوچکی ربطی ندارد. سپس شروع می کند به ترجمه شرح حدود دو صفحه از کتابی که استاد مشغول تدریس آن بود. مرحوم طباطبائی از دیدن آن همه توانمندی و تیزهوشی، بیان نافذ شگفت زده می شود و سید جمال را در آغوش می گیرد. لباس روحانیت را به او می پوشاند. پس از چندی سید جمال عازم عتبات می شود. در نجف اشرف در درس شیخ مرتضی انصاری، که سرپرستی حوزه نجف را عهده دار بود، شرکت می کند. شیخ هم با دیدن سید جمال و آگاه شدن از نبوغ و استعداد فوق العاده او عهده دار هزینه تحصیل وی می شود. وی در طی چهار سال، علاوه بر شرکت در درس های شیخ انصاری از محضر استادان به نام آن عصر نظیر ملاحسینقلی همدانی شرکت کرده و در مدت زمان کوتاهی به مراتب والای علمی نایل می آید و به اخذ درجه اجتهاد از استادش شیخ انصاری موفق می شود. سید جمال در حالی که شانزده سال پیش تر نداشت، از عتبات خارج می شود. نخست به بمبئی و به کشورهای مختلف از جمله هند، افغانستان، مصر، ترکیه و ایران سفر می کند و دست به مبارزات سیاسی می زند. سرانجام پس از عمری مبارزه سیاسی در ۱۹ اسفند ۱۲۷۵ او را به شهادت رساندند. و اینک در کابل مقبره او زیارتگاه عاشقان اوست.

# سید جمال الدین اسد آبادی

## مصلح بیدارگر

نویسنده  
سید صادق سید نژاد

### نهضت اصلاحات سید جمال

#### اهداف نهضت اصلاحی سید جمال

سید جمال الدین اسد آبادی پس از بررسی و مطالعه اوضاع جهان عصر خویش به این حقیقت پی می برد که امت اسلام در نتیجه جهل و نا آگاهی و بی توجهی به احکام و تعالیم و ارزش های اسلامی از یک سو، گرفتار شدن به حکومت های خودکامه و مستبد از سوی دیگر و نیز به دلیل توطئه های گوناگون استعمارگران، که در صدد سلطه بر منابع و ذخایر کشورهای اسلامی هستند، از اوج عظمت و اقتدار سقوط کرده و راه انحطاط و عقب ماندگی را سیر می کند. وی از مشاهده وضع به شدت متأثر شده و تصمیم می گیرد تا از طریق بیدار سازی مردم مسلمان، به مبارزه با دشمنان و تجدید حیات دوباره اسلام بپردازد. سید مجموعه فعالیت های خود را برای تحقق اهدافی که در نظر داشت، در چند محور ذیل متمرکز نمود.

#### الف / بازگشت به اسلام

سید جمال علت گرفتاری های جهان اسلام را فاصله گرفتن از تعالیم راستین اسلامی و گرفتار آمدن به عقاید خرافی می دانست و در این باره می گوید: مسلمانان نخستین با این که اندک بودند، ولی در نتیجه عمل به تعالیم حیات بخش اسلام در مدت یک قرن از جبال آلپ تا دیوار چین پیش رفتند و خسروان ایرانی و قصران رومی را به خاک مذلت نشانند و با اخلاق کریمه خود، در اندک زمانی صد میلیون غیر مسلمان را به اسلام جذب کردند. وی پس از توصیف وضع مسلمانان نخستین و مقایسه آن با وضع مسلمانان زمان خود، راه نجات امت اسلامی را در بازگشت به اسلام و عمل کردن به تعالیم آن می داند و شیوه درست بازگشت به اسلام را در معرفی چهره حقیقی اسلام و از بین بردن بدعت ها و خرافاتی که با احکام و ارزش های اسلامی در آمیخته است، می داند.

#### ب / ایجاد وحدت

سید علت پیشرفت مسلمانان را در طول تاریخ، علاوه به تمسک بر تعالیم عالییه اسلام، در سایه برخورداری از اتحاد و همبستگی می دانست. در مقابل، شکست و عقب افتادگی آنان را نتیجه طبیعی گرفتار شدن به تشنه و تفرقه معرفی می کرد. وی می نویسد: اتحاد و همبستگی برای تقویت ولایت اسلامی از قوی ترین ارکان دین است. محمدی و عقیده به آن، از ابتدای ترین عقاید در نزد مسلمانان است که در آن، احتیاج به استادی که آن را تعلیم بدهد و یا کتابی که آن را ثابت بسازد و یا رساله ای که آن را نشر کند ندارند و رعایای مسلمان، گذشته از افراد مستکبر آن از این که ملت را تشنه آرا و خواسته های متفاوت است غم و اندوه فرا گرفته است و از چشم هایشان اشک جاری است. اگر وجود امرای گمراه، که اهل طمع در سلطه اند در میان نبود، شرقی آن با غربی و شمالی آن با جنوبی جمع می شد و همه یکسر ندای واحدی را لبیک می گفتند.<sup>۲</sup> آن گاه در انتقاد از وضع موجود می گوید: گویا مسلمانان با هم متحد شده اند که متحد نشوند، با آن که اگر دست اتحاد بدهند و نیروهای خویش را در یک خشم مقدس علیه بیگانه بسیج کنند، بزرگترین قدرت ها را

از مقاومت باز می‌دارند.<sup>۲</sup>

آن گاه پس از رد مسائلی چون نژاد پرستی و قوم گرایی و ... اتحاد حول محور مکتب را مهم ترین راه حفظ انسجام جوامع اسلامی دانسته و هشدار می‌دهد: خداوند هیچ قبیله ای را هلاک نساخته، مگر پس از این که به تفرقه گرفتار شدند و به نفاق مبتلا گشتند که موجب ذلت طولانی و عذاب سخت و فانی سرمدی آنان گردید.<sup>۴</sup>

### ج / مبارزه با استبداد داخلی

سید جمال به این حقیقت پی برده بود که وجود حکومت های خود کامه و مستبد در جوامع اسلامی یکی دیگر از عوامل مهم انحطاط مسلمانان است؛ چرا که این قبیل حکومت ها تنها به خوش گذرانی، بر آورده شدن خواست های نفسانی خود اهمیت می‌دهند اما این که مردم چه مشکلاتی دارند و بیگانگان چگونه به تاراج سرمایه های مسلمانان می‌پردازند، نه تنها توجهی نداشتند بلکه خود آنان از جمله عوامل فراهم کننده زمینه غارت بیش تر ذخایر ملت‌ها بودند. سید جمال در مورد زبان های حکام مستبد می‌گوید: حاکم مستبد ملت را با تصرفات خود در پرتگاه تباهی سقوط قرار می‌دهد و پرده جهل بر چشم‌های آنان می‌کشد و حوادث فقر و گرسنگی را به بار می‌آورد و در سلطه خود از جاده عدل خارج می‌گردد ... نظام مختل و اخلاق فاسد می‌گردد و صدای ملت را کسی نمی‌شنود ... وی در توصیف اعمال ناصرالدین شاه قاجار می‌نویسد: پیشوای بزرگ، پادشاه ایران سست عنصر و بد سیرت گشته، مشاعرش ضعیف شده، بد رفتاری را پیش گرفته، خودش از اداره کشور و حفظ منافع عمومی عاجز است. بنابراین، زمام کار را به دست مرد پلید بدکار و پستی داده که در مجامع عمومی به پیغمبران بد می‌گوید ... از اروپا که برگشته پرده شرم را پاره کرده و خود سری را پیش گرفته و بی پرده باده گساری می‌نماید. با کفار دوستی می‌ورزد با مردم نیکو کار دشمنی می‌کند ... زمام امور ملت را یک جا به دست دشمنان اسلام داده و مسلمانان را بنده آنان نموده و سلطنت و آقایی کفار را بر آنان داد ... نصف دیگر مملکت را هم به عنوان حق السکوت به دولت روسیه داده ...<sup>۵</sup>

### د / مبارزه با استعمارگران

سید پس از شناخت ابعاد گوناگون استعمار جدید، به مبارزه همه جانبه با آن برخاست. احمد امین مصری می‌نویسد: او می‌کوشید تا کشورهای اسلامی را از زیر بار سلطه اروپاییان و استعمار بیگانگان نجات دهد.<sup>۶</sup>

سید جمال در راستای مبارزه با استعمار کارهای زیادی انجام داده است. وی در مرحله اول تلاش کرد چهره واقعی استعمارگران را و ترفندهایی که به کار می‌برند، برای مسلمانان بشناساند. آن گاه این هشدار را به آنان داد که اگر زود نجنبند تمام سرزمین اسلامی و منابع و ثروت‌های آنان را متصرف خواهند شد. وی در مورد راه بر طرف ساختن شر استعمار انگلیسی می‌گوید: راهی جز توسل به زور و نبرد مسلحانه وجود ندارد، چون استعمار جز زبان زور نمی‌فهمد، بر این اساس، وی امور زیر را در روند مبارزه با بیگانگان مورد توجه قرار می‌داد:

■ دمیدن روح خود باوری

■ تاکید ضرورت احیا مجدد عنصر جهاد و مبارزه

■ پافشاری به غیرت دینی و تعصب دینی

■ مبارزه با غرب زدگان

بخشی از فعالیت های سید جمال مبارزه با غربگرایان اختصاص داشت. این گروه بر اثر فریفتگی به ظواهر تمدن غربی یا به جهت مرعوب شدن درباره پیشرفت های صنعتی آن به تمام اصول اعتقادات و ارزش های فرهنگی جامعه خود پشت کرده بودند و به ترویج و اشاعه فرهنگ و آداب رسوم هر چند مبتذل غربی می‌پرداختند. سید با این قبیل افراد نیز به معارضه برخاسته بود. به قول استاد شهید مطهری: یکی از امتیازات سید جمال این بود که، با این که او به اصطلاح یک مرد تجدد گرا بود و مسلمانان را به علوم و فنون جدید و اقتباس تمدن غربی می‌خواند و با بی سواد و بی خبری و عجز فنی و صنعتی مسلمانان به پیکار برخاسته بود. متوجه خطرهای تجدد گرایی های افراطی بود. وی می‌خواست مسلمانان علوم و صنایع غربی را فرا گیرند. اما با این که اصول تفکر

مسلمانان یعنی جهان بینی آنها جهان بینی غربی گردد و جهان را با همان عینک ببینند که غرب می‌بیند مخالف بود ...<sup>۸</sup> مبارزه با اندیشه های سید احمد خان هندی در این راستا بود. حتی رساله نیچریه را به انگیزه رد دیدگاه های مادی گرایانه رایج آن دوره به نگارش در آورد تا زمینه غرب گرایی در تفکرات و جهان بینی و اصول ارزشی از بین ببرد ...

علاوه بر، این سید جمال برای پی گیری اهداف نهضت خود امور زیر را نیز تعقیب می‌کردند:

■ تبیین و تشریح حقیقت احکام و معارف اسلامی برای اندیشمندان غربی و پاسخ به شبهات آنان در زمینه مسایل اسلامی، که پاسخ به مطالب کنفرانس معروف ارنست رنان فیلسوف شرق شناس نامدار فرانسوی از جمله آنهاست. در ضمن آن به چندین نظریه ناصواب ایشان پاسخ داد که ارنست رنان با تواضع پس از شنیدن پاسخ های سید جمال گفت: با شیخ جمال الدین تقریباً دو ماه پیش آشنا شدم و اثری که از او در دوران من باقی ماند، جز از معدود اشخاص میهن در ذهن من باقی نمانده است. به هر حال، او به شدت مرا تحت تاثیر قرار داد ... هر وقت من با او هم صحبت می‌شوم ... چنین خیال می‌کنم که گویی با بوعلی سینا یا ابن رشد ... روبرو می‌شوم.

■ گفت و گو با سیاستمداران انگلیس و اروپا: سید به شیوه های گوناگون با سیاستمداران مؤثر اروپایی از جمله انگلیسی به گفت و گو می‌نشست تا بلکه آنان را از طریق مذاکره و ... از دنبال کردن اهداف استعمار گرانه شان باز دارد. در این راستا، یکی از کارهای او عبارت است از: نوشتن نامه ای به ملکه انگلیس. وی در ضمن این نامه، تلاش می‌کند تا از حمایت دولت انگلیس از حکومت قاجار بکاهد. به ملکه انگلیس هشدار می‌دهند که اگر از استبداد قاجار دولت انگلیس پشتیبانی کند، مردم ایران آنان را در جنایات حکومت سهیم خواهند دانست ...

■ استمداد از علمای دینی: سید با توجه به جایگاهی که بوئیه علمای شیعه در نزد مردم داشتند، همواره از آنان درخواست می‌کرد که ضمن انجام وظیفه دینی شان در راستای بر طرف ساختن مشکلات مردم و خنثی کردن توطئه های دشمن، بیش از پیش وارد میدان شوند.<sup>۹</sup>

در نامه ای به آیه الله میرزای شیرازی می‌نویسد: ... حق را باید گفت. تو رئیس فرقه شیعه هستی. تو مثل جان در تن همه مسلمانان دمیده‌ای، هیچ کس جز در پناه تو نمی‌تواند برای نجات ملت برخیزد و آنها به غیر از تو اطمینان ندارند. اگر برای گرفتن حق قیام کنی همه به پشتیبانی تو برخاسته، آن گاه افتخار و سر بلندی نصیب شان خواهد شد ...<sup>۱۰</sup>

■ بهره برداری از رقابت بیگانگان: وقتی سید متوجه شد که کشورهای استعماری نظیر روسیه، انگلیس، فرانسه و ... در دستیابی به منابع و ذخایر کشورهای اسلامی با هم رقابت دارد، تلاش نمود تا شاید از طریق مشغول ساختن آنها با یکدیگر در حدی که امکان دارد آنان را از تحقق بخشیدن به نقشه ها و توطئه های شومی که بر علیه جوامع اسلامی دارند باز دارند ...

■ تربیت شاگرد، نوشتن کتاب و منتشر ساختن نشریات ...

از دیگر کارهای سید جمال الدین، تربیت و آموزش جوانان جامعه اسلامی است که شاگردانی چون محمد عبده - اقبال لاهوری از جمله آنهاست. علاوه بر آن انتشار چندین نشریه که در ضمن آنها، بیان دیدگاه ها و روشنگری های لازم از توطئه های دشمنان پرده می‌داشت. که معروفترین نشریه ایشان عروۃ الوثقی بود که در پاریس آن را منتشر می‌ساخت. یکی دیگر از کارهای سید جمال، نوشتن کتاب بود که از آن طریق نیز به پیشبرد اهداف خود می‌پرداخت.

#### پی نوشت

۱. رساله نیچریه، ص ۵۱ و ۵۲.
۲. گزیده عروۃ الوثقی، ص ۹۳.
۳. سید جمال الدین اسد آبادی، بنیان گذار نهضت احیاء تفکر دینی، ص ۱۵۱.
۴. گزیده عروۃ الوثقی، ص ۹۸.
۵. سید جمال الدین غریو بیداری، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.
۶. زعماء الاصلاح فی العصر الحديث، ص ۱۰۵، ۱۰۶.
۷. تاریخ الافغان، ص ۶۱.
۸. نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۱۸.
۹. زندگی و سفرهای سید جمال الدین، ص ۲۵ و ۲۲.
۱۰. سید جمال الدین غریو بیداری، ص ۱۴۱.



# سپرده اشتباه بزرگ تاریخی در زندگی



هر چند که انسان‌ها در طول تاریخ اشتباهات کوچک و بزرگ زیادی را در راه رسیدن به موفقیت مرتکب شده‌اند، اما چیزی که مایه تعجب و شگفتی است این است که این اشتباهات به کرات در حال تکرار بوده، هستند و شاید در آینده‌ای نه چندان دور دوباره توسط نسل بعدی انسان‌ها تکرار شوند!

هر چند که انسان‌ها در طول تاریخ اشتباهات کوچک و بزرگ زیادی را در راه رسیدن به موفقیت مرتکب شده‌اند، اما چیزی که مایه تعجب و شگفتی است این است که این اشتباهات به کرات در حال تکرار بوده، هستند و شاید در آینده‌ای نه چندان دور دوباره توسط نسل بعدی انسان‌ها تکرار شوند!

با کمی مطالعه و تحقیق در مورد این اشتباهات به این نتیجه می‌رسیم که متأسفانه به جای اینکه میزان اشتباهات با افزایش درک و آگاهی انسان‌ها کاهش پیدا کند روز به روز در حال افزایش است. هر چند که انسان در حال حاضر در حال گذران عمر خود در عصری است که به نام «عصر فضا» نام گرفته است؛ ولی دقیقاً مرتکب همان اشتباهات اخلاقی در راه رسیدن به موفقیت می‌شود که

این است که روی ساختمان خودت کار کنی و آن را بلندتر کنی!» این مطلب دقیقاً در مورد مسائل سیاسی، اقتصادی و زندگی شخصی تک‌تک انسان‌ها نیز صادق است.

### ■ نگرانی از مسائلی که خارج از کنترل شماست

نگرانی از مسائل خاصی که با گذر زمان حل می‌شود فقط نیروی انسان را هدر می‌دهد. خداوند گاه معجزات خود را در مکان‌های باور نکردنی و به دست افرادی دور از انتظار و در زمان‌هایی غیرقابل تصور به انجام می‌رساند. زندگی نیز ما را دقیقاً به آن طرف راهنمایی می‌کند، اما از راه‌هایی که انتظارش را نداریم. گاهی اوقات این امر سبب گیج شدن ما می‌شود و ما را به اشتباه دچار این تردید می‌کند که در مسیر اشتباهی قرار گرفته‌ایم. ظاهراً مردم در دنیای قدیم نیز انرژی فراوانی را صرف نگرانی در مورد اموری می‌کردند که خارج از کنترل آنها بوده است. از آن زمان تاکنون نیز تغییر کمی در این جهت ایجاد شده است. معلمی در این خصوص گفته است: اول اینکه بی‌معنی است در مورد چیزی نگران باشی که کنترلی بر آن نداری؛ زیرا اگر تو بر آن کنترلی نداری، معنی ندارد که در مورد آن نگران باشی. دوم اینکه این هم بی‌معنی است که در مورد چیزهایی که بر آن کنترل داری نگران باشی؛ زیرا اگر واقعاً کنترل داری، نگرانی معنا ندارد.

### ■ عدم حذف غیرممکن در زندگی

روزی سرخپوستی تنها در جنگل گردش می‌کرد. او یک تخم عقاب را روی زمین دید و به خیال اینکه یک تخم مرغ معمولی است آن را در لانه یک مرغ گذاشت. جوجه عقاب نیز همانند دیگر جوجه‌های مرغ از تخم بیرون آمد و مانند آنها شروع به راه رفتن و دانه خوردن کرد. یک روز زیبای بهاری، عقاب کوچک که اندکی بزرگتر شده بود، متوجه پرواز پرنده زیبا و باشکوهی در آسمان شد. پرسید این چه پرنده‌ای است؟ مرغ با مهربانی پاسخ داد. این یک عقاب است. زیباترین و قدرتمندترین پرنده دنیا! عقاب کوچک با خود اندیشید که چه قدر خوب بود اگر او هم عقاب بود و می‌توانست مثل عقاب پرواز کند. اما چون باور داشت که یک جوجه مرغ معمولی است، خیلی زود همه چیز را فراموش کرد و تمام عمرش را مثل یک مرغ خانگی زندگی کرد!

جایی در مغز شما قرار دارد که سال‌هاست در آن بذره‌های موفقیت خفته‌اند و حال آن که اگر این بذرها را در مغز خود فعال کنید، با قدرت رشد خود می‌توانند شما را به اوج برسانند؛ جایی که کمتر کسی می‌تواند تصور رسیدن به آن را حتی در خیال خود ببیند. اگر شما طالب پیروزی هستید اما فکر می‌کنید توانایی آن را ندارید، موفق نمی‌شوید. فراموش نکنید که ذهن نیمه‌هوشیار نمی‌تواند فرق بین افکار مثبت و منفی را تشخیص دهد. تنها معیار ذهن نیمه‌هوشیار افکاری است که شما بیشتر در مورد آنها فکر می‌کنید. اگر بیشتر به موفقیت فکر می‌کنید، ضمیر ناخودآگاه شرایط درونی و بیرونی را طوری تغییر می‌دهد که به خواسته خود برسید. اما اگر دائماً به مسائل منفی و ترس از شکست فکر می‌کنید، حتی اگر از بهترین امکانات هم برخوردار باشید به علت تفکر منفی، خود شما خودتان را از درون شکست داده‌اید. بهتر است فراموش نکنید که ضمیر ناخودآگاه کور است و نمی‌تواند میزان دارایی یا کمبودهای مادی شما را ببیند. او فقط احساس می‌کند. به هر موضوعی بیشتر فکر کنید آن را در درون شما به صورت یک قانون درمی‌آورد.

برای رسیدن به موفقیت، تنها کلمه غیرممکن را از فرهنگ لغات زندگی تان حذف کنید و دیگر و تحت هیچ شرایطی به او اجازه بازگشت ندهید. چون نمی‌توانید کاری را انجام دهید، فوراً برچسب غیرممکن بر آن زنید. زمانی که برادران رایت می‌خواستند ماشین بسازند که در هوا پرواز کند، هم‌عصران او همه با هم یک‌صدا گفتند که این کار غیرممکن است. ولی حالا هر کسی در هر جای دنیا می‌داند که آنها توانستند با کمک یکدیگر با تمام افکار عصر خود بجنگند و رویایشان که فتح آسمان بود را به حقیقت تبدیل کنند.

انسان‌ها در ۲۰۰۰ سال یا حتی قبل از آن مرتکب می‌شدند. امروزه خردمندان جوامع به این باور رسیده‌اند که تأمین سعادت و خوشبختی انسان تنها با کمک پیشرفت‌های علمی میسر نبوده و تحقق کامل این هدف تنها به افزایش معنویات در زندگی بستگی دارد.

تاریخ نشان داده است که هر چند انسان‌ها در اعصار گذشته دانش و تخصص علمی کمتری داشته‌اند ولی در عوض از کیفیت روابط اجتماعی بسیار خوبی برخوردار بوده‌اند. در گذشته انسان‌ها برای برقراری ارتباط با یکدیگر نیاز به گذران دوره‌های آموزشی نداشته‌اند؛ ولی در عصر حاضر یکی از بزرگ‌ترین مشکلات انسان‌ها این است که چگونه خود و احساسات انسانی خود را نسبت به همسر، فرزندان، دوستان و سایرین بیان کرده و به راحتی بتوانند در محیط خانواده یا اجتماع با آنها ارتباط برقرار کنند.

این موضوع از آنجایی حائز اهمیت است که عدم توجه به این بحران! و صرف زمان برای مطالعه اشتباهاتی که انسان‌ها برای رسیدن به موفقیت مرتکب شده‌اند، باعث کاهش کیفیت روابط فردی و اجتماعی انسان‌ها در آینده خواهد شد و زندگی معنوی و اجتماعی او را با خطرات جدی روبه‌رو می‌نماید.

متأسفانه شاهد این موضوع هستیم که فساد اخلاقی (از هر نوع) ناشی از استعمال روش‌های غلط برای رسیدن به موفقیت یا قدرت در جوامع انسانی روز به روز در حال گسترش بوده و عدم تصمیم‌گیری سریع و به موقع در مورد آن، اثرات سوء غیرقابل جبرانی در تاریخ بشر بر جای خواهد گذاشت.

امروزه خردمندان جوامع به این باور رسیده‌اند که تأمین سعادت و خوشبختی انسان تنها با کمک پیشرفت‌های علمی میسر نبوده و تحقق کامل این هدف تنها به افزایش معنویات در زندگی بستگی دارد. هر چند که خداوند متعال هیچ وقت انسان را در پیمودن راه زندگی در این دنیا تنها نگذاشته و جوامع انسانی را با فرستادن پیامبران و امامان مورد رحمت و هدایت خود قرار داده است، اما متأسفانه تعدادی از انسان‌ها با گمراه کردن دیگران هیچ وقت اجازه ندادند که عظمت (الهی)، هدایت‌گر زندگی انسان‌هایی باشد که در تلاش برای رسیدن به موفقیت بوده یا هستند و در این بین تنها انسان‌های معدودی توانسته‌اند به نسبت استعداد و دریافت خود به درجه‌ای از کمال برسند.

به نظر می‌رسد که قرن بیست‌ویکم، قرن باشد که انسان‌ها در آن گرایش بیشتری در مسیر معنویات و اخلاقیات از خود نشان داده و از معنویت به عنوان آخرین سلاح بشریت برای بازگرداندن انسان به مدار اصلی انسانیت خویش استفاده نمایند.

چیزی که مایه تعجب و شگفتی است این است که این اشتباهات به کرات در حال تکرار بوده، هستند و شاید در آینده‌ای نه چندان دور دوباره توسط نسل بعدی انسان‌ها تکرار شوند!

برای روشن‌تر شدن موضوع، بیایید نگاهی به تعدادی از اشتباهاتی که انسان‌ها در طول تاریخ برای رسیدن به موفقیت مرتکب شده و می‌شوند، داشته باشیم و این‌گونه تصمیم بگیریم که نه تنها آنها را تکرار نکرده، بلکه قسم یاد کنیم که آنها را یک به یک از زندگی مان حذف کنیم.

### ■ خوشبختی به قیمت بدبختی دیگران

قرن هاست که بشر دچار توهم حزن‌آور و غم‌انگیزی در زمینه رسیدن به قدرت شده و همین توهم باعث بروز نبردهای خونین و بی‌عدالتی‌های فراوانی در سراسر جهان شده است. توهم این است که تعدادی از انسان‌ها فکر کرده و می‌کنند که می‌توانند از ضرر و بدبختی دیگران به خوشبختی برسند؛ به همین دلیل در جست‌وجوی راه‌هایی برای سوءاستفاده و اغوای دیگران بوده‌اند. متأسفانه این مشکلی است که هنوز دست از گریبان تعدادی از انسان‌های تشنه قدرت و موفقیت برنداشته است. بسیاری از مردم احساس می‌کنند که می‌توانند با خراب کردن دیگران یا خرده‌گیری از آنها به موفقیت برسند. یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید «دو راه برای داشتن بلندترین ساختمان در شهر وجود دارد. یکی این است که تمام ساختمان‌های بلند شهر را خراب کنی و دوم

# ابن کثیر مکی

ایرانی تباری از قراء هفت گانه  
و امام مسجدالحرام

با غلامی نصرانی به نام «جبر» در کوه مروه و فراگیری آیات قرآن از او اشاره کرده و این آیات را پاسخی به این اتهام دانسته است. نیز ابن جریج به نقل از وی در شأن نزول آیه ۱۵۳ آل عمران/ می گوید: در جنگ احد، ابوسفیان پس از توقف در شعب، ندا داد: «أُغْلِ هُبْلَ یَوْمِ یَوْمِ بَدْرٍ وَ حَنْظَلَةَ بَحْنِظَلَه». به دستور پیامبر(ص) مسلمانان پاسخ دادند: «الله اعلی و أجل... لایستوی أصحاب النار و أصحاب الجنة». نیز در شأن نزول آیه ۱۱ مائده/ به توطئه یهود برای قتل رسول خدا(ص) اشاره کرده است، همچنین در روایت هایش به کیفیت نماز پیامبر در سفر و سفارش ایشان به صحابه در چگونگی بیان خطبه و اقامه جماعت پرداخته و از رخدادهایی چون پریشان حالی همسران شهیدان احد سخن به میان آورده است. وی از برخی رخدادهای روزگار خود همچون کیفیت خطبه و نماز جمعه عمر بن عبدالعزیز در مسجدالحرام گزارش داده است.

روایت های ابن کثیر بیانگر برخی سنت ها و گزارش ها در موضوع حج نیز هستند. ابن جریج به نقل از ابن کثیر در شأن نزول آیه ۲۰۰ بقره ۲: «فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَسَاجِدَكُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ...» می گوید: رسم عرب این بود که پس از فراغت از قربانی در روز دهم ذی حجه، به فخر فروشی درباره کارهای پدران خود می پرداختند. خداوند در این آیه آنان را به یاد خداوند فرامی خواند. نیز وی در روایتی روز دهم ذی حجه را روز حج اکبر از منظر رسول خدا(ص) دانسته است. او در انجام مناسک حج به سنت رسول خدا(ص) اهتمامی خاص داشته و با استناد به سیره رسول خدا(ص) هنگامی که در طواف به برابر خانه یعلی بن منبه می رسید، رو به کعبه دعا می کرده است.

وجود شخصی دیگر به نام عبدالله بن کثیر بن مطلب سهمی در همان روزگار، اختلاف ها و ابهام هایی را در منابع تاریخی و حدیثی پدید آورده است. برخی تنها به ابن کثیر سهمی و گروهی تنها به ابن کثیر قاری اشاره کرده اند. ذهبی در تفصیلی که گویا جمع کننده سخنان دیگران است، عقیده دارد که ابن کثیر داری از رجال مشهور مکه است و ابن کثیر سهمی که از او با عنوان «قرشی» نیز یاد می شود، تنها با روایت یک حدیث در صحیح مسلم شناخته می شود. ابن حجر (م. ۸۵۲ق.) پس از پذیرش این تفصیل، هر دو را ثقه و ابن کثیر قاری را ارجح دانسته است.

البته در برابر، ذهبی کسی را نیافته که ابن کثیر سهمی را ثقه شمرده باشد. از پیامدهای ناصواب اختلاط میان این دو شخصیت، می توان انتساب قرائت مکیان به ابن کثیر سهمی را به قلم برخی از مورخان برشمرد. گروهی نیز وی را از قصه خوانان مکه دانسته اند. با توجه به عهده داری مناصبی چون قضاوت مکه و امامت مسجدالحرام و جایگاه ویژه وی در قرائت قرآن، شاید بتوان منشأ این نظر را قصه گو بودن شخصی همانم وی دانست.

با توجه به سخن ذهبی که ابن کثیر سهمی را تنها دارای یک روایت در صحیح مسلم می داند، می توان راویان اخبار ابن کثیر داری را چنین برشمرد: اسماعیل بن امیه (م. ۱۴۴ق.)، ایوب سختیانی (م. ۱۳۱ق.)، جریر بن حازم (م. ۱۷۰ق.)، حسین بن واقد مروزی (م. ۱۵۹ق.)، زمعه بن صالح، سفیان بن عیینه (م. ۱۹۸ق.)، عبدالله بن عثمان (م. ۱۳۳ق.)، عبدالله بن ابونجیح (م. ۱۳۱ق.)، عبدالملک بن جریج، عمر بن حبیب مکی (م. ۲۰۷ق.) و لیث بن ابوسلیم (م. ۱۵۸ق.). مشایخ حدیث او عبارتند از: عبدالله بن زبیر (م. ۷۳ق.)، عبدالرحمن بن مطعم، عکرمه مولی ابن عباس (م. ۱۰۸ق.) و بدیع بن سدره. در شمار فرزندان وی به صدقه و علی اشاره شده است.

محل وفات ابن کثیر قاری را همگان مکه دانسته اند. اما سال درگذشت وی را ۱۲۰ق. و نیز ۱۲۲ق. یاد کرده اند و گروهی نیز به سبب ابهام های پیش گفته، به هر دو تاریخ اشاره نموده اند. ابن خلکان با استناد به این که عبدالله بن ادریس (متولد ۱۱۵ق.) از ابن کثیر قاری نقل قرائت کرده، ابن کثیر قاری را در گذشته پس از سال ۱۲۰ق. دانسته و عبدالله بن کثیر سهمی پیش گفته را وفات یافته در همین سال شمرده است.

ابومعبد عبدالله بن کثیر (۱۲۰-۴۵ق.)، ایرانی تبار، متولد مکه و فرزند عمرو بن عبدالله بن زاذان بن فیروزان بن هرمز از نسل ایرانیانی بود که انوشیروان، پادشاه ایران، آنان را مأمور عقب راندن حبشیان کرد. وی به سال ۴۵ق. در مکه زاده شد و بدان سبب که از موالی عمرو بن علقمه کنانی بود، برخی از او با عنوان ابومعبد کنانی یاد کرده اند. جز این، ابوسعید، ابوبکر، ابوعباد، ابومحمد و ابوصلت از دیگر کنیه های او هستند. وی که از تابعین شمرده می شود، بلند قامت، تنومند، سفید موی و دارای چشمانی میخی رنگ بود و محاسنش را به رنگ زرد یا خنایی خضاب می کرد. او را با وقار و فصیح و اندرزگوی وصف کرده اند.

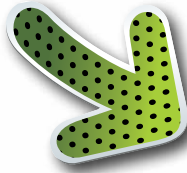
در منابع تاریخی با القابی چون قاری، مکی، داری و دارانی از او یاد می شود. عنوان «داری» ابهام هایی را درباره وی پدید آورده است. برخی این عنوان را نشان انتساب وی به قبیله بنی عبدالدار یا نسبت ولاء (پیامنی که بر پایه آن، شخصی در حمایت قبیله ای دیگر قرار می گیرد) او با این قبیله و گروهی نشان شغل و حرفه وی در مکه، یعنی عطاری، دانسته اند؛ زیرا مکیان، عطار را داری می نامیدند.

برای این نسبت احتمال های دیگر نیز آورده اند: انتساب به محلی نزدیک دریا که از آن جا عطر آورده می شد؛ نشان سرمایه داری، چرا که برای تأمین مخارج زندگی نیازمند بیرون رفتن از خانه نبود؛ نشانه زهدورزی، زیرا غالباً در خانه مشغول عبادت بود. در وصف زهد و تقوای او گفته اند بارها همه اموالش را در راه خدا انفاق کرد و شغلی جز عبادت نداشت. برخی نیز «دار» را از ماده «دری پدری» به معنای درایت مند و آگاه دانسته اند.

او از قاضیان مکه بود و امامت نمازهای پنج گانه مسجدالحرام را تا پایان عمر بر عهده داشت. مایه شهرت وی در تاریخ و علوم قرآنی، قرار گرفتنش در زمره قراء هفت گانه و طبقات نخستین قاریان و مقبولیت قرائت وی در مکه و حجاز است. قرائت وی مشهورترین قرائت مکه در سده دوم بوده و از او با عنوان فصیح در قرائت و امام مکیان در قرائت و ضبط قرآن یاد شده است. او و حمید بن قیس (م. ۱۳۰ق.) را مهم ترین قاریان مکه دانسته اند. در بیان چگونگی استناد و انتساب قرائت او سخنان گوناگون گفته اند؛ از جمله: انحصاری بودن قرائت وی، انتساب قرائتش از طریق مجاهد بن جبر (م. ۱۰۴ق.) و عبدالله بن عباس (م. ۶۸ق.) و ابی ابن کعب (م. ۲۲ق.) به رسول خدا(ص)؛ متقن بودن قرائتش به سبب رسیدن سلسله سند آن به رسول خدا.

او و نافع (م. ۹۹ق.) را در میان قراء «خَرمیان» و همراه ابن عامر «ابنان» می نامند. وی از مصحف مکه پیروی کرده است. برخی از ویژگی های قرائت وی عبارتند از: ضمه دادن میم جمع و اضافه کردن واو به آن (سمهم = سمهمو)، اشباع مد در حروف مد و لین هنگامی که در کنار همزه قرار گیرند، قرائت همزه مکسوره پس از همزه مفتوحه به صورت یاء در مثل «إله مع الله» و تخفیف همزه در مثل «جبرئیل = جبرئیل». اما برخی او را در تمام ویژگی های قرائت پیرو مجاهد می دانند.

مشایخ قرائت او عبارتند از: مجاهد بن جبر، درباس مولی ابن عباس و عبدالله بن سائب (م. ۷۳ق.). برخی سلسله مشایخ وی را پس از مجاهد و ابن عباس به علی بن ابی طالب(ع) و گروهی به ابی بن کعب می رسانند. ناقلان قرائت وی نیز از این قرارند: ابوعمره بن علاء (م. ۱۵۴ق.) معروف به ابن مشکان (م. ۱۶۵ق.)، اسماعیل بن عبدالله بن قسطنطین (م. ۱۹۰ق.)، خلیل بن احمد (م. ۱۷۰ق.)، حماد بن سلمه (م. ۱۶۷ق.) و شبل بن عباد (م. ۱۴۸ق.). گسترش دهندگان قرائت او در دوره های بعد، محمد بن عبدالرحمن معروف به قبیل (م. ۲۹۱ق.) و یک ایرانی به نام احمد بن محمد بزی (م. ۲۵۰ق.) بوده اند. افزون بر نوع و سبک قرائت، آرای او در تفسیر و شأن نزول آیات نیز مورد توجه دانشوران فریقین قرار گرفته است. روایت های او که به اعتقاد ابن سعد (م. ۲۳۰ق.) و ابن حجر (م. ۸۵۲ق.) موقوف اند، افزون بر یافته های قرآنی مشتمل بر دسته ای از گزارش های تاریخی هستند. وی در شأن نزول آیه ۱۰۳ نحل/ ۱۶ به اتهام مشرکان به پیامبر(ص) در زمینه ارتباط



# نقاشی زیر لاک

نقاشی زیر لاک که به مدت پنج سده در جلد کتاب‌ها، قاب آئینه‌ها، قلمدان‌ها و جعبه‌ها به کار می‌رفت با دو روش صورت می‌گرفت. ابتدا کاغذ را دو یا سه روز در آب می‌خوابانیدند تا خمیر کاغذ وا برود. سپس خمیر را با انگشت ورز داده و بدان چسب می‌افزودند و نرم می‌کردند تا شکل دلخواه را پیدا کند. پس از خشک شدن پس از خشک شدن روی آن را با نوعی آب آهک می‌پوشانیدند و برق می‌انداختند. اما با شیوه دوم می‌توانستند نتیجه خرسند کننده و دیر پا بدست آورند که شیوه دشواری هم بود. در این روش قسمت فوقانی لایه‌های متوالی کاغذ را به یکدیگر می‌چسبانیدند.

طرح پس زمینه را می‌توانستند با یکی از چند روش موجود حاصل کنند. زمینه طلایی را می‌توانستند با چسبانیدن صفحه‌ای از ورق طلا بدست آورند. وقتی که چسب خشک می‌شد، برگ را با شیر نار هندی می‌شستند، و می‌گذاشتند تا خوب خشک شود. به منظور حصول سطح مصقل طلایی، ماده‌ای را که با ورقه طلا پوشانده شده بود، می‌ساییدند و آن را با آب مخلوط می‌کردند. ذرات

ریز طلا ته نشین و مواد خارجی و زائد آن با آب خارج می‌شد. سپس قطعات ریز طلا را با روغن چسب کتیرا (صمغ سندروس) می‌آمیختند و بر روی سطح آماده پخش می‌کردند. وقتی که خشک می‌شد دگر باره آن را با روغن برق می‌انداختند.

زمینه جلا یافته با رنگ طلایی را می‌توانستند رنگ قرمز و یا سبز بکنند. در این صورت زمینه طلایی را دقیقاً با همان روش تهیه کرده و سپس رنگ قرمز یا رنگ نیلی را با کف دست یا پر طاووس بدان می‌مالیدند. رنگ قرمز شفاف و زربینه می‌شد و رنگ نیلی روی رنگ زرد حالت سبز مایل به سفید به خود می‌گرفت. طرح‌های روی اشیاء نقاشی زیر لاک بسان طرح‌های نگارگری اجرا می‌شد. و سپس با لایه‌هایی از روغن صمغ سندروس پوشیده و هر لایه کاملاً جلا داده می‌شد.

به روغن صمغ سندروس «صمغ تیر» هم می‌گفتند چون در روزگاری که تیر و کمان رواج داشت برای پوشش تیرها به کار می‌رفت. برای تهیه روغن صمغ سندروس حدود یک کیلوگرم از صمغ سندروس را در یک دیگ مسی به گنجایش شش کیلو و با میزان مشابهی از روغن بزرک حرارت می‌دادند. صمغ را زمانی می‌افزودند که روغن داغ می‌شد چون این مخلوط بسیار محترقه بود لذا مراقبت زیادی را ایجاب می‌کرد. این مخلوط تا زمانی که صمغ کاملاً حل شود می‌جوشید، ولی اگر می‌خواست بیرنگ بماند، باید به مقدار کافی مجوشانند.

اگر محلول در مدت طولانی می‌جوشید، رنگ قرمزی به خود می‌گرفت که مورد پسند نقاشان تازه کار و نو مایه ایران بود. هنگامی که جوشاندن به پایان می‌رسید محلول را با ترابانتین رقیق می‌کردند و ماده حاصله را به گونه غسل سیالی در می‌آوردند. بدین ترتیب ماده‌ای که حاصل می‌شد، برای سالیان دراز قابل استفاده بود. اما در مواقع استفاده می‌بایست غلظت آن را رقیق می‌کردند. این رنگ سخت به شیشه یا مرمر می‌چسبید و اگر لایه‌هایی از آن را بکار می‌بردند ماده‌ای ضد آب و رطوبت حاصل می‌آمد.



# امروز هم روز مبارزه است

سید محمد مهدی موسوی



قسمت

امسال، سی و ششمین سالگرد استقرار نظام جمهوری اسلامی را جشن گرفتیم و برای بار سی و ششم، یاد بت شکنی خمینی کبیر را گرامی داشتیم؛ اما گذشته از این بحث‌ها، آن چه امروز مطرح است، حرف‌ها، خواسته‌ها و گفته‌های جوانان و نوجوانان، راجع به نظامی است که پدران‌شان در شکل‌گیری آن سهیم بوده‌اند را در شماره قبل خواندیم، در این شماره به رابطه انقلاب با ما می‌پردازیم.

## ماندگاری نظام اسلامی

رمز و راز بقا و ماندگاری یک اجتماع، وابسته به ساز و کارهایی است که پایداری و ثبات نظام را تضمین می‌کند. بسیاری از نظام‌های مقتدر دنیا، دچار افول و زوال گردیدند. واقعیت این است که قدرت‌مندی در ناحیه ابزار و وسایل، عامل قوی و نیرومندی برای پایداری و ماندگاری به حساب نمی‌آید. آن چه می‌تواند یک نظم اجتماعی را بیمه کند، چند اصل مهم و مفید زیر است:

۱. اساس نظم و نظام اجتماعی، باید قناعت بخش، مستدل و موجه باشد.
۲. جاذبه لازم و دل‌پذیری مناسب، برای طبع سلیم و فطرت پاک انسانی داشته باشد.
۳. راهکارهای مفید، تأثیرگذار و مثبتی را برای اجرای ارزش‌ها، تحقق شعارها و تأمین خواسته‌ها و نیازهای واقعی مردم، به همراه داشته باشد.
۴. کارگزاران، در عین کارایی و کارآمدی فنی و در مهارت‌هایی متناسب با مسئولیت خویش، صادقانه و با ایمانی راسخ، برای خدمت به مردم تلاش و کوشش کنند.
۵. عدالت و دادگری، پاسخ‌گویی و سرعت و دقت در انجام امور، مد نظر کارگزاران آن نظام باشد. اگر کشوری اصول فوق را با دقت و اهتمام لازم رعایت کند، بدون تردید، پایداری خود را تضمین کرده است. خداوند کریم، اجتماع انسانی را قانون‌مند قرار داده است. اگر بر اساس قوانین و سنت‌های الهی عمل شود، تردیدی نیست که پویایی و پایداری به دست خواهد آمد. خداوند سرنوشت هیچ جامعه‌ای را تغییر نمی‌دهد؛ مگر این که خود آن جامعه، در صدد دگرگونی سرنوشت خویش باشند.

بر این اساس، به دلیل عقلانیت و سازگاری با فطرت، عدالت و تأمین نیازهای جامع انسان‌ها، تنها ایده و عقیده بر حق در جهان امروز می‌باشد.

اگر ملتی اساس نظم و اجتماعی خود را بر اساس اسلام بنا نهاد، بدون تردید از حقانیت بهره‌مند است؛ ولی پایداری این نظام، وابسته به رعایت و عمل به عوامل پایدار ماندن نظم اجتماعی است. قرآن کریم، ایمان و تقوا را در افزایش رفاه و آسایش و نیز در پایداری یک جامعه، مؤثر می‌داند.

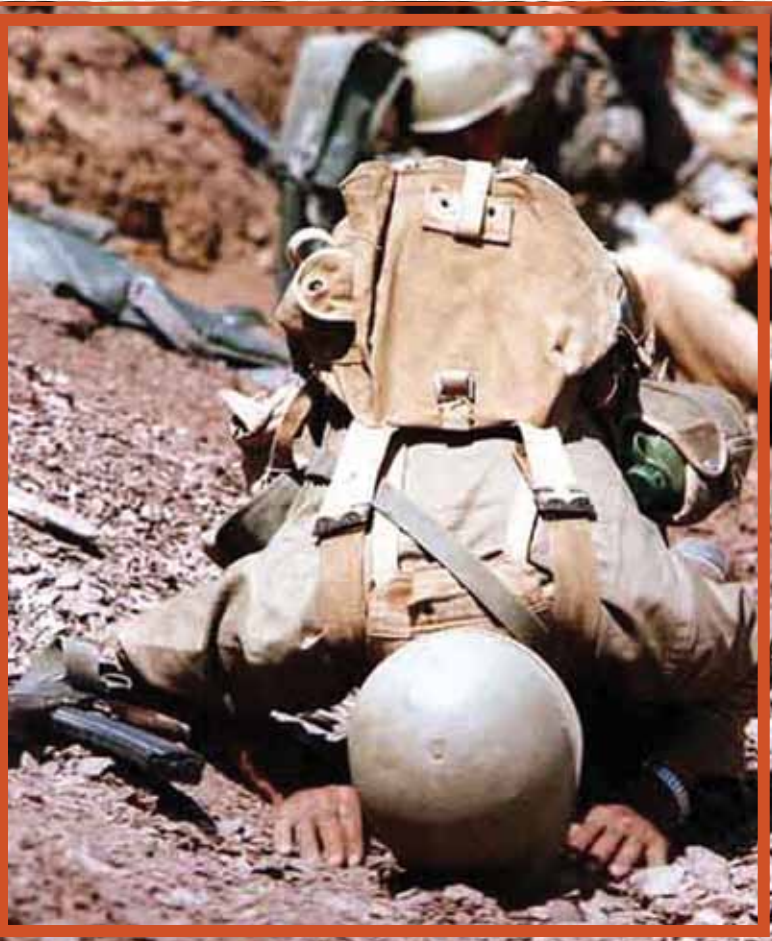
دستورات دینی و آموزه‌های اسلامی، ظرفیت‌های وسیعی برای جاذبه و دل‌پذیری انسان دارد و نظم ناشی از آن، وقتی ماندگار خواهد بود که راهکارهای سازنده و مناسب را در جامعه ایجاد کنیم. بنابراین، صرف شعار اسلامی، برای ماندگاری و مانایی کافی نیست؛ بلکه چه بسا رهن است. اگر شعارها، زیبا و اسلامی باشد، ولی رفتارها، ناهنجار و باطل، بدون تردید، چنین جامعه‌ای رو به زوال خواهد رفت.

## آینده انقلاب اسلامی

با استفاده از آیات و روایات متعددی که وعده پیروزی، گسترش و جهانگیر شدن اسلام را داده است، آینده بسیار درخشانی برای دین مبین اسلام وجود دارد و این، از وعده‌های حتمی و تخلف‌ناپذیر خداوند می‌باشد.

مطالعه حوادث تاریخی در حوزه اسلام و مسلمانان، نشان می‌دهد که گسترش اسلام در جهان، در مجموع، دارای یک روند صعودی است؛ ولی فراز و نشیب‌ها و وقفه‌های طولانی، در این سیر، به وجود آمده است، و برخی از دولت‌های اسلامی، نابود شده‌اند. همه این حوادث، بیان‌گر این اصل مهم قرآنی است که خداوند، سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد؛ مگر آن که آنان آن چه را در خودشان است، تغییر دهند. بنابراین، بقا و دوام هر تحول و انقلابی، همانند هر گونه تغییر و تحول در جوامع بشری، بستگی به خود انسان‌ها دارد.

در مورد آینده ایران اسلامی باید گفت که انقلاب، پدیده‌ای اجتماعی است و



به مثابه موجودی زنده در دریای حوادث، به حیات خویش ادامه می‌دهد و چه بسا با موانع و آفاتی روبه‌رو شود. شناخت آفات و دشمنان انقلاب، عاملی مهم در تحقق آرمان‌های انقلاب، حفظ دستاوردها، تنظیم سیاست‌های کلی نظام، حل مشکلات و حفظ مشروعیت حکومت محسوب می‌شود و آینده هر انقلابی را رقم می‌زند.

استاد مطهری پس از پیروزی انقلاب اسلامی گفت: «امروز نیز ما درست در وضعی نظیر اوضاع ایام آخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داریم؛ اکنون باید از خود ترس داشته باشید؛ از منحرف شدن نهضت و انقلاب است که باید ترس داشته باشید. اگر با واقع‌بینی و دقت کامل با مسائل فعلی انقلاب مواجه نشویم و در آن، تعصبات و خودخواهی‌ها را دخالت دهیم، شکست انقلابمان حتمی خواهد بود؛ درست به همان گونه که نهضت صدر اسلام نیز بر همین اساس، با شکست روبه‌رو شد».

مقام معظم رهبری نیز در ارتباط با ضرورت و اهمیت آسیب‌شناسی انقلاب می‌فرماید: «میکروب رجعت یا ارتجاع، دشمن بزرگ هر انقلاب است که به درون جوامع انقلابی نفوذ کرده، در آنها رشد می‌یابد. نفوذ فساد و ایجاد تردید در اذهان جوانان نسبت به آرمان‌ها، دنیاطلبی، اشتغال به زینت‌های دنیوی و زندگی راحت در جامعه و بروز علائم زندگی تجملاتی در میان عناصر انقلابی، نشانه‌هایی از تأثیر میکروب ارتجاع و عقب‌گرد است. پرداختن به مال و مال‌اندوزی، دچار شدن به فسادهای اخلاقی، مالی و اداری، درگیر شدن در اختلافات داخلی که خود یک فساد بسیار خطرناک است و جاه‌طلبی‌های غلط و نامشروع، کاخ آرمانی انقلاب اسلامی و هر حقیقت دیگری را ویران می‌کند».



قسمت

## اخلاص، وحی و نخمه‌های شاعرانه

◀ دکتر محمد مهدی عبد خدایی

در شماره قبل به بررسی، تعریف، ابعاد، حقیقت و انواع اخلاص در آیات الهی همراه با شواهد ادبی پرداختیم در این شماره به ادامه تاثیرهای اخلاص با شعرا همراه خواهیم شد.

### ۶. نجات از نابودی دنیایی و عذاب آخرتی

سر ارادت ما و آستان حضرت دوست که هر چه بر سر ما می‌رود ارادت اوست بنده مخلص تسلیم محض است؛ زیرا خود را بنده می‌داند و لازمه عبودیت هم تسلیم می‌باشد. هر چه خدا خواهد همان خواهد و هر چه او فرمان دهد همان کند: لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی در دایره قسمت ما نقطه تسلیمیم چون خلیل الرحمن تن به سوختن خویش می‌دهد و چون ذبیح او تن به قربانی خود که می‌گوید: «يَا أَبَتِ أَفْعَلْ مَا تَوْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ». ای پدر انجام ده آنچه که به تو فرمان داده شده است، اگر خدا بخواهد مرا از صابران می‌یابی.

مزن ز چون و چرا دم که بنده مُقبل قبول کرد به جان هر سخن که جانان گفت

### ۷. عصمت

روندگان طریقت ره بلا سپرند رفیق عشق چه غم دارد از نشیب و فراز از جمله شوون مخلصین آن است که نوعی علم و یقینی دارند، غیر از علوم متعارفی که نزد انسان‌های معمول است که خدا به وسیله آن علم، هر گونه بدی و زشتی را از آنان دور می‌کند؛ چنان که خداوند، یوسف (علیه السلام) را از آلوده شدن به گناه و قصد آن حفظ کرد: «... وَهُمْ بِهَا لَوْلَا إِنْ رَأَوْا بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذِبَكَ لَتَنْصَرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ». (یوسف/۱۲، ۲۴)

### ۸. ایمنی از اغوای ابلیس

ابلیس، باطل یا گناهان را برای انسان‌ها زینت می‌دهد تا آن‌ها را گمراه سازد؛ ولی از آن‌جا که قلوب مخلصین به‌طور کامل برای خدا خالص شده و جز او کسی در آن راه ندارد، ابلیس نمی‌تواند آن‌ها را گمراه کند: «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَتَّبِعَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لِأَغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» (حجر/۱۵، ۳۹-۴۰)، «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لِأَغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ». (ص/۸۳-۸۳۸)

### ۹. ستایش شایسته

هر دَمَش با من دلسوخته لطفی دگر است این گدا بین که چه شایسته انعام افتاد خداوند از هر آن‌چه کافران یا مطلق انسان‌ها او را بدان وصف می‌کنند، منزّه است و فقط بندگان مخلص الهی می‌توانند او را آن‌گونه که شایسته است، وصف کنند: «سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ \* إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ». (صافات/۳۷، ۱۵۹-۱۶۰)

دردم از یار است و درمان نیز هم دل فدای او شد و جان نیز هم هم دعا ز تو، اجابت هم ز تو ایمنی از تو مهابت هم ز تو

### ۱۰. برخورداری از رزق معلوم

گرچه جزای انسان‌ها در آخرت، نفس عمل آنان است، مخلصین از این قاعده



### ۱۳. بی نیازی

امیر مؤمنان می‌فرماید:  
 «اول الاخلاص الیاس مِمَّا فی ایدی الناس». آغاز اخلاص نومی‌دی از آنچه در دست مردم است می‌باشد. امیرمؤمنان پنج وصیت بسیار ارزنده دارد که در آنها می‌فرماید:  
 «لا یرجون احد منکم الا ربه». هیچ یک از شما امید به کسی جز پروردگار خود نداشته باشد. از همه باز آمدیم و با تو نشستیم ما در خلوت به روی غیر بیستیم بنده مخلص غیر از خدا کسی را نمی‌شناسد و دست حاجت به سوی شخصی دراز نمی‌کند و دل و امید به احدی نمی‌بندد. سر مرا بجز این در حواله‌گاهی نیست جز آستان توام در جهان پناهی نیست

آشنایان ره عشق گرم خون بخورند ناکسم گر به شکایت سوی بیگانه روم هیچ گاه دست نیاز به سوی احدی دراز نکند و عبودیت توحیدی خویش را مکدر نسازد: حافظ آب رخ خود بر در هر سقله مریز حاجت آن به که بر قاضی حاجات بریم

مستثنایند و برای آن‌ها، بالاتر از جزای عملشان، رزقی معلوم است. مقصود از رزق معلوم، رزقی خاص و جدا از رزق دیگران و بالاتر از آن‌ها است: «وما تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ \* إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ \* أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ» (صافات/۳۷، ۳۸-۴۱)

### ۱۱. شادمانی

بنده مخلص شادمان است، خرسند است، خوشحال است، بهترین نعمت را در آغوش گرفته و سرگرم عشقبازی با اوست، او گدایی در دوست را به شاهی نمی‌دهد و بندگی درگاه او را به خواجگی نمی‌فروشد: و آن دم که بی‌تو باشم یک لحظه است سالی آن دم که با تو باشم یک سال هست روزی

### ۱۲. رضایت قلبی

بنده مخلص افزون بر زینت تسلیم مزین به زیور رضا است؛ زیرا خداوند را هم حکیم می‌داند و هم توانا که قهرا داده‌اش و پدیده‌اش به بهترین وجه می‌باشد. از این رو بگوید: فراق و وصل چه باشد رضای دوست طلب که حیف باشد از او غیر او تمنّای اگر آدمی در این وادی قرار گیرد همه چیز را زیبا می‌بیند و با آغوش باز استقبال می‌کند، با عشق و علاقه می‌پذیرد و زیر شمشیر غمش رقص کنان می‌رود: دلا ز نور هدایت گر آگهی یابی چو شمع خنده کنان ترک سر توانی کرد

خلاقیت غیرقابل انکار عکاس در ثبت تصویری به یادماندنی از سقف چوبی کلیسای پروتستان سنت باووکِرک (St. Bavokerk)، هارلم، هلند.

قسمت

۲

در اقصی نقاط جهان بناهای تاریخی فراوانی مربوط به دوره‌های تاریخی مختلف وجود دارد که البته ما قصد نداریم در مورد این بناها صحبت کنیم، بلکه می‌خواهیم توجه شما را به نکته‌ای در این آثار جلب کنیم که کمتر به آن دقت شده است.

## شکوه، سقف و دیگر هیچ

در بازگشتی به انگلستان دیگر بار به سراغ کلیسای جامع باشکوه دیگری می‌رویم که سقفی خیره کننده دارد، کلیسای جامع سنت ادموندز (St. Edmundes).

کلیسای کلاه فرنگی کلیسای کاتولیک در موستا، مالت است (گاهی اوقات به عنوان موستا گنبد کوتاه نیز شناخته می‌شود). این چهارمین گنبد پشتیبانی نشده در جهان و سومین در اروپا است.

جایی که تزئینات و رنگ و لعاب آن، چشم‌ها را به خود خیره کرده و نگاه را مجذوب خود می‌کند. شاید اثر بی‌بدیل میکل آنژ در نقاشی سقف نمازخانه‌ی سیستین به نوعی تبلور هنر در قالب این بخش از سازه لقب گیرد. جایی که داستان آفرینش به شکلی بی‌نظیر در قالب تصاویری درخشان و بی‌برده به تصویر کشیده شده است.

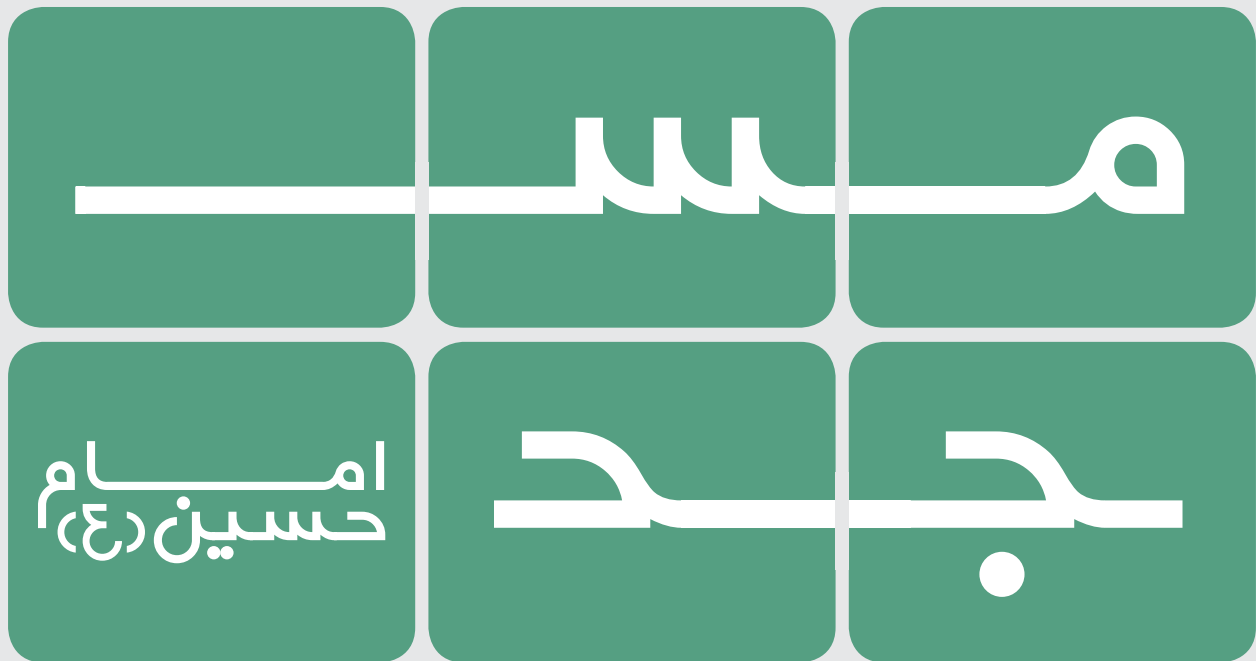
کلیسای مریم مقدس، بنایی در انگلستان که در فهرست میراث جهانی جای داشته و پارک سلطنتی استادلی (Studley Royal Park)، نیز بخشی از آن است. احداث این شاهکار معماری گوتیک عصر ویکتوریایی در سال ۱۸۷۵ به پایان رسید، درست چند سال پیش از آنکه عملیات ساخت کلیسای خاندان مقدس در بارسلونا، آغاز شود.

حالا در یک جهش بلند سری به ساختمان شهرداری سن فرنسیسکو می‌زنیم که بعد از زلزله‌ی سال ۱۹۰۶ مجدداً مرمت و بازگشایی شد.

آرابسک یا "اسلیمی" که از جمله طرح‌های اساسی و مهم در آثار هنری ایران است به نوعی از تزئینات همراه با الگوهای خطوط منحنی پریپچ و خم، به همراه گل و بته گفته می‌شود که انواع گوناگونی دارد.

نه چندان وسیع ولی با قدمتی چند صد ساله، کلیسای نوتردام معروف در شهر مارسی فرانسه، کلیسایی مسحور کننده که با تزئینات معماری دوره‌ی نئویزنانتین و آرابسک (Arabesque) آراسته شده است.

میراثی ارزشمند که به بهترین شکل عظمت و شکوه دنیای باستان را نمایندگی می‌کند. این جا سقف بخشی از "Maison Carree" یا (Square House)، در نیما (Nimes)، فرانسه است.



❖ جلسه معلمین ورودی ۱۳۹۳ در مسجد امام حسین (ع)  
۲۵ آبان ۹۳ (۳۶)

❖ جلسه معلمین ورودی ۱۳۹۳ در مسجد امام حسین (ع)  
۲۵ آبان ۹۳ (۳۶)

❖ نصب پرچم امام حسین بر گنبد مسجد امام حسین  
شب اربعین ۲۲ آذر ۹۳

❖ نصب پرچم امام حسین بر گنبد مسجد امام حسین  
شب اربعین ۲۲ آذر ۹۳

◀ مراسم عزاداری اربعین سرور و سالار شهیدان  
حضرت ابی عبد الله الحسین در مسجد امام حسین(ع)

◀ مراسم عزاداری اربعین سرور و سالار شهیدان  
حضرت ابی عبد الله الحسین در مسجد امام حسین(ع)

◀ مراسم عزاداری اربعین سرور و سالار شهیدان  
حضرت ابی عبد الله الحسین در مسجد امام حسین(ع)

◀ مراسم عزاداری اربعین سرور و سالار شهیدان  
حضرت ابی عبد الله الحسین در مسجد امام حسین(ع)

◀ مراسم عزاداری اربعین سرور و سالار شهیدان  
حضرت ابی عبد الله الحسین در مسجد امام حسین(ع)





# ان الله و ملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه

خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید! بر او درود بفرستید و سلام گوید

Allah and His angels send blessings on the Prophet,  
O ye that believe! Send ye blessings on him

❖ دیدار معلمان مدرسه خدیجه  
با نماینده مقام معظم رهبری / مهر ۱۳۹۳

❖ جلسه مدیران و رابطین فرهنگی با  
آیت الله مدنی آذر ۱۳۹۳

❖ جلسه مدیران و رابطین فرهنگی با  
آیت الله مدنی آذر ۱۳۹۳

❖ جلسه مدیران و رابطین فرهنگی با  
آیت الله مدنی آذر ۱۳۹۳

❖ جلسه مدیران و رابطین فرهنگی با  
آیت الله مدنی آذر ۱۳۹۳

❖ مراسم سوگواری و عزاداری  
مدیران و کادر آموزشی همراه با دانش آموزان مدارس

❖ تشریف به دین مبین اسلام دبی ۱۳۹۳

❖ تشریف به دین مبین اسلام دبی ۱۳۹۳

❖ تشریف به دین مبین اسلام دبی ۱۳۹۳

❖ تشریف به دین مبین اسلام دبی ۱۳۹۳

# بازو

## کوچه‌های آشتی کنون مخصوص همسران



یکی از مهارت‌های مهم در زندگی همه ما توانایی آشتی کردن بعد از هر دعوا و اختلاف است. به عبارت دیگر اگر نتوانیم رابطه‌ای که در حال خراب شدن است را نجات دهیم، در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی مان محکوم به از دست دادن بسیاری از افرادی هستیم که دوستشان داریم، اما اختلافی بین مان رخ داده و کار به جاهای باریکی مثل قهر کردن کشیده است.

در روابط انسانی با وجود تمام شباهت‌ها، باز هم ممکن است اختلافی رخ دهد و دو نفر نتوانند همان موقع آن را حل کنند. در چنین مواقعی، ناراحتی بین آن‌ها می‌ماند و مدتی از هم دلخور هستند.

این اتفاق تا به حال در زندگی همه ما رخ داده است، اما مهم این است که بعد از هر دعوایی، بتوان آشتی کرد. آشتی کردن، یک اتفاق شیرین است، ولی مراحل انجام آن چندان شیرین نیست. اصولاً دو طرف دعوا دوست دارند که دیگری پیش‌قدم شود.

در روابط همسران که به خاطر نزدیکی زیاد زن و شوهر و همچنین تنیدگی کارها و تصمیمات آن‌ها در یکدیگر، احتمال بروز دعوا و قهر کردن زیاد است، باید برای آشتی کردن یک ضرب‌الاجل تعیین کرد. بعضی از زندگی‌ها بر سر یک موضوع پیش‌پاافتاده و تنها به خاطر این که هیچ کدام برای آشتی پیش‌قدم نشده‌اند، از هم‌پاشیده است.

اگر دعوا نمک زندگی است، قهر چون فلفل تند است که فقط سروسوزن آن را می‌توان تحمل کرد و وقتی بیشتر شود، نتیجه‌اش، آتش گرفتن کام شیرین همسران است.

بگذارید برایتان یک داستان تعریف کنم. داستانی که متعلق به شهر پریا و خانه هفت کوتوله نیست، داستانی که همین گوشه و کنار، حوالی خانه من و شما، زیاد اتفاق می‌افتد. شاید هم اصلاً همین‌جا در خانه خودمان هم نمونه‌اش را دیده باشیم.

«حامد، وقتی عصبانی می‌شود، کنترل رفتار و حرف‌هایش را از دست می‌دهد. او همسرش را دوست دارد و نقش یک مرد خانواده را از پدرش آموخته است؛ پدرش مردی بود که محبتش را در انارهایی نشان می‌داد که صندوق برای خانه می‌خرید؛ چون حاج‌خانم، عاشق انار بود، اما هیچ وقت این را به زبان نمی‌آورد. حامد در چنین خانه‌ای بزرگ شده و حالا چند سالی است که خود مرد خانواده شده است. زنش را خیلی دوست دارد، اما ابراز آن برایش سخت است؛ مخصوصاً وقتی دعوایشان می‌شود، آن وقت است که حرف‌هایی را می‌گوید که نباید! این بار هم دعوایشان بالا گرفت و مریم هم برای جا نماندن از قافله، جواب حامد را داد. حامد بعد از توهین کردن، از خانه خارج شد و به خیابان پناه برد. مریم چندساعتی را در خانه تنها بود، مدام فیلم دعوایشان را از ابتدا تا انتها نگاه کرد. حرف‌های تلخی که همسرش به او گفته بود را دوره کرد و هر بار بیش‌تر از بار قبل، عصبانی و دل‌شکسته شد. او تقریباً بیست بار حرف‌های حامد و مخصوصاً ناسازی که گفته بود را تکرار کرد. حال او زنی بود که بیست بار همسرش به او توهین کرده است.

از آن طرف حامد کمی در خیابان‌ها راه رفت و فکر کرد. پیش خود به این نتیجه رسید که زیاده‌روی کرده و باز هم مثل همیشه عصبانیتش بیش‌ازحد بوده است. تصمیم گرفت



که باید با آن زندگی کنیم، نه رویاهای دوران نوجوانی.  
 • اگر بخواهیم منتظر پیش قدم شدن همسرمان بشویم شاید کار از کار بگذرد. اگر زمان دعوا طولانی شد، باید ببینیم درازای چیزی که به دست می آوریم چه چیزی را از دست می دهیم.

• یادتان باشد شما به زودی با همسران آشتی می کنید، اما تصویری که از او در هنگام ناراحتی در ذهن دیگران می سازید، هرگز فراموش نمی شود. در زمان قهر و دلخوری با دیگران در مورد همسران صحبت نکنید.  
 • با همسران صحبت کنید. از همین دلخوری پیش آمده، شروع کنید و از گذشته های دور یاد نکنید. پس از رفع دلخوری او را وادار نکنید به گناهش اعتراف کند و از شما عذر بخواهد. این امر غرورش را می شکند و این کار وضع را بدتر می کند.

• مادر بزرگم می گفت: زن و شوهر حتی در موقع قهر هم باید بالششان کنار هم باشد. هیچ وقت به خاطر این که قهر هستید، جای خوابتان را جدا نکنید. اصلاً گاهی دلخوری های کوچک خیلی ساده به خاطر یکجا خوابیدن برطرف می شود، اما دلخوری های ریشه ای را باید بعد از برطرف شدن به این روش، با گفتگوی صحیح حل کرد.

• و در آخر این جمله مرحوم شبکیایی را در خانه تان عملی کنید: "چه معنی داره تو این خونه کسی با کسی حرف نزنه؟" حتی در موقع دلخوری و قهر هم در حد ضرورت صحبت کنید.

#### یک روش ساده برای حل همه دعاواها

مناسب ترین شیوه برای آشتی کردن و پایان دادن به مشاجره های زناشویی استفاده از روش دیالکتیک است. پیش فرض این روش آن است که یک فکر یا یک جمله هم می تواند هم درست باشد و هم غلط. به کار بردن قیدهای احتمالی مانند گاهی، برخی اوقات و... در این روش بسیار دیده می شود و از قیدهای مطلق مثل همیشه، هیچ وقت پرهیز می شود. در روش دیالکتیک، مطلق اندیشی و باید و نباید ها وجود ندارد. در دل این شیوه همدلی وجود دارد و احترام به تفاوت های فردی در آن نهفته است. این روش به ما می گوید همسر ما حتی بعد از دعوا هم انسان بدی نیست و مسلماً دارای برخی ویژگی های مثبتی است که باعث برتری او نسبت به دیگران در انتخاب مان شده که می توان با تکیه روی آن خصوصیات پیشقدم آشتی کردن شد. مثلاً اگر زوجه در باره مسئله پیش پا افتاده ای مثل اینکه عید امسال اول باید به خانه کدامیک از والدین بروند مشاجره کنند، به راحتی با این دیدگاه می توانند مسئله را حل کنند. مثلاً عید امسال اول به منزل خانواده تو می رویم و عید سال آینده به دیدن خانواده من می رویم.

که برگردد، اما هرچه کرد نتوانست مانند فیلم ها یک دسته گل بخرد و به خانه بیاید. او برگشت و اثری از پشیمانی در صورتش نبود، اما با ورودش به خانه، سلام کرد. مریم جواب او را نداد. حامد وارد آشپزخانه شد و گفت: "شام چی داریم؟" این بدترین حرفی بود که مریم می توانست بشنود. پیش خود گفت: "به من توهین کرده، خانه را ترک کرده و توقع شام هم دارد؟"

همین جا داستان را نگه دارید. اگر حامد فقط می خواست شام بخورد، می توانست بیرون از خانه بهترین غذاها را پیدا کند. او این کار را نکرد، چون می خواست هرچه زودتر به خانه برگردد و آشتی کند، اما حامد نیا موخته است که برای آشتی کردن باید از چه جملاتی استفاده کند.

"شام چی داریم" یعنی: متأسفم که عصبانی شدم، فریاد زدم، توهین کردم و خانه را ترک کردم. بیا فراموش کنیم و بگو شام چی داریم؟

برعکس این داستان هم اتفاق افتاده است. وقتی مریم مقصر بوده و با حامد تماس گرفته و جای عذرخواهی گفته است: "موقع برگشت حتماً نان بخر!"

این "نان بخر" یعنی: من اشتباه کردم، زودتر بیا خانه که منتظرت هستم. هرچند این طور دوپهلو حرف زدن، کار طرف مقابل را سخت می کند، اما باید در زندگی مشترک، معنی «شام چی داریم» و «نان بخر» های همسران را بدانیم. گاهی برخی نشانه های خیلی ساده یعنی بیا آشتی کنیم. در موقع دعوا باید به دنبال بهانه ای برای آشتی کنان باشیم. طول کشیدن قهر، می تواند به روابط همسران آسیب جدی برساند. کافیست وقتی حامد می گفت شام چی داریم؟ مریم جواب می داد: "شام نداریم، اما الان به چیزی درست می کنم." ممکن بود این جواب، شوهر کمی تا قسمتی لجباز را آرام کند تا جایی که بگوید پشیمان است. آشتی کردن، یک مهارت بسیار مهم برای حفظ زندگی زناشویی در مواقع بحران است. باید این مهارت را بیاموزیم تا با قهرهای طولانی، زندگی را به سمت سردی پیش نبریم.

#### چند پیشنهاد ساده در موقع قهر کردن با همسر مخصوص شما

• زندگی یک فیلم خانوادگی نیست، گاهی این که توقع داشته باشیم همسرمان مثل شخصیت فلان سریال در هنگام دعوا برایمان نامه عاشقانه بنویسد، خیلی اشتباه است. بپذیریم که زندگی واقعی و خصوصیات همسرمان، آن چیزی است



## ما چه کار باید بکنیم؟

• برای آموزش مسوولیت پذیری چه باید کرد؟ بیایید با هم یک نمونه خوب را بخوانیم: «خانواده سارا برای خرید با دوستان خود قرار گذاشته‌اند. قرار است ساعت ۲ حرکت کنند و با هم گشتی در مراکز خرید بزنند. مادر کارهایی را که قبل از رفتن باید انجام شود خیلی روشن اعلام می‌کند و با سپردن مسوولیت‌های هر کس به او، می‌گوید فقط کسانی به خرید می‌روند که کارهایشان را تمام کرده باشند. سارا دارد سریال تماشا می‌کند اما مادر می‌داند که او خوب بلد است ساعت را بخواند ساعت ۱:۳۰ شده و سارا هنوز مشغول تماشای تلویزیون است. مادر در حالی که آماده می‌شود به سارا می‌گوید: «به نظر می‌رسد تصمیم گرفتی با ما نیایی. واقعا اگر می‌آمدی به ما بیشتر خوش می‌گذشت.» با وجود ناراحتی سارا و داد و بیدادش، مادر با لبخند با او همدلی می‌کند و می‌گوید واقعا ناراحت‌کننده است که آدم جمعه بعدازظهر در خانه تنها باشد و این که امیدوار است دفعه بعد او تصمیم بگیرد آن‌ها را همراهی کند.»

• شاید آن چه گفته شد به نظر خیلی هم منطقی برسد و با خودتان بگویید خوب، معلوم است، خیلی واضح است که باید در چنین موقعیت‌هایی چطور رفتار کرد، اما در واقعیت و در زندگی روزمره، این سناریوها برای خیلی از والدین حتی ترسناکند. آن‌ها با این که می‌دانند که فرزندشان از زیر بار مسوولیت شانه خالی می‌کند و خوب درک می‌کنند که باید اقدامی در این زمینه انجام بدهند، نمی‌توانند روش خود را تغییر بدهند. در نهایت هم کودک آن‌ها یا همیشه با آن‌ها چسبیده و وابسته است یا این که هیچ کاری انجام نمی‌دهد و همیشه منتظر می‌ماند دیگران وظایف او را انجام بدهند.

• برای مسوولیت داشتن باید حق انتخاب هم داشته باشد. موقعیتی را فرض کنید که والدینی همراه فرزند خود برای خرید لباس رفته‌اند. کودک، لباسی نارنجی‌رنگ می‌پسندد که عکس کارتون بزرگی روی آن است. والدین آن را نمی‌پسندند، چون رنگش با سلیقه‌ای که دوست دارند فرزندشان به خرج بدهد جور نیست یا این که از عکس روی آن خوششان نیامده است. به همین دلیل هم، برای این که به او نشان بدهند چه‌طور باید انتخاب کند، یک لباس متناسب از نظر خود انتخاب کند، یک لباس متناسب از نظر خود انتخاب می‌کند. برای منصرف کردن فرزند خود از انتخابش هم ممکن است جمله‌های متفاوتی به او بگویند، مثلا این که رنگش خوب نیست، رنگش به شلوارت نمی‌آید، چند تا لباس این رنگی می‌خواهی داشته باشی و... بدون این که به احساسش توجه کنند. در عوض، کودکی را تصور کنید که می‌داند باید لباسی انتخاب کند که در محدوده قیمتی تعیین شده باشد، از نظر گرمایی هم مناسب فصل باشد. در این چارچوب نه چندان کوچک، می‌تواند با سلیقه خودش، رنگ و شکل لباسش را انتخاب کند. هم والدین از این انتخاب راضی خواند بود و هم، خودش.

• بهترین راهکار، ارائه یک چارچوب بزرگ و کلی است که فقط اولویت‌های واقعا مهم را در بر بگیرد. در این چارچوب، کودک می‌تواند دست به انتخاب بزند. بدین ترتیب، هم از راهنمایی‌های والدین بهره برده، هم می‌تواند دست به انتخاب بزند بدین ترتیب، هم از راهنمایی‌های والدین بهره برده، هم می‌تواند احساس کند که حق انتخاب دارد.

• معیارهایی که در نظر می‌گیرید را روی کاغذ بیاورید.

• مواردی که یادداشت کرده‌اید را بازنگری کنید و مواردی که واقعا مهم و ضروری نیستند را حذف کنید.

• مواردی که به سلیقه مربوط می‌شوند را به فرزند خود واگذار کنید و فراموش نکنید که او هم به عنوان یک انسان، می‌تواند سلیقه خودش را داشته باشد.

• به انتخاب‌های فرزند خود اهمیت بدهید و حتی اگر با آن‌ها موافق نیستید، او را مسخره و تحقیر نکنید.

• در صورتی که فرزندتان معیارهای مهم و ضروری را نادیده گرفته، برایش توضیح بدهید. در عین حال از نکات خوبی که در نظر گرفته غافل نشوید و آن‌ها را هم ببینید. یادتان نرود که قرار است راهنمای او باشید، نه قاضی انتخاب‌هایش.

• اگر انتخاب مناسبی نداشته، فقط در همین مورد صحبت کنید و بقیه رفتارها و ویژگی‌هایش را زیر سوال نبرید.



## چطور فرزندان مسوولیت‌پذیر داشته باشیم؟

### گذار آب در دلش تکان بخورد

از آموزش‌هایی که هر پدر و مادری آرزو دارند فرزندشان به خوبی آن را فرا بگیرد و در زندگی‌اش به کاربرد، مسوولیت پذیری است. هر چند در پرونده مربوطه خواندیم که خیلی وقت‌ها همین پدر و مادرها بدون این که حواسشان باشد، مانع مسوولیت پذیری بچه‌هایشان می‌شوند. اما زندگی یک قانون ساده و مهم دارد: هر چه بکارید، محصولی دارد و هر عملی که انجام دهید، نتیجه‌ای دارد. اگر فرزند شما این قانون بسیار مهم را از شما یاد نگیرد و در زندگی‌اش مسوولیت پذیر نشود، مجبور می‌شود در زندگی آینده خود بهای گزافی را برای آموختن آن بپردازد.

### یاد نگیرد چه می‌شود؟

اولین مساله، بار اضافی است که به مادر و پدر و یا هر دو تحمیل می‌شود. آن‌ها علاوه بر مسوولیت‌های خود، باید مسوولیت‌های فرزند یا فرزندان خود را هم انجام بدهند. خستگی، استرس، خشم و در نهایت رابطه‌ای ناسالم بین والدین و فرزندان، نتیجه‌ای حتمی است. دوم این که فرزندان مراحل رشدی را که باید طی نمی‌کنند. مثل کودکی که سن آموختن را فراموش کرده اما هنوز بلد نیست راه برود. اعتماد به نفس، عزت نفس، قدرت برنامه‌ریزی، کشف، قدرت مدیریت موقعیت‌های جدید و... همه فرصت‌هایی هستند که از کودک گرفته می‌شود. از دست دادن این فرصت‌ها، تأثیری بلندمدت دارد که می‌تواند برای همیشه، مانند یک ویژگی یا صفت با کودک شما باقی بماند. از سوی دیگر، انجام همه کارها به جای کودک، ممکن است در او این تصور اشتباه را به وجود بیاورد که از عهده همه کارها بر می‌آید و هرگز با شکست روبه رو نخواهد شد. این باور به توانایی داشتن در همه کارها، بالاخره روزی با واقعیت روبه رو خواهد شد و پذیرش ناتوانی‌ها در آن زمان برای فرزند شما می‌تواند خیلی گران تمام شود.

## مجموعه: مهارت‌های زندگی

۱. برای افزایش طول عمر چرخ گوشت از برش‌های کوچک گوشت استفاده کنید، برش‌های بزرگ علاوه بر این که با فشار وارد محفظه چرخ گوشت می‌شود، باعث می‌شود فشار زیادی به موتور دستگاه وارد شود.

۲. هرگز برای خرد کردن سبزیجات از چرخ گوشت استفاده نکنید، آب موجود در سبزی‌ها ممکن است به موتور دستگاه نفوذ کند و باعث خرابی آن شود.

۳. بعد از هر بار استفاده از چرخ گوشت محفظه و تیغه‌های داخلی آن را به خوبی پاک کنید و اجازه ندهید کوچک‌ترین ذره‌ای از گوشت یا چربی درون محفظه دستگاه باقی بماند.

۴. هنگام خرید چرخ گوشت دقت کنید تیغه‌ها و صفحات برش درون دستگاه ضدزنگ باشد، ضد زنگ بودن این قطعات مانع از زنگ زدن و فرسودگی بعد از شست و شوی مکرر می‌شود.

۵. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های چرخ گوشت، قدرت موتور و سیستم چرخش معکوس آن است، هنگام انتخاب چرخ گوشت به میزان قدرت و توان موتور آن توجه کنید.

۶. برای مدت زمان طولانی از دستگاه چرخ گوشت استفاده نکنید، موتور چرخ گوشت‌های خانگی، قدرت چرخ گوشت‌های صنعتی را ندارد و در صورتی که برای مدت طولانی بیشتر از ۱۵ دقیقه از آن استفاده کنید عمر دستگاه کم می‌شود.

۷. هنگام چرخ کردن گوشت، پیاز به آن اضافه نکنید، اضافه کردن پیاز ممکن است موجب خرابی موتور شود چون امکان نفوذ آب پیاز به دستگاه وجود دارد.

۸. هر ۳ ماه یک بار برای تیز کردن تیغه دستگاه اقدام کنید، در ضمن اگر، تصمیم دارید مقدار زیادی گوشت را چرخ کنید، باید هر چند دقیقه یک بار به دستگاه استراحت کوتاهی بدهید.

۹. همیشه هنگام چرخ کردن گوشت، گوشت کوب چرخ را درون محفظه استوانه‌ای قرار دهید تا از وقوع حادثه پیش بینی نشده پیشگیری کنید.

۱۰. اگر قصد خرید چرخ گوشت جدیدی را دارید بعد از آن که از قدرت موتور آن مطمئن شدید به تعداد قطعات آن توجه کنید، چرخ گوشت‌هایی را انتخاب کنید که تمیز کردن و شست و شوی آن ساده و آسان باشد.

۱۱. تیز بودن تیغه‌های چرخ گوشت اهمیت زیادی دارد، اگر تیغه از آلیاژ نامناسب باشد و به اندازه کافی تیز نباشد هنگام چرخ کردن باعث له شدن گوشت می‌شود.

۱۲. در صورتی که قصد دارید چرخ گوشت تان را روی کابینت آشپزخانه بگذارید هنگام خرید به ارتفاع آن توجه کنید.

۱۳. هرگز چرخ گوشت را بدون گوشت روشن نگذارید، این کار موجب می‌شود تا دور موتور دستگاه بالا برود و موجب افزایش گرما و فرسودگی قطعات موتور شود.

۱۴. در صورتی که بیش از ۶ ماه از چرخ گوشت تان استفاده کرده‌اید و تیغه آن کند شده است، برای تیز کردن تیغه اقدام کنید.

۱۵. سعی کنید از گوشتی استفاده کنید که بدون رگ و پیه باشد، چون رگ و پیه گوشت به تیغه‌های دستگاه گیر می‌کند و مانع چرخش تیغه و در نهایت وارد آمدن فشار به دستگاه می‌شود.



در استفاده از چرخ گوشت باید نکاتی را مدنظر داشته باشید و هر بار هنگام استفاده از چرخ گوشت و شست و شوی آن به توصیه‌هایی که در ادامه می‌آید عمل کنید.  
برای آن که چرخ گوشت سالمی داشته باشید و نگران طول عمر و خرابی قطعات یا موتور آن نباشید تنها باید نکاتی را مدنظر داشته باشید و هر بار هنگام استفاده از چرخ گوشت و شست و شوی آن به توصیه‌هایی که در ادامه می‌آید عمل کنید.



## کیش اسفناج و کدو حلوایی

### مواد لازم

- برگ اسفناج کوچک / ۱۰۰ گرم
- کدو حلوایی / ۷۰۰ گرم
- پنیر ریکوتا / ۸۰ گرم
- شیر / ۶۰ میلی لیتر
- ریحان تازه / ۱/۳ پیمانه
- تخم مرغ / ۴ عدد
- سفیده تخم مرغ / ۲ عدد
- سیر / ۲ حبه
- تره فرنگی / ۱ عدد
- روغن زیتون / به مقدار لازم
- سبزی (ریحان، جعفری و...) / به مقدار دلخواه

- تره فرنگی را افزوده و بپزید تا نرم شود. سیر را افزوده و برای ۱ دقیقه آن را سرخ کنید تا نرم شود.
- اسفناج را اضافه کنید و برای ۳ دقیقه آن را بپزید تا نرم شود.
- تابه‌ای ۲۶ در ۱۶ سانتی‌متری را با کاغذ روغنی بپوشانید. کدو تنبل‌ها و مخلوط تره‌فرنگی را به‌طور یکدست در تابه پخش کنید.
- تخم مرغ، سفیده تخم مرغ و شیر را در کاسه‌ای ریخته و سریع هم بزنید.
- مخلوط تخم مرغ را روی کدو تنبل و تره فرنگی بریزید.
- پنیر ریکوتا را یکدست روی مواد بپاشید.
- آن را برای ۲۰ دقیقه در فر بپزید تا پف کند و طلایی شوند. روی آن ریحان بپاشید.
- اگر مایلید این غذا را با سبزیجات مختلف (شاهی، کاهو، جعفری و...) سرو کنید.

- سیر را له کنید.
- فر را روی دمای ۲۰۰ درجه سانتی‌گراد گرم کنید.
- کدو حلوایی را پوست گرفته و به قطعات ۲ سانتی‌متری خرد کنید.
- روی یک سینی فر بزرگ را با کاغذ آشپزی بپوشانید. کدوها را روی سینی قرار دهید و روی آنها روغن زیتون بمالید. به کدوها فلفل بزنید و برای ۲۵ دقیقه آنها را بپزید تا طلایی شوند.
- تابه‌ای بزرگ و نجسب را روی شعله متوسط داغ کنید. با روغن زیتون آن را چرب کنید.
- فقط قسمت سفید رنگ تره‌فرنگی را اضافه کنید (تره را از طول به دو نیم کرده، بشوئید و خشک کنید)، بعد از عرض به قطعات باریک خرد کنید.

## کتک کدو حلواتی

### مواد لازم

- کیک ساده / ۴۳۰ گرم
- کره ذوب‌شده / ۷۵ گرم
- کدو حلواتی پخته‌شده / ۶۵۰ گرم
- تخم مرغ / ۴ عدد
- شکر قهوه‌ای / ۱/۲ پیمانه
- شیر / ۲/۳ پیمانه
- کره سرد و قالبی / ۶۰ گرم
- شکر سفید / ۱/۲ پیمانه
- گردوی خردشده / ۱/۴ پیمانه

- داخل قالب فر می‌ریزیم.
- در یک کاسه کوچک کره سرد و قالبی، شکر سفید و یک پیمانه کیک خردشده که در مرحله اول نگه داشتیم با همزن خوب مخلوط می‌کنیم تا بصورت دانه‌های درشت و مجزا درآید. آن را روی دو لایه قبلی داخل قالب فر ریخته و روی آن به‌طور یکنواخت گردوی خردشده می‌ریزیم.
- قالب را داخل فر قرار داده و کیک را به مدت ۴۵ تا ۵۰ دقیقه می‌پزیم تا سطح آن طلایی شود.

- ابتدا فر را روی درجه ۱۷۵ درجه سانتی‌گراد گرم کرده و یک قالب مستطیلی ۲۳ در ۳۰ سانتی‌متری را با کاغذ روغنی بپوشانید و کاغذ روغنی را کمی چرب کنید.
- کیک را با چنگال کاملاً خرد کرده و یک پیمانه از آن را کنار بگذارید. باقی آن را با کره آب‌شده و یک عدد تخم‌مرغ کاملاً مخلوط کنید تا یکدست شوند، سپس این مخلوط را کف قالبی که آماده کرده‌ایم پهن می‌کنیم.
- در یک کاسه بزرگ کدو حلواتی پخته شده، شکر قهوه‌ای، شیر و ۳ عدد تخم‌مرغ و ادویه پای کدو را مخلوط کرده و کاملاً هم می‌زنیم سپس آن را روی مخلوط قبلی

# تنبل و این همه خاصیت!



اسمش کدوتنبل است! البته به آن کدو حلوائی هم می‌گویند. قد و قواره‌ای ندارد: گرد و قلبه و بامزه است. اما زیر آن پوست کلفت و نارنجی رنگ دنیایی از خاصیت وجود دارد که سلامتی را تضمین می‌کند اما اینکه چرا اسمش را تنبل گذاشته‌اند فلسفه‌اش را نمی‌دانم. کدوتنبل منبع فوق‌العاده‌ی بتاکاروتن است که برای سلامت چشم‌ها و پروستات مفید است و به کاهش خطر ابتلا به سرطان کمک می‌کند. با ما باشید تا با دنیای این کدو بیشتر آشنا شوید.

## تخمه‌ی کدو برای پروستات

البته نباید انتظار معجزه داشت اما نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تخمه‌ی کدو تأثیر مثبتی روی سلامت پروستات دارد. در طب سنتی از تخمه‌ی کدوتنبل برای درمان بزرگی خوش‌خیم پروستات استفاده می‌کنند. ترکیبات موجود در تخمه‌ی کدو روی ادرار کردن تأثیر می‌گذارد اما روی حجم پروستات تأثیری ندارد. البته نتیجه‌ی پژوهش دیگری که در سال ۲۰۰۶ روی موش‌ها انجام شده نشان می‌دهد که مصرف تخمه‌ی کدو روی این ارگان تأثیر مثبت دارد.

## کدوتنبل خطر ابتلا به سرطان را کاهش می‌دهد

کدوتنبل تقریباً به اندازه‌ی هویج حاوی کاروتنوئید است. این ترکیبات آنتی‌اکسیدانی برای مقابله با سرطان، بیماری‌های قلبی عروقی یا آفتاب‌سوختگی موثرند. نتایج پژوهش‌های اپیدمیولوژیک نشان می‌دهد رابطه‌ای بین مصرف سبزیجات سرشار از کاروتنوئیدها و کاهش سرطان به ویژه سرطان پروستات، سینه و کولون وجود دارد. علاوه بر این کریپتوگزانتین و آلفا کاروتن دو نوع دیگر از این کاروتنوئیدها هستند که قادرند از رشد و تکثیر سلول‌های سرطان‌زا جلوگیری کنند. به نظر می‌رسد که مصرف کاروتنوئیدهای غذایی خیلی بهتر از مصرف مکمل است. توصیه می‌کنیم مصرف مواد غذایی نارنجی را در برنامه‌ی غذایی‌تان بگنجانید.

## کدوتنبل برای مقابله با پیری چشم‌ها

کدوتنبل حاوی لوتئین و زآگزانتین است. این دو رنگدانه‌ی کاروتنوئیدی برای سلامت چشم‌ها مفیدند. این رنگدانه‌ها مانند فیلتری در برابر نور آبی اشعه‌های خورشیدی عمل می‌کنند که برای سلامتی سلول‌های شبکیه مضر هستند. در سال ۲۰۰۱ یک گروه از محققان فلوریدا ثابت کردند افرادی که میزان این دو رنگدانه‌ی بدنشان زیاد است ۸۲ درصد کمتر در معرض ابتلا به دژنراسیون ماکولای مربوط به پیری قرار می‌گیرند. نتایج پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد مصرف زیاد لوتئین و زآگزانتین چه از طریق مصرف مواد غذایی سرشار از این رنگدانه چه از طریق مصرف مکمل‌ها میزان این دو رنگدانه‌ی شبکیه را بالا می‌برد.

## خواص کدو تنبل، فواید تخمه کدو کدوتنبل و قند خون

سال پیش محققان آمریکایی به این نتیجه رسیدند که عصاره‌ی کدوتنبل می‌تواند به کاهش قند خون حیوانات و انسان کمک کند. اثرات مثبت کدو به کاروتنوئیدها و برخی از پلی‌ساکاریدهای آن مربوط می‌شود. البته واقعیت این است که کدوتنبل می‌تواند به طور جزئی قند خون را بالا ببرد که در این مورد هم جای نگرانی نیست.

## کدوتنبل برای تقویت سیستم ایمنی بدن و ریه‌ها

محققان آمریکایی بررسی‌های گسترده‌ای روی بتاکاروتن انجام داده و به این نتیجه رسیدند علاوه بر این که این ترکیبات خواص آنتی‌اکسیدانی دارند بلکه می‌توانند به عملکرد برخی از سلول‌های سیستم ایمنی بدن کمک کنند. برای همین هم باعث تقویت این سیستم می‌شوند.

اگر سیگار می‌کشید نیز می‌توانید به خواص مفید کدوتنبل اعتماد کنید. به خاطر اینکه ترکیبات آنتی‌اکسیدانی آن به سلامت ریه‌ها خدمت زیادی می‌کنند. توجه داشته باشید که برای سیگاری‌ها مصرف بتاکاروتن موجود در مواد غذایی مفید می‌باشد و این افراد باید از مصرف مکمل بتاکاروتن بپرهیزند. به خاطر اینکه این مکمل‌ها خطر ابتلا به سرطان را در این افراد بالا می‌برد.





## جایگاه حضرت زینب سلام الله علیها در روایات

تهیه و تنظیم: عباسعلی مردی

سلام الله علیها وارد شد، زیرا با وجود این، از هیچ یک از مورخان نشنیده‌ایم که به حضرت زهرا سلام الله علیها ام المصائب بگویند. حالا ببینید چه بر سر زینب کبری آمده و چه مصائبی را تحمل کرده است که خدا و پیغمبر به او کنیه «ام المصائب» داده اند.

وقتی پیغمبر این را فرمود، حضرت زهرا سلام الله علیها به پیغمبر عرض کردند: «أینما ما لَمَن بکی علیها و علی مصائبها؛ یعنی خدا چه مزدی می‌دهد به کسی که برای این زینب و مصائبش گریه کند؟»

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَن بکی علیها و علی مصائبها کان له اجرٌ من بکی علی الحسن و الحسین»؛ کسی که بر زینب و مصیبتش گریه کند، برابر است با ثواب گریه بر امام حسن و امام حسین علیهم السلام؛ یعنی این جا گریه بر یک زن، مساوی با گریه بر دو مرد است، که «سیدا شباب اهل الجنة» هستند.

کتاب های بسیاری هم درباره حضرت زینب سلام الله علیها تدوین شده و همان طور که درباره امام حسین علیه السلام کتاب های مختلفی نوشته شده است، در مورد حضرت زینب سلام الله علیها نیز کتاب های مختلفی وجود دارد؛ حتی اندیشمند مسیحی مصری درباره ایشان، کتاب نوشته است.

یکی از نویسندگان تردست عرب، به نام «علی محمد علی دخیل» کتابی نوشته به نام «اعلام النساء»، یعنی «بزرگ زنان». کتاب هایش عموماً مفید است و درباره حضرت زینب سلام الله علیها هم کتابی نگاشته که انصافاً کتاب هایش در این باره غوغا می‌کند.

### ■ زینب کبری و نماز شب

یک روایت از حضرت سجاد علیه السلام نقل شده که نشان می‌دهد، حضرت زینب سلام الله علیها از دیدگاه ائمه علیهم السلام چه جور شخصیتی است. همین یک سخن را ببینید، چقدر ما را اشباع می‌کند! حضرت سجاد علیه السلام فرمودند: «عمتی زینب ما ترکت تهجدها طول ذرها حتی لیلۃ حادی عشر من المحرم» «عمه جانم زینب در طول زندگی اش نماز شبش را ترک نکرد؛ حتی شب یازدهم محرم»؛ یعنی حتی در وضعیت غم بار یازدهم محرم، که شب شام غریبان است.

زنان بزرگ تاریخ اسلام، جایگاه ویژه‌ای نزد اهل بیت علیهم السلام دارند. من یک روایت عرض کنم که جواب گوی خیلی از سؤالات است؛ مرحوم شیخ بهائی می‌نویسد: دختر امیر مؤمنان علیه السلام متولد شد. حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها دختر را در دامن علی علیه السلام گذاشت و گفت: نام این نوزاد را بگذار. امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: «والله من در نام گذاری فرزندانم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشی نمی‌گیرم»؛ پیغمبر در سفر بودند، دو روز بعد که آمدند، حضرت زهرا سلام الله علیها بچه را به بابا دادند؛ آن گاه پیغمبر فرمودند: «والله در نام گذاری خودت و بچه‌هایت بر خدا پیشی نگرفتم». جبرئیل وارد شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله لحظاتی با جبرئیل مشغول سخن شد و بعد از چندی پیغمبر صلی الله علیه و آله به فاطمه و علی علیه السلام رو کرده و گریه شدیدی نمودند و بعد چندین بار تکبیر گفتند. حضرت فاطمه سلام الله علیها می‌فرمایند: «به پدرم گفتم: بابا چرا تکبیر می‌گویی؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به خاطر نامی که خدا برای این دختر قرار داد»؛ و گفتند: «زین اب»، که بر اثر کثرت استعمال به «زینب» معروف شد.

البته همان جا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علی، خودش زینت اهل دنیا است، اما این دختر به جایی می‌رسد که زینت پدر می‌شود».

حضرت زهرا سلام الله علیها سپس می‌پرسند: «بابا جان، اگر این است، برای چه گریه می‌کنی؟» حضرت فرمودند: «از خدا اجازه گرفتم که به او کنیه بدهم». فاطمه سلام الله علیها پرسید: «کنیه دخترمان چیست؟» پیغمبر در حالی که گریه می‌کرد، فرمود: «ام المصائب».

در ادبیات عرب، کسی که یک صفت عالی سرشار داشته باشد، آن صفت را به «اب» یا «ام» می‌آورند؛ مثلاً ام الامامه، ام الکرم و .... برای مردم بسیار قابل توجه است که زینب کبری، از سوی خدا و با تقریر رسول خدا به «ام المصائب» مکنات شده است.

یک قرینه بیاورم، در مورد حضرت زهرا سلام الله علیها بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله شعری داریم، که منسوب به حضرت است و همه نوشته‌اند: «صُبَّتْ عَلَیْ مَصَائِبَ لَوْ أَنَّهُا صُبَّتْ عَلَی الْأَيَّامِ صَرْنَ لِبَالِیَا»؛ یعنی مصائبی بر من ریخت، اگر بر روز روشن آفتابی می‌ریخت، بلافاصله به شب تبدیل می‌شد. این منتهای مصائب بوده، که تازه در طول ۷۰ یا ۹۰ روز بر صدیقه زهرا

در کنار مردان بوده‌اند، آن انقلاب، شدنی و باقی ماندنی است و انقلاب ما هم این مسئله را به وضوح نشان داد.

#### ■ مضاربه حسین علیه السلام و زینب سلام الله علیها

بیننا و بین الله، نیازی به روایت هم نیست. آن چه از قیام و نهضت و خون صاحب این نهضت و وارث آن می‌دانیم، آن است که در ۱۳۷۰ سال قبل، در سرزمینی به نام «کربلا» و در روزی به نام «عاشورا»، آقا و خانمی، مضاربه‌ای را شروع کردند که سرمایه کار را آقا تقبل کرد و خب خانم هم با آن سرمایه کار کرد. اگر حضرت زینب سلام الله علیها در دوران اسارت، آن عظمت را از خود نشان نمی‌داد و آن سخنرانی‌ها را نمی‌کرد و آن تقابل‌ها را با یزید و ابن زیاد نداشت و به یزیدیان نمی‌گفت: «شما با همه سعی و تلاشتان نمی‌توانید نام و دین ما را محو کنید»، این میراث بزرگ به دست ما نمی‌رسید.

آقای چاپچیان (حسان) چه زیبا درباره بی بی حضرت زینب سلام الله علیها از زبان امام حسین علیه السلام گفته‌اند:

دل مرده را محبت من زنده دل کند

دل را اگر ز الفت شیطان بجل کند

قلب شکسته ام شده منزل گه خدا

سازنده دل آمده تعمیر دل کند

آن ره رویی که دور شود از حریم من

با دست خویش کشتی دل را به گل کند

شرمنده عالمی بود از لطف و مهر من

اما مرا محبت زینب خجل کند

امام سجاد علیه السلام فرمودند: «خدا حق عمه‌ام زینب را بر ما و شیعیان ما حلال بگرداند!»

در زوایای کربلا وقایع عجیبی نهفته است؛ این که حضرت، مجلس یزید را به هم ریخت و ساربان‌ها را منفل می‌کرد و مجلس ابن زیاد را ماتم سرا کرد و... می‌گویند: اهل بیت علیهم السلام به مدت یک هفته در سرزمین شام بودند. مردم شام بچه‌ها را نو نوار می‌کردند و شیرینی به دست آن‌ها می‌دادند. بعد ما در تاریخ می‌بینیم که حضرت زینب سلام الله علیها طوری عمل می‌کردند که بچه‌ها با دیدن کودکان شامی و شادی آن‌ها، غم و غصه‌شان تازه نشود. در عین حال حضرت، نماز شب و نماز اول وقتش ترک نمی‌شد.

#### ■ زینب، شاگرد مکتب فاطمه زهرا سلام الله علیها

وقتی درست بنگریم، می‌بینیم شخصیت حضرت زینب سلام الله علیها، مثل حضرت زهرا سلام الله علیها است. در تاریخ آمده است: حضرت زهرا سلام الله علیها در مدینه، برای رهبر و امامش جان فشانی کرد و در دفاع از حق مولا، آن خطابه‌ها را داشت؛ حضرت زینب نیز در کوفه و شام این گونه سخن می‌گفت؛ گو این که حضرت علی علیه السلام لب به سخن گشوده است.

مصیبت‌های حضرت در حالی است که این‌ها مختار بودند، اما به مشیت الهی راضی بودند.

در خطبه ای که حضرت زینب سلام الله علیها در دروازه کوفه بیان کردند، کار به جایی رسید که حضرت سجاد علیه السلام برای عمه‌شان احساس خطر کردند. ببینید یک وقت کسی را به جایی دعوت می‌کنند، که همه چیز برای او آماده است، اما یک وقت زینب در جایی سخن می‌گوید که کوفیان لباس نو پوشیده، شهر را چراغانی کرده و آمده‌اند به هم تبریک بگویند، نه این که سخنرانی یک زن کتک خورده را بشنوند. بعد حضرت با توجه به چنین فضا و شرایطی سخنرانی می‌کند، که در همان جا چنان تحولی بر مردم کوفه عارض شد که حتی نزدیک بود بر ابن زیاد بشورند و حضرت سجاد علیه السلام در آن جا، در حالی که بر جان عمه‌اش می‌ترسید، فرمود: «عَمَّتِ زَيْنَبُ أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةً غَيْرَ مُعْلَمَةٍ وَ فَهْمَةً غَيْرَ مُفْهَمَةٍ»؛

برخی این را دلیل بر عصمت زینب کبری گرفته‌اند؛ یعنی همان علم لدنی. برخی معتقدند که علم لدنی را خدا به معصومین عطا می‌کند. در جاهای دیگری هم سخنانی گفته شده، که دلیل بر همین معناست.

چرا حضرت سجاد علیه السلام این قدر تأکید داشته است که گفته‌اند: شب یازدهم، نماز شب عمه‌اش زینب سلام الله علیها ترک نشد. علم امام سجاد علیه السلام به قدر فرش و عرش است. کتاب‌ها را نگاه کردم و با بزرگان هم صحبت کردم. در نوشتار یکی از بزرگان دیدم چیز عجیبی است در قدیم رسم بوده که وقتی جنگی بر پا می‌شده، در پایان جنگ، طرفی که جنگ را برده، خیمه ای برپا می‌کرد به نام «خیمه الجایزه»، و در آن به فرماندهان و قاتلان جایزه می‌دادند. عمر سعد غروب عاشورا این خیمه را تشکیل داد و به هر کسی که در جنگ کاری کرده بود. جایزه می‌داد. به یکی گفت: تو چه کردی؟ او گفت: من شریعه را بستم؛ به او جایزه داد، سپس به دیگری گفت تو چه کردی، پاسخ داد من دستان ابوالفضل را قطع کردم، دیگری گفت: سر مقدس امام حسین علیه السلام را بریدم؛ تا این که نوبت به حرمه رسید. عمر سعد پرسید: تو چه کردی؟ حرمه گفت: من کاری کردم که کسی در روزگار انجام ن داده. گفت: من تیر به گلولی بچه شیرخوار تشنه کام و رنگ پریده‌ای که سرش روی شانه پدر بود، زدم. نقل کرده‌اند: عمر سعد بیش از همه به حرمه جایزه داد.

زینب کبری هم همان شب، خیمه نیمه سوخته ای تشکیل داد، از پاره سوخته‌های خیمه ها یک فرش تشکیل داد و برای حضرت زین العابدین علیه السلام، که عصر روز عاشورا پردردترین روزهایش بود، متکایی از رمل و شن درست کرد.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: عمه ام در طول شب با پای برهنه در آن بیابان، تک تک بچه‌ها را صدا زد و سرشماری نمود؛ در زیر خار میغان دو شبی را دید و جلوتر رفت و دید دو دختر دست به گردن هم، جان داده‌اند؛ به قول حجة الاسلام نیر تبریزی، رو کرد به مدینه و گفت:

صبا از من به زهرا گو بیا شام غریبان بین

که گریان دیده دشمن به حال زینب است امشب

یک نگاه هم به گودال قتلگاه امام حسین علیه السلام می‌کند و می‌گوید:

سرت مهمان خولی و تنت با ساربان همدم

مرا با هر دو اندر دل هزاران مطلب است امشب

آن وقت امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: آن شب هم نماز شب زینب ترک نشد. حضرت زینب سلام الله علیها وقتی به مجلس ابن زیاد وارد شدند، سلام نکردند.

ابن زیاد گفت: «من هذه متکبره»، این زن متکبر کیست؟ امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «هذه عمتی زینب، اخت الحسین علیه السلام»؛ این عمه من زینب،

خواهر حسین علیه السلام می‌باشد. برای این که ابن زیاد، جگر زینب را آتش بزند، گفت: دیدی خدا با برادرت چه کرد؟ حضرت زینب گفت: اگر خدا کرد، «ما

رایت الا جمیلاً»؛ من چیزی جز زیبایی ندیدم؛ حضرت کاری کرد که دیگر سخن ابن زیاد در آن جلسه، نگرفت و خنثی شد. ایشان هم چنین خطبه‌ای نیز در دروازه

کوفه بیان فرمودند و کاری کردند که مردمی که دم دروازه نو نوار کرده بودند و نقل و شیرینی پخش می‌کردند و عید گرفته بودند، همه جامه‌هایشان را درآوردند و عزا به پا کردند. کسی برای ابن زیاد خبر آورد و گفت: تا چند دقیقه دیگر، همه

علیه تو می‌شورند. پرسید: چرا؟ گفت: مگر نمی‌دانی که زینب وقتی سخن می‌گوید،

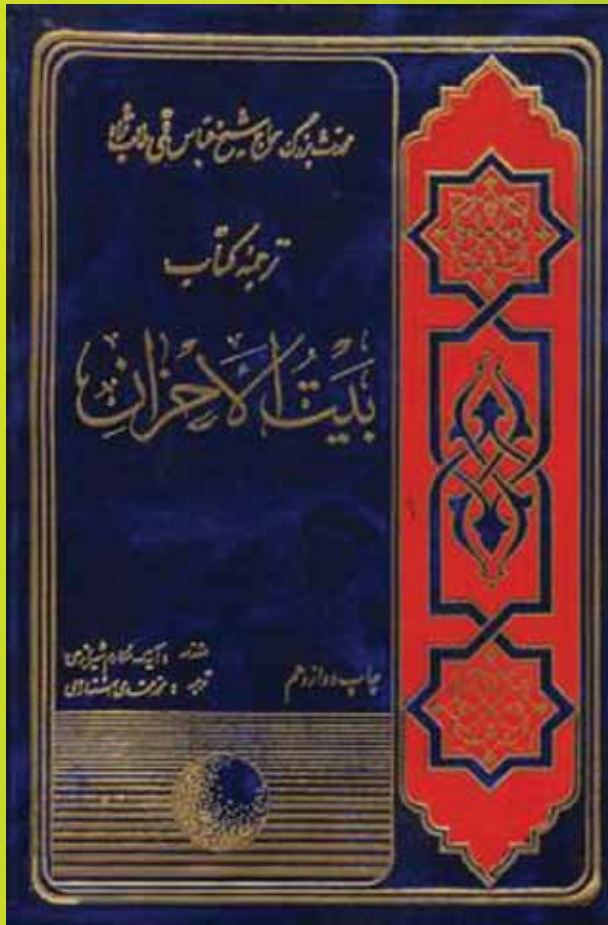
گویا علی علیه السلام به زبان آمده است؟! بعد گفتند: برای این که زینب سلام الله علیها ساکت شود، سر حسین علیه السلام را جلویش ببرید؛ یعنی آن‌ها هم

می‌دانستند که همه چیز زینب سلام الله علیها با حسین علیه السلام است.

#### ■ عشق زینب و حسین، لدنی است

من در یکی از کتاب‌های قدیمی، روایتی دیدم که این دختر در دامان پیامبر و امام علی و فاطمه و حسن علیهم السلام گریه کرد و وقتی در بغل امام حسین چهارساله قرار گرفت، آرام شد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله آن جا فرمودند: «این دختر همراه با این پسر خواهد بود» و شرط ازدواج و مهریانش با عبدالله بن جعفر، نیز همراهی با حسین علیه السلام بوده و این که از او جدا نشود. خدا خواسته؛ یعنی خدا برای حفظ دین با اسباب و ابزار کار می‌کند. این خدایی که حسین علیه السلام را خلق کرد، یک زینبی را هم کنارش می‌گذارد.

یکی از فضایل حوزه کتابی نوشته درباره صدیقه کبری که در آن کتاب، جمله قشنگی وجود دارد؛ می‌گوید: در حرکت و قیام انبیاء، هر کدام که یک زن همراهشان بوده است، موفق بوده‌اند. من استنباط می‌کنم هر نهضت و قیامی که زنان شجاعی



# رنج‌ها و فریادهای فاطمه ع

ترجمه کتاب  
بیت الاحزان

مؤلف: شیخ عباس قمی  
مترجم: محمد محمدی اشتهاردی  
نویسنده مقدمه: کتاب ناصر مکارم شیرازی  
ناشر: کتاب ناصر  
نوع جلد: اکالینگور  
قطع: اوزیری  
زبان: کتاب فارسی  
سال نشر: ۱۳۸۰  
شمارگان: ۳۰۰۰  
چاپ جاری: ۱۲  
تعداد صفحات: ۲۷۲  
قیمت: ۲۰ درهم

از علمای بزرگ اهل تسنن است، وی در زمان غیبت صغری می‌زیست و به سال ۳۲۲ هـ.ق از دنیا رفت، او در کتاب خود «الامامة والسياسة» درباره‌ی امتناع علی(ع) از بیعت با ابوبکر چنین می‌گوید: سپس علی(کرم الله وجهه) را نزد ابوبکر آوردند، در حالی که می‌فرمود: انا عبدُالله و اخو رسول الله: «من بنده‌ی خدا و برادر رسول خدا(ص) هستم».

شخصی به آن حضرت گفت: با ابوبکر بیعت کن، حضرت علی(ع) فرمود: «من به مقام رهبری، از شما سزاوارترم، من با شما بیعت نمی‌کنم، شما سزاوارترید، که از من بیعت کنید، شما به این مقام دست یافتید. و آن را از انصار گرفتید و دلیلان این بود که: «از بستگان رسو خدا(ص) هستید!» و آن را از ما اهل بیت پیامبر(ص) از روی غصب گرفتید، آیا شما به انصار، احتجاج نکردید که به خاطر قرابت به محمد(ص)، ما به مقام رهبری شایسته‌تر هستیم، و به این عنوان انصار، مقام رهبری را به شما سپردند و تسلیم کردند، و اکنون من همان احتجاج انصار را بر شما احتجاج می‌کنم، من هم در زمان حیات رسول خدا و هم بعد از رحلت آن حضرت به او نزدیکتر بودم و هستم، با ما از طریق انصاف رفتار کنید اگر ایمان دارید، وگرنه با علم و آگاهی در جایگاه ظلم قرار بگیرید.

عمر به آن حضرت گفت: «تو را رها نمی‌کنم تا با ابوبکر بیعت کنی».

حضرت علی(ع) به او فرمود: اخلبُ حلیاً لک شطره وشد له الیوم یردده علیک غداً: «بدوش شیری را که یک قسم آن از آن تو است، و امروز کار را برای ابوبکر محکم کن که فردا امارت را به تو برگرداند!»

سپس فرمود: «ای عمر! سوگند به خدا سخن تو را نمی‌پذیرم و با او بیعت نمی‌کنم».

## پیشگفتار مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و سپاس به درگاه خدای بزرگ، و درود بر پیامبر رحمت حضرت محمد (ص) و دودمان پاکش که راهنمایان مردم جهان هستند.

این کتاب خلاصه‌ای از شرح زندگی برترین بانوان دو جهان و مادر امامان معصوم (علیهم السلام) حضرت فاطمه زهرا، انسیه حوراء (سلام الله علیها) می‌باشد که آن را در چهار بخش، و هر بخشی را در چند عنوان تنظیم نمودم:

**بخش اول:** ماجرای ولادت آن حضرت، و نام‌های او و وجه نامگذاری او به آن نام‌ها.

**بخش دوم:** فضائل و ارزش‌های اخلاقی آن حضرت، و داستان ازدواج او با امام علی(ع).

**بخش سوم:** حوادث بعد از رحلت رسول خدا(ص) و خطبه‌ی غزای آن بانوی بزرگوار، و دفاعیات او، و مطالبی در این رابطه.

**بخش چهارم:** اندوه و گریه‌ی جانکاه حضرت زهرا(س) از فراق پدر بزرگوارش، و وصیت او به امام علی(ع)، و امور دیگری که در روزهای آخر عمر آن بانوی بزرگ رخ داد.

## بخشی از کتاب

گفتار علمای اهل تسنن پیرامون بیعت گرفتن از علی

بیعت از نگاه ابن قتیبه دینوری

ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه ی دینوری معروف به «ابن قتیبه دینوری»

ابوبکر گفت: اگر بیعت نکنی، ترا مجبور نمی‌کنم.

ابوعبیده جراح گفت: «ای پسرعمو تو جوان هستی، و اینها (ابوبکر و عمر) پیران قوم تو هستند، برای تو تجربه و شناخت در امور، مانند آنها نیست، بنظر من ابوبکر برای مقام رهبری، نیرومندتر از تو است، و تحمل و خبرگیری او از تو بیشتر است، پس امر خلافت را به ابوبکر تسلیم کن، آری تو اگر زنده بمانی، و عمر طولانی یابی، آنگاه برای بدست گرفتن زمام رهبری، بخاطر فضل، دین، علم، شناخت، سابقه و نسبت و قریابتی که داری، شایسته تر و سزاوارتر می‌باشی! حضرت علی (ع) فرمود: اللَّهُ اللَّهُ يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ لَا تَخْرُجُوا سُلْطَانَ مُحَمَّدٍ (ص) فِي الْعَرَبِ مِنْ دَارِهِ وَ قَعَرِ بَيْتَهُ إِلَى دُورِكُمْ وَ قُفُورِ بُيُوتِكُمْ وَ تَدْفَعُونَ أَهْلَهُ عَنْ مَقَامِهِ فِي النَّاسِ وَ حَقَّهُ. «خدا را، خدا را به نظر آوریدای گروه مهاجران! حاکمیت محمد (ص) را در میان عرب از خانه ی او و از درون بیت او به خانه‌های خود و درون بیوت خود نبرید، و خاندان پیامبر (ص) را از مقام خود بازندارید و حق آنها را پامال نکنید».

ای مهاجران! سوگند به خدا ما در میان مردم، سزاوارتر از همه به مقام رهبری هستیم، زیرا ما از اهل بیت پیامبر (ص) می‌باشیم، و برای امر خلافت از شما سزاوارتر هستیم...

### استمداد از انصار

ابن قتیبه، سخن را تا آنجا کشانده که می‌گوید: حضرت علی(کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ) شبها فاطمه(س) را سوار بر چارپائی می‌کرد و در مجالس انصار می‌گردانید، و فاطمه(س) از آنها می‌خواست که از او پشتیبانی کنند، آنها در پاسخ می‌گفتند: «ای دختر رسول خدا(ص) بیعت ما با این مرد (ابوبکر) انجام شد و کار از کار گذشت، اگر شوهر و پسرعموی تو قبل از ابوبکر به سوی ما سبقت می‌گرفت، ما به او مراجعه می‌کردیم و رهبری او را می‌پذیرفتیم.

حضرت علی(ع) در پاسخ آنها می‌فرمود: «آیا من جنازه‌ی رسول خدا(ص) را در خانه‌اش رها کنم و آن را دفن نکرده بگذارم و به سوی شما بیایم و با مردم درباره‌ی حاکمیت به جای پیامبر(ص) منازعه کنم؟!»

حضرت فاطمه(س) فرمود: «ابوالحسن(ع) لازم و سزاوار بود که تجهیزات رسول خدا(ص) را انجام دهد، ولی مهاجر و انصار کاری کردند که خداوند آنها را بازخواست و مجازات خواهد کرد.<sup>۲</sup>

دانشمند مذکور، «ابن قتیبه» درباره ی چگونگی بیعت علی(ع) می‌گوید: تا اینکه ابوبکر در مورد آنانکه بیعت نکردند به جستجو پرداخت و آنها را در نزد علی(ع) یافت، عمر را نزد آنها فرستاد، عمر به خانه‌ی علی(ع) رفت و فریاد زد که برای بیعت بیرون بیائید.

آنها از بیرون آمدن از خانه‌ی علی(ع) امتناع ورزیدند.

عمر گفت: «سوگند به آن کسی که جان عمر در دست او است قطعاً باید بیرون بیائید وگرنه خانه را با اهلش به آتش می‌کشم!»

بعضی از حاضران به عمر گفتند: حضرت فاطمه(س) در خانه است! عمر گفت و آن: «گرچه فاطمه نیز در خانه باشد».

ناگزیر آنانکه در خانه بودند بیرون آمدند و با ابوبکر بیعت کردند، جز حضرت علی (ع) که بیرون نیامد چه آنکه گمان می‌کرد سوگند یاد کرده که بیرون نمی‌آیم و عبا بر دوش نمی‌افکنم تا قرآن را در خانه جمع کنم.

فاطمه(س) کنار در خانه ایستاد و خطاب به مهاجرین فرمود: «من قومی را بد محضتر از شما نمی‌شناسم که جنازه‌ی رسول خدا(ص) را نزد ما رها کردید و به دنبال کار خود رفتید و بدون ما کار را پایان یافته اعلام نمودید، ما را از امر خلافت کنار زدید، و حق ما را پامال کرده و غصب نمودید». و قتی که عمر، این گفتار را از فاطمه(س) شنید، نزد ابوبکر رفت و گفت: «آیا این مرد (علی) علیه السلام را که با بیعت مخالفت می‌کند، جلب و باز خواست نمی‌کنی؟» ابوبکر به شخصی بنام «قُفْذُ» که غلام آزاد شده‌اش بود، گفت به نزد علی(ع) برو، و به او بگو نزد ما بیاید.

قنفذ نزد علی(ع) آمد، علی(ع) به او فرمود: چه می‌خواهی؟

قنفذ گفت: خلیفه‌ی رسول خدا(ص) شما را می‌طلبد.

علی(ع) فرمود: چقدر زود بر رسول خدا(ص) دروغ بستید (و خود را جانشین

او خواندید).

قنفذ بازگشت و سخن علی(ع) را به ابوبکر گفت، ابوبکر گریه ی شدیدی کرد. عمر برای بار دوم به ابوبکر گفت: «به این مرد متخلف(ع) مهلت نده!» ابوبکر به قنفذ گفت: نزد علی(ع) برو و بگو: امیر مؤمنان(ابوبکر) تو را دعوت می‌کند که بیائی و بیعت کنی.

قنفذ نزد علی(ع) آمد و پیام ابوبکر را ابلاغ کرد.

علی(ع) صدای خود را بلند کرد و گفت: سُبْحَانَ اللَّهِ لَقَدْ ادَّعَى مَا لَيْسَ لَهُ: «عجبا! او مقامی را که از آن او نیست، ادعا می‌کند».

قنفذ برگشت و سخن علی(ع) را به ابوبکر گفت، باز ابوبکر گریه‌ی شدیدی کرد، در این هنگام عمر خود برخاست و همراه جماعتی به در خانه‌ی فاطمه (س) آمد، حلقه در را کوبیدند، هنگامی که فاطمه (س) صدای آنها را شنید، با صدای بلند خطاب به پدر فرمود: «ای پدر! رسول خدا! چه ظلم‌ها بعد از تو از پسر خطاب و پسر ابوقحافه به ما رسید!» هنگامی که همراهان عمر صدا و گریه‌ی فاطمه(س) را شنیدند، بسیار اندوهگین شدند، و گریه کردند آن گونه که نزدیک بود دل‌هایشان پاره گردد و جگرهایشان سوراخ شود، ولی عمر با چند نفر کنار در خانه‌ی فاطمه(س) باقی ماندند و علی(ع) را از خانه بیرون آوردند و او را نزد ابوبکر بردند، و گفتند: با ابوبکر بیعت کن.

علی(ع) فرمود: بیعت نمی‌کنم.

گفتند: سوگند به خدا اگر بیعت نکنی، گردنت را می‌زنیم.

علی(ع) فرمود: «در این صورت بنده‌ی خدا و برادر رسول خدا(ص) را کشته اید».

عمر گفت: بنده‌ی خدا آری، ولی برادر رسول خدا، نه (عَبْدُ اللَّهِ فَتَعَمَّ!! وَ أَمَا أَخُو رَسُولِهِ فَلَا).

ابوبکر در این هنگام ساکت بود و سخنی نمی‌گفت، عمر به او گفت: آیا علی (ع) را به بیعت امر نمی‌کنی؟!

ابوبکر گفت: تا فاطمه(س) در نزد علی(ع) است من او را بر چیزی اجبار نمی‌کنم.

در این وقت حضرت علی(ع) کنار قبر پیامبر آمد با چشمی گریان و صدائی حزن آور، فریاد زد: يَا بْنَ أُمِّ (عَمَّ - خ) إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوُنِي وَ كَاذُوا يَقْتُلُونَنِي. : «ای فرزند مادرم، این گروه مرا در فشار گذاردند و نزدیک بود مرا به قتل برسانند».<sup>۳</sup>

### گفتگوی ابوبکر با فاطمه

عمر به ابوبکر گفت: ما را نزد فاطمه(س) ببر، ما او را خشمگین کرده ایم. عمر و ابوبکر با هم به در خانه ی زهر(س) رفتند و اجازه ی ورود خواستند، فاطمه(س) به آنها اجازه نداد، آنها به حضور علی(ع) رفتند و با آن حضرت در این مورد گفتگو نموده و او را واسطه قرار دادند، امام علی(ع) از فاطمه(س) اجازه گرفت، آنها به حضور فاطمه(س) آمدند، ولی فاطمه(س) روی خود را از آنها برگردانید، سلام کردند ولی فاطمه(س) جواب سلام آنها را نداد.

ابوبکر گفت: «ای حبیب‌ی رسول خدا! سوگند به خدا، خویشاوندان پیامبر(ص) در نزد من محبوبتر از خویشان خودم هستند، و من ترا از عایشه دخترم بیشتر دوست دارم، و دوست داشتم که در روز رحلت پیامبر(ص) به جای آن حضرت خودم مرده بودم، و بعد از او نمانده بودم، آیا مرا چنین می‌نگری که فضائل تو را می‌شناسم و در عین حال حق و میراث تو را از تو باز می‌دارم؟! من از رسول خدا(ص) پدرت شنیدم که می‌فرمود: لَا نُورِثُ مَا تَرَكْنَاهُ فَهُوَ صَدَقَةٌ. «ما گروه پیامبران ارث نمی‌گذاریم، آنچه از ما بماند، صدقه است».

فاطمه(س) فرمود: اگر من سخنی از پدرم را برای شما بیان کنم، آیا به آن عمل می‌کنید؟

ادامه مطلب را در کتاب مطالعه کنید

#### پی‌نوشت

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید جلد ۶ ص ۱۲.
۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید جلد ۶ ص ۱۳ و ج ۱۱ ص ۱۴.
۳. ابن فراز، سخن هارون به موسی (ع) است که در قرآن سوره‌ی اعراف آیه ۱۵۰ آمده است.

یکی از مواردی که روی بازده کاری کارمندان حداقل تا حدی تأثیر گذار است، حال و هوای محیط کار و اداره است. جایی که شاید حتی یک تغییر کوچک موجب بالا رفتن روحیه و انگیزه‌ی بیشتر کارمندان شود. اما برای آن دسته که در منزل کار می‌کنند، اوضاع تا حدی متفاوت است. طرحی که قصد بررسی آن را داریم، برای این گروه آماده شده است.

آن دسته از افرادی که در محیط خارج از منزل به کار مشغولند، محدودیت چندانی نداشته و در محل کار خود بسته به شرایط موجود، احساس راحتی می‌کنند. اما برای گروهی که در منزل به امور کاری خود مشغولند، اوضاع به گونه‌ای دیگر است.

حتما شما هم به خوبی از این نکته آگاهی دارید که حتی اگر اتاق یا فضایی مجزا در منزل را به کار اختصاص دهید، لاجرم از شرایط موجود در منزل تأثیر می‌پذیرید. رفت و آمد، سر و صدا و شلوغی بچه‌ها حتی از مسافتی دور نیز ذهن را درگیر خود کرده و حواس را پرت می‌کند. حال فکر کنید اگر قرار باشد که روز تعطیل به کار خود برسید، چه پیش خواهد آمد؟ البته این شرایط تنها مختص افرادی که در منزل کار می‌کنند نیست و این مورد حتی در مورد کارمندانی که به دلیل کار سنگین و زمان اندک مجبورند بخشی از کار روزانه را با خود به منزل ببرند، نیز صدق می‌کند.

### مشکلات کار در منزل

اینجاست که وجود یک فضای کاری مجزا که مناسب کار طراحی شده و از باقی بخش‌های منزل جدا باشد، کاملاً احساس می‌شود.

این روزها انجام دادن بخش یا تمام کارها و فعالیت‌های اداری در منزل به واسطه‌ی ایجاد شرایط مناسب امکان پذیر شده است. قانون از این وضعیت حمایت کرده، تکنولوژی امکاناتش را در دسترس قرار داده و کارگزاران و مدیران اغلب از آن حمایت می‌کنند. حتما پیش از این واژه‌ی «دور کاری» را شنیده‌اید، واژه‌ای که اشاره‌ای است ضمنی به این شیوه از کار. اکنون یک شرکت، اقدام به ساخت محیط کاری مدرن کرده که به نوعی یک دفتر کار مجهز و مجزا در منزل را در اختیار افراد قرار می‌دهد.

این فضای دنج و راحت که OfficePOD نامیده می‌شود، از مزایای متنوعی برخوردار است. این دفتر کار مدرن به فرد امکان می‌دهد ضمن انجام کارهای خود، در زمان‌های خاص، محیط کار خود را ترک کرده و سری هم به منزل بزند. یعنی شما هم از مزایای خاص کار در منزل بهره می‌برید و هم با کار در یک محیط کاری مجزا، از عوامل حواس پرتی و مزاحمت خلاصی می‌یابید.

این محیط کاری هم به کارفرمایان و هم به کارمندان اجازه می‌دهد از آرامش بیشتری برخوردار بوده و بدون نیاز به رفت و آمدهای مکرر، هر یک در آرامش مسئولیت و وظایف خود را به انجام برسانند. با تلفیق موفق جذابیت ظاهری و کارایی، بی‌شک OfficePOD انتخاب مناسبی برای آن دسته از افرادی است که به ظاهر و جزئیات محیط کار توجه کرده و کاهش هزینه‌های بی‌مورد و ارتقای سطح کاری خود را مد نظر قرار می‌دهند. چون حتی اگر از منظر اقتصادی نیز به این طرح بنگریم، مزایای کار به این شیوه در مقایسه با سیستم معمول و هزینه‌های سرسام آور دفاتر کاری، مقرون به صرفه و مناسب است. به علاوه این شرکت در صدد ساخت مدل‌های دیگری از این طرح و مناسب برای برگزاری ملاقات‌های اداری یا قرارهای مصاحبه است که نسل جدیدی از دفاتر و محیط‌های کاری در منزل را بنیان خواهند نهاد.

به علاوه می‌توان این دفاتر را در هر منطقه و محل بدون استفاده قرار داده و از این نظر هیچ گونه محدودیتی وجود ندارد. حیاط، حیاط پشتی، پاسیو و هر نقطه‌ای دیگر که از فضای کافی برخوردار است، محلی مناسب برای قرار گیری این محفظه‌های اداری مدرن هستند.

البته تمامی این موارد منوط به ایجاد شرایط مناسب کار در منزل، از جمله دسترسی آسان و سریع به منابع اطلاعاتی و استفاده از فناوری‌های روز دنیا است که همه‌ی ملزومات مورد نیاز را در اختیار فرد قرار داده و شبکه‌ای ارتباطی مناسب و گسترده‌ای را در دسترس او قرار می‌دهند.



دفتر کاری مدرن مخصوص  
شاغلین در منزل

# OfficePOD



گفتم رخت ندیدم گفتا ندیده باشی  
 گفتم ز غم خمیدم گفتا خمیده باشی  
 گفتم ز گلستان گفتا که بوی بردی  
 گفتم گلی نچیدم گفتا نچیده باشی  
 گفتم ز خود بریدم آن باده تا چشیدم  
 گفتا چه زان چشیدی از خود بریده باشی  
 گفتم لباس تقوی در عشق خود بریدم  
 گفتا به نیک نامی جامه دریده باشی  
 گفتم که در فراق بس خوندل که خوردم  
 گفتا که سهل باشد جورم کشیده باشی  
 گفتم جفات تا کی گفتا همیشه باشد  
 از ما وفا نیاید شاید شنیده باشی  
 گفتم شراب لطف آیا چه طعم دارد  
 گفتا گهی ز قهرم شاید مزیده باشی  
 گفتم که طعم آن لب گفتا ز حسرت آن  
 جان بر لب ت چه آید شاید چشیده باشی  
 گفتم بکام وصلت خواهم رسید روزی  
 گفتا که نیک بنگر شاید رسیده باشی  
 خود را اگر نه بینی از وصل گل بچینی  
 کار تو فیض اینست خود را ندیده باشی

# گلستان هجر

هشدار که هر ذره حسابست در اینجا  
 دیوان حسابست و کتابست در اینجا  
 حشرست و نشورست و صراطست و قیامت  
 میزان ثوابست و عقابست در اینجا  
 فردوس برین است یکی را و یکی را  
 انکال و جحیمست و عذابست در اینجا  
 آنرا که حساب عملش لحظه بلحظه است  
 با دوست خطابست و عتابست در اینجا  
 آنرا که گشوده است ز دل چشم بصیرت  
 بیند چه حساب و چه کتابست در اینجا  
 بیند همه پاداش عمل تازه بتازه  
 باخویش مرآترا که حسابست در اینجا  
 با زاهدش ارهست خطائی بقیامت  
 باماش هم امروز خطابست در اینجا  
 امروز بیاداش شهیدان محبت  
 زان روی برافکنده نقابست در اینجا  
 زاهد نکشد باده مگر دردی و آنجا  
 صوفیست که اورامی نابست در اینجا  
 امروز بیاداش شهیدان محبت  
 زان روی برافکنده نقابست در اینجا  
 زاهد نکشد باده مگر دردی و آنجا  
 صوفیست که اورامی نابست در اینجا  
 آن را که قیامت خوش و نزدیک نماید  
 از گرمی تجیل دل آبست در اینجا  
 دوری که نبیند مگر از دور قیامت  
 در دیده تنگش چو سراپست در اینجا  
 بیدار نگرود مگر از صور سرافیل  
 مستغرق غفلت که بخوابست در اینجا  
 هشیار که سنجد عمل خویشتن ای فیض  
 سرسوی حق و پا برکابست در اینجا  
 صد شکر که دلهای عزیزان همه آنجا  
 معمور بود گرچه خرابست در اینجا

محمد پسر شاه مرتضی معروف به ملا محسن فیض کاشانی از شاگردان برجسته ملاصدرا شیرازی و یکی از علما و حکما و شعرای بزرگ دوره صفویه است. او در تفسیر، فقه، حکمت و اخبار و احادیث یگانه روزگار خود بوده و تالیفات زیادی دارد که مرحوم مدرس تبریزی از ۱۲۰ جلد آنها در ریحانة الادب اسم برده و موضوع بعضی از آنها را نیز ذکر کرده است.

فیض طبع روانی داشت و در سرودن شعر از شاعران پر کار زبان فارسی به شمار می رود. علاوه بر دیوان غزلیات و قصائدش که در تهران چاپ شده متجاوز از ده جلد مثنوی از او به یادگار مانده که دهر آشوب و آب زلال از مشهورترین آنهاست چنانکه در شرح حال ملا عبد الرزاق فیاض اشاره کردیم فیض و فیاض هر دو شاگرد و داماد ملاصدرا بودند و لقب فیض و فیاض را نیز از استاد گرفته اند بعضی ملا محسن فیض را از اهل تصوف دانسته ناد ولی عده ای بر خلاف این عقیده دارند می نویسند فیض از این طایفه بیزار بود. بهر حال قابل تأمل است و احتیاج به بررسی زیاد دارد. وفات فیاض را در سال ۱۰۵۹ - ۱۰۹۱ هجری - در کاشان اتفاق افتاد و همانجا مدفون است.

# غذاهایی که باعث کاهش سردرد می‌شود



۶۶ میلی‌گرم منیزیم دارد که تقریباً ۱۶ درصد نیاز روزانه بدن به منیزیم را تأمین می‌کند. برخی تحقیقات نشان دادند که منیزیم می‌تواند سطح انسولین را در بیمارانی که دیابت ندارند، ثابت نگه دارد. از آنجا که فشارخون پایین یکی از دلایل رایج سردرد است، مصرف منیزیم بیشتر می‌تواند سطح فشارخون را متعادل کرده و از سردردهای احتمالی جلوگیری کند.

## ● لوبیا سفید

یکی از موادی که منیزیم دارد، لوبیای سفید است. یک فنجان لوبیای سفید معادل ۲۵ درصد از نیاز روزانه بدن به منیزیم را تأمین می‌کند. این ماده به عنوان یکی از موادی محسوب می‌شود که سردرد را کاهش می‌دهد؛ زیرا در انقباضات ماهیچه‌ها از جمله رگ‌های خونی که باعث سردرد می‌شوند، نقش دارد. از دیگر منابع غنی برای منیزیم می‌توان موز، بادام، آووکادو، اسفناج و زردآلو را نام برد.

## ● سیب‌زمینی

سیب‌زمینی سرشار از پتاسیم است که اگر سردرد شما ناشی از کمبود آب باشد، باعث کاهش آن می‌شود. مصرف یک سیب‌زمینی با پوست، ۲۵ درصد نیاز روزانه بدن به پتاسیم را تأمین می‌کند. همچنین سیب‌زمینی سرشار از ویتامین‌های A، C و B۶ است. اگر می‌خواهید نشاسته نخورید، از موز استفاده کنید که ۴۲۲ میلی‌گرم پتاسیم و میزان زیادی ویتامین B۶ دارد.

## ● گیلان

خوردن انواع میوه می‌تواند به کاهش سردرد کمک کند؛ زیرا میوه‌ها سرشار از آب هستند. علاوه بر این، گیلان ترکیباتی دارد که در خون به اکسید نیتریک تبدیل می‌شوند. اکسید نیتریک از ایجاد سردرد جلوگیری می‌کند. یک ماده غذایی دیگر که همانند گیلان عمل می‌کند، چغندر یا آب چغندر است.

## ● آب

درست است که آب یک ماده غذایی محسوب نمی‌شود؛ اما تأمین آب مورد نیاز بدن یکی از کارهای مهمی است که برای پیشگیری از سردرد و درمان آن باید انجام دهید. البته نخوردن یک وعده غذایی نیز تأثیر زیادی روی افزایش سردرد دارد. به ویژه اگر شما نسبت به تغییرات فشارخون حساس هستید، بین وعده‌های غذایی خود بیشتر از ۳ الی ۴ ساعت فاصله ندهید.

اگر شما هم جزو افرادی هستید که سعی می‌کنید از داروهای مسکن برای تسکین دردهای خود استفاده نکنید، با ما همراه باشید تا چند ماده غذایی برای کاهش سردرد به شما معرفی کنیم.

یک سردرد شدید می‌تواند شما را از تمام کارهای روزانه خود باز دارد؛ اما مجبور نیستید از کارهای خود دست بکشید. خوشبختانه چند ماده غذایی وجود دارد که با استفاده از آن‌ها می‌توانید سردرد خود را کاهش دهید. در ادامه چند ماده غذایی مؤثر برای درمان سردرد را می‌بینید که متخصص تغذیه، **Jaclyn London**، توصیه می‌کند.

## ● شیر کم‌چرب

یکی از مهم‌ترین دلایل سردرد، کمبود آب بدن است. در نتیجه بهتر است از خوردن غذاهایی که سدیم زیادی دارند، اجتناب کنید تا بدن شما دچار کمبود آب نشود و سردرد نگیرد. شیر نه تنها یک ماده آب‌دار است، بلکه سرشار از مواد معدنی مهم مانند کلسیم و پتاسیم نیز محسوب می‌شود که تأثیر غذاهایی که سدیم زیادی دارند را خنثی می‌کند. همچنین محققان دریافته‌اند که مصرف میزان کم لبنیات با افزایش سردردهای میگرنی ارتباط دارد. علاوه بر این، مصرف ۳ وعده محصولات لبنی در روز باعث بهبود فشارخون شده و احتمال ابتلا به دیابت و چاقی مفرط را کاهش می‌دهد.

## ● ماهی‌های چرب

غذاهایی که منابع غنی از ویتامین‌های B مانند B۱۲، B۶ و اسیدفولیک هستند، شدت سردرد را کاهش می‌دهند. به همین دلیل ماهی سالمون و تن از این نظر کاملاً مناسب هستند. ماهی سالمون به تنهایی ۲۵۰ درصد از نیاز روزانه بدن به ویتامین B۱۲ را در یک وعده ۳۹ گرمی تأمین می‌کند. این بدین معنی است که مصرف چند تکه ماهی سالمون دودی در کنار غذا باعث می‌شود که معده و سرتان احساس بهتری داشته باشند. همچنین ماهی‌های چرب سرشار از اسیدهای چرب امگا ۳ هستند که ضدالتهاب است؛ به عبارت دیگر، خوردن ماهی برای درمان سردرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

## ● طالبی

از آنجا که انواع میوه پتاسیم و آب زیادی دارند، می‌توانند سردرد ناشی از سدیم زیاد و کمبود آب بدن را کاهش دهند. هر طالبی در اندازه متوسط حدود



۴۴ سال سن دارد، روزانه ۴۴۴ دقیقه به صفحه‌نمایش زل می‌زند. ۱۴۷ دقیقه از این مدت به تماشای تلویزیون، ۱۰۳ دقیقه به استفاده از کامپیوتر، ۱۵۱ دقیقه به گوشی هوشمند و ۴۳ دقیقه به تبلت اختصاص داده می‌شود. در واقع به اندازه‌ای که می‌خواهیم، به صفحه‌نمایش زل می‌زنیم.

بیشتر افراد به ویژه افرادی که با کامپیوتر کار می‌کنند، بیشتر مدتی که بیدار هستند، به صفحه‌نمایش زل می‌زنند. گزارش Vision Council نشان داد که ۱/۳ افراد بالغ بیش از ۹ ساعت در روز از دستگاه‌های دیجیتالی استفاده می‌کنند. بنابراین شیوع فشار چشمی تعجب ندارد. همچنین تمام این مدت اضافه‌ای که صرف تماشای صفحه‌نمایش‌ها می‌شود، بخشی از تغییر روند به سوی کار از نزدیک است که با افزایش نزدیک‌بینی ارتباط دارد. ظاهراً این شرایط در سراسر جهان وجود دارد. طبق گزارش National Eye Institute، در حال حاضر سی و چهار میلیون آمریکایی نزدیک‌بین هستند و احتمالاً تا سال ۲۰۳۰ این میزان به چهل میلیون نفر خواهد رسید.

#### چگونه می‌توانیم از چشم‌هایمان محافظت کنیم؟

اگرچه هنوز در مورد عوارض درازمدت نور آبی چیزی نمی‌دانیم؛ اما شکی نیست که استفاده درازمدت از صفحه‌نمایش باعث ایجاد فشار در چشم می‌شود. از دکتر Heiting سؤال کردیم که چه باید کرد تا از آسیب چشمی دستگاه‌های دیجیتالی در امان بود. وی توصیه کرد:

۱. به هنگام کار با کامپیوتر، فاصله مناسب را رعایت نمایید که تقریباً برابر با فاصله بازو از کامپیوتر است. همچنین از قوز کردن بپرهیزید.  
۲. زمانی که از گوشی استفاده می‌کنید، تا آنجا که ممکن است صفحه را از چشم‌ها دور نگه دارید. هر چه فاصله صفحه از چشم‌ها بیشتر باشد، کمتر احتمال دارد که فشار چشمی ایجاد شود. همچنین سایز نوشته‌ها و تصاویر را به اندازه‌ای بزرگ کنید که راحت قابل دیدن باشد.

۳. هر ۲۰ دقیقه، ۲۰ ثانیه استراحت کنید و به فاصله‌ای دور در حدود ۲۰ فوت دورتر، نگاه کنید. این موضوع همان قانون ۲۰-۲۰-۲۰ نام دارد و باعث می‌شود ماهیچه‌های بیرونی چشم که چشم‌ها را با یکدیگر همگام می‌کنند، استراحت کنند. همچنین این کار باعث می‌شود پلک بزنید تا سطح چشم‌ها مجدداً مرطوب شود.  
۴. به چشم‌پزشک مراجعه کنید. حتی مشکلات کوچک بینایی ممکن است احتمال ابتلا به فشار چشمی دیجیتالی را افزایش دهد. همچنین از پزشک خود سؤال کنید که بهترین عینک برای شما به هنگام استفاده از دستگاه‌های دیجیتالی کدام است. بهتر است به هنگام استفاده از کامپیوتر یا دستگاه‌های دیجیتالی از عینک مختص این کار استفاده کنید.

۵. از چشم‌پزشک شیشه‌های عینکی را بخواهید که نور آبی را مسدود می‌کنند. یکی سری عدسی عینک وجود دارد که باعث می‌شود کمتر در معرض نور آبی قرار بگیرید.

۶. مطمئن شوید که لنزهای عینک شما دارای پوشش آنتی‌رفلک هستند. حذف انعکاس‌ها می‌تواند باعث راحتی در بینایی و کاهش فشار چشمی شود.

۷. از منزل بیرون بروید و کمی بازی کنید.

آیا تاکنون پس از استفاده از کامپیوتر یا گوشی هوشمند، دچار خشکی یا تحریک چشم، تاری دید، خستگی چشم یا درد گردن، کمر و سر شده‌اید؟ اگر این‌طور است با ما همراه باشید تا علت و روش پیشگیری از این مشکلات را با شما در میان بگذاریم.

فشار چشمی ناشی از لوازم دیجیتالی که گاهی به عنوان سندرم دید کامپیوتری از آن یاد می‌شود، به اثبات رسیده است. آیا تاکنون پس از استفاده از کامپیوتر یا گوشی هوشمند، دچار خشکی یا تحریک چشم، دید تاری، خستگی چشم یا درد گردن، کمر و سر شده‌اید؟ اگر این‌طور است پس با این سندرم آشنا هستید.

طبق گزارش سال ۲۰۱۵ Vision Council، ۶۱ درصد آمریکایی‌ها پس از استفاده درازمدت از دستگاه‌های الکترونیکی دچار فشار چشمی شده‌اند.

از آنجا که این دستگاه‌ها نور HEV که به عنوان نور آبی معروف است، ساطع می‌کنند، زل زدن به صفحه گوشی یا تبلت ممکن است واقعاً یک آسیب دائمی در چشم‌ها ایجاد کند. نور آبی بخشی از طیف نور مرئی است که نور را با طول موج کوتاه‌تری ساطع می‌کند. این امر باعث می‌شود تا به بافت‌های زنده آسیب برسد.

بسیاری از شرکت‌های فعال در حوزه تولید لوازم مراقبت از چشم در مورد عوارض مضر نور آبی دستگاه‌های دیجیتالی نگران هستند؛ زیرا تحقیقات آزمایشگاهی و تحقیقات بر روی حیوانات نشان دادند که قرار گرفتن در معرض میزان زیادی از نور آبی به بافت شبکه چشم آسیب می‌رساند. این آسیب همانند تغییرات شبکه مرتبط با زوال لکه‌دار است. این امر باعث می‌شود تا افراد مسن‌تر بینایی خود را از دست بدهند. با این حال هیچ‌کس مطمئن نیست که آیا استفاده درازمدت از دستگاه‌های دیجیتالی باعث می‌شود تا به اندازه‌ای در معرض نور آبی قرار بگیریم که آسیب دائمی به چشم‌ها وارد شود یا خیر.

نور آبی توسط خورشید و لامپ‌های LED نیز ساطع می‌شود؛ اما بیشتر افراد مدت طولانی به این نور خیره نمی‌شوند.

#### آیا باید تلویزیون را از دورتر تماشا کنیم؟

تلویزیون به چشم‌ها آسیب می‌رساند. نزدیکی به تلویزیون یکی از علت‌های فشار چشمی و قرار گرفتن در معرض نور آبی است.

میزان نور آبی که هر فرد دریافت می‌کند، به فاکتورهای مختلفی بستگی دارد که شامل نوع فناوری صفحه‌نمایش، اندازه صفحه‌نمایش، میزان روشنایی صفحه‌نمایش، فاصله صفحه‌نمایش از صورت کاربر و مدت استفاده از صفحه‌نمایش می‌شود. حتی با این که گوشی‌های هوشمند صفحه‌نمایش‌های کوچکی دارند؛ اما می‌توانند شما را بیشتر در معرض نور آبی قرار دهند، زیرا به صورت نزدیک‌تر هستند. بخشی از این مشکل به این دلیل است که به هنگام تماشای صفحه‌نمایش‌ها چشم‌های خود را بیشتر باز کرده و کمتر پلک می‌زنیم. خستگی چشم به این دلیل ایجاد می‌شود که مدت زیادی روی یک صفحه‌نمایش با فاصله ثابت تمرکز می‌کنیم و به جای دیگری نگاه نمی‌کنیم.

#### چه مدت زمانی می‌توان از صفحه‌نمایش‌ها استفاده کرد؟

طبق گزارش سال ۲۰۱۴ Mary Meeker، یک آمریکایی که بین ۱۶ الی



# گردهای نان

شبلی از عارفان نامی و پر آوازه قرن سوم و چهارم هجری است. وی استاد بسیاری از عارفان پس از خود بود. در شهری که شبلی می‌زیست، موافقان و مخالفان بسیاری داشت. در میان خیل دوستداران او، نانوايي بود که شبلی را هرگز ندیده و فقط نامی و حکایت‌هایی از او شنیده بود. روزی شبلی از کنار دکان او می‌گذشت. گرسنگی، چنان، او را ناتوان کرده بود که چاره‌ای جز تقاضای نان ندید، از مرد نانوا خواست که به او، گرده‌ای نام، وام دهد. نانوا برآشفته و او را ناسزا گفت. شبلی رفت. در دکان نانوايي، مردی دیگر نشسته بود که شبلی را می‌شناخت. رو به نانوا کرد و گفت: «ایا می‌دانی آن مردی که الان از خود راندی و لقمه‌ای نان را از او دریغ کردی، شبلی بود؟!» نانوا، سخت منفعل و شرمنده شد و پریشان و شتابان، در پی شبلی افتاد و عاقبت او را در بیابان یافت. بی درنگ، خود را به دست و پای شبلی انداخت و اصرار کرد که: «منت بر من بگذار و شبی را در سرای من بگذران تا به شکرانه این توفیق و افتخار که نصیب من می‌گردانی، مردم بسیاری را اطعام کنم.» شبلی پذیرفت. میهمانی عظیمی بر پا شد. صدها نفر از مردم بر سر سفره او نشستند. مرد نانوا صد دینار در آن ضیافت هزینه کرد و همگان را از حضور شبلی در خانه خود خبر داد. بر سر سفره، اهل دلی روی به شبلی کرد و گفت: «یا شیخ! نشان دوزخی و بهشتی چیست؟» شبلی گفت: «دوزخی آن است که یک گرده نان را در راه خدا نمی‌دهد؛ اما برای شبلی که بنده ناتوان و بیچاره او است، صد دینار خرج می‌کند!» نظر: به این داستان از زاویه دیگری نیز می‌توان پرداخت و آن اینکه برخی از ما شاید صدها کار مستحب و خیر انجام دهیم، اما از واجبات غافل باشیم، نذر و نذورات و مراسم مذهبی مستحب می‌گیریم، اما درباره واجبی چون نماز کاهلی و تنبلی می‌کنیم. به همین دلیل است که مولا علی(ع) می‌فرمایند: مستحباتی که تو را از انجام واجبات باز می‌دارد، ترک کن.



## عشق و آرامش

استادی از شاگردانش پرسید: چرا ما وقتی عصبانی هستیم داد می‌زنیم؟ چرا مردم هنگامی که خشمگین هستند صدایشان را بلند می‌کنند و سر هم داد می‌کشند؟ شاگردان فکری کردند و یکی از آنها گفت: چون در آن لحظه، آرامش و خونسردیمان را از دست می‌دهیم.

استاد پرسید: این که آرامشمان را از دست می‌دهیم درست است اما چرا با وجودی که طرف مقابل کنارمان قرار دارد داد می‌زنیم؟ آیا نمی‌توان با صدای ملایم صحبت کرد؟ چرا هنگامی که خشمگین هستیم داد می‌زنیم؟

شاگردان هر کدام جواب‌هایی دادند اما پاسخ‌های هیچکدام استاد را راضی نکرد... سرانجام او چنین توضیح داد: هنگامی که دو نفر از دست یکدیگر عصبانی هستند، قلب‌هایشان از یکدیگر فاصله می‌گیرد. آنها برای این که فاصله را جبران کنند مجبورند که داد بزنند. هر چه میزان عصبانیت و خشم بیشتر باشد، این فاصله بیشتر است و آنها باید صدایشان را بلندتر کنند. سپس استاد پرسید: هنگامی که دو نفر عاشق همدیگر باشند چه اتفاقی می‌افتد؟

آنها سر هم داد نمی‌زنند بلکه خیلی به آرامی با هم صحبت می‌کنند. چرا؟ چون قلب‌هایشان خیلی به هم نزدیک است. فاصله قلب‌هایشان بسیار کم است. استاد ادامه داد: هنگامی که عشقشان به یکدیگر بیشتر شد، چه اتفاقی می‌افتد؟ آنها حتی حرف معمولی هم با هم نمی‌زنند و فقط در گوش هم نجوا می‌کنند و عشقشان باز هم به یکدیگر بیشتر می‌شود.

سرانجام، حتی از نجوا کردن هم بی‌نیاز می‌شوند و فقط به یکدیگر نگاه می‌کنند! این هنگامی است که دیگر هیچ فاصله‌ای بین قلب‌های آن‌ها باقی نمانده باشد



# قدرت فتوا



جنبش تحریم توتون و تنباکو و فتوای تاریخی میرزای شیرازی در جریان سومین سفر ناصرالدین شاه به اروپا شکل گرفت که در آنجا امتیازی را در زمینه کشت، توزیع و فروش توتون و تنباکو به یکی از مشاوران و نزدیکان نخست وزیر انگلیس به نام «ماژور تالبوت» واگذار کرد و در مقابل ۲۵ هزار لیره دریافت کرد. مطابق این قرارداد کمپانی «رژ» باید سالانه ۱۵ هزار لیره به صندوق دولت ایران واریز می‌کرد و در مقابل کشت و فروش توتون و تنباکو را در انحصار خود می‌گرفت یعنی از زارعان ارزان می‌خرید و گران می‌فروخت.

در مقابل این قرارداد، مردم شهرهای مختلف به رهبری روحانیت به مخالفت و مقابله پرداختند. در این زمان سید جمال‌الدین اسدآبادی به پیشنهاد سیدعلی اکبر فال اسیری که در تبعید بود، نامه‌ای در این زمینه به میرزای شیرازی نوشت. بعد از ارسال نامه یاد شده میرزای شیرازی تلگرافی به نزد شاه فرستاده و می‌گوید کسانی را که تبعید کرده به کشور بازگرداند و درباره قرارداد، مخالفت خود را ابراز می‌کند اما ناصرالدین شاه به این تلگراف اعتنایی نکرد به همین دلیل میرزای شیرازی فتوای تاریخی خود را به این شرح صادر کرد: «الیوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان (عج) است».

با صدور این فتوا با جنبش عظیمی که به راه افتاد، در تاریخ ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۰۹ اعلانی در کوچه و بازار زده می‌شود که «بر حسب حکم جناب میرزای شیرازی، اگر تا ۴۸ ساعت دیگر امتیاز دخانیات لغو نشود یوم آتیة جهاد است، مردم مهیا شوید». ناصرالدین شاه ابتدا قصد مقاومت داشت اما در مقابل جنبش مردمی عظیمی که به راه افتاده بود مجبور شد ابتدا امتیاز داخله و سپس کل امتیاز را لغو کند.

به مناسبت این روز فهرستی از آثار منتشر شده درباره جنبش تحریم توتون و تنباکو را گردآوری کرده و مهم‌ترین کتاب‌هایی که تاکنون در این باره نوشته شده را بر می‌شمیریم.

- «شکوه فقاها»، داود نعیمی؛ ویراستار: کاظم عابدینی مطلق، فراگفت، ۹۳۶ صفحه، وزیری (سلفون)، چاپ ۱ سال ۱۳۹۲، ۲۰۰۰ نسخه.

- «اندیشه تحریم و خودباوری»، موسی نجفی، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۱، ۳۶۸ ص.

- «تندبادی از سامراء: داستان تحریم تنباکو و قیام ملت ایران علیه قرارداد استعماری ۱۸۹۰ رژی»، علی اکبر والایی، موسسه فرهنگی مدرسه برهان، ۱۷۶ صفحه، وزیری (شومیز)، چاپ ۱ سال ۱۳۹۱، ۱۱۰۰ نسخه.

- «میرزای شیرازی احیاگر قدرت فتوا»، سید محمود مدنی، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم (ع). انتشارات نورالسجاد، ۱۳۸۴، ۱۳۴ صفحه.

- «تحلیل تطبیقی قیام‌های تنباکو، تنگستان و ۱۵ خرداد»، محمدباقر رکنی، شیراز: فدک سبز، ۱۳۹۱، ۷۲ صفحه.

- «یک فتوا، یک اراده»، مجید ملکان، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۱۶ صفحه، پالتویی (شومیز)، چاپ ۲ سال ۱۳۹۰، ۳۰۰۰ نسخه.

- «مروری کوتاه بر جنبش‌های اجتماعی، سیاسی ایران معاصر (از جنبش تنباکو تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲)»، حبیب جریری، شرکت بین‌المللی پژوهش و نشر یادآوران، ۱۳۸۹.

- «طبقات اعلام الشیعه: نقباء البشر فی القرن الرابع عشر»، شیخ آغا بزرگ طهرانی، تهران: مکتبه، متحف و مرکز وثائق مجلس الشوری الاسلامی؛ مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۳۸۸، ۷۳۲ صفحه.



# بله دروغ

در یونان باستان سقراط به دلیل خرد و درایت فراوانش مورد ستایش بود. روزی فیلسوف بزرگی که از آشنایان سقراط بود، با هیجان نزد او آمد و گفت: سقراط میدانی راجع به یکی از شاگردانت چه شنیده‌ام؟ سقراط پاسخ داد: لحظه‌ای صبر کن. قبل از اینکه به من چیزی بگویی از تو می‌خواهم آزمون کوچکی را که نامش سه پرسش است پاسخ دهی.

مرد پرسید: سه پرسش؟

سقراط گفت: بله درست است. قبل از اینکه راجع به شاگردم بامن صحبت کنی، لحظه‌ای آنچه را که قصد گفتنش را داری امتحان کنیم. اولین پرسش حقیقت است. کاملاً مطمئنی که آنچه را که می‌خواهی به من بگویی حقیقت دارد؟

مرد جواب داد: نه، فقط در موردش شنیده‌ام.

سقراط گفت: بسیار خوب، پس واقعاً نمی‌دانی که خبر درست است یا نادرست. حالا بیا پرسش دوم را بگویم، پرسش خوبی آنچه را که در مورد شاگردم می‌خواهی به من بگویی خبر خوبی است؟

مرد پاسخ داد: نه، برعکس...

سقراط ادامه داد: پس می‌خواهی خبری بد در مورد شاگردم که حتی در مورد آن مطمئن هم نیستی بگویی؟

مرد کمی دستپاچه شد و شانه بالا انداخت.

سقراط ادامه داد: و اما پرسش سوم سودمند بودن است. آن چه را که می‌خواهی در مورد شاگردم به من بگویی برایم سودمند است؟

مرد پاسخ داد: نه، واقعاً...

سقراط نتیجه گیری کرد: اگر می‌خواهی به من چیزی را بگویی که نه حقیقت دارد و نه خوب است و نه حتی سودمند است پس چرا اصلاً آن را به من می‌گویی؟!!



## کدگذاری، استخراج، طبقه‌بندی داده‌ها

پس از اتمام مرحله گردآوری اطلاعات، محقق انبوهی از اطلاعات را در اختیار دارد که باید از آن برای انجام دادن اقدامات بعدی استفاده کند؛ یعنی باید اطلاعات موجود را استخراج و طبقه‌بندی نماید تا برای مرحله اساسی تجزیه و تحلیل آماده شود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به ماهیت تحقیق و روش موردنظر، محقق باید طرح استخراج و طبقه‌بندی اطلاعات را تهیه کند. اگر تحقیق ماهیتاً آماری باشد و بصورت پیمایشی انجام پذیرد و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و کارت باشد، کار استخراج و طبقه‌بندی باید مطابق آن طراحی شود.

اگر بناسط این اطلاعات بصورت دستی استخراج شود و محقق آنها را مورد محاسبه و تجزیه و تحلیل قرار دهد، یک صورت پیدا می‌کند و اگر از رایانه استفاده شود صورت دیگری به خود می‌گیرد و مسئله‌ای به نام کدگذاری قبل از طراحی ابزار گردآوری اطلاعات یا پس از تکمیل آن مطرح می‌شود. اگر تحقیق ماهیتاً آماری نباشد و شیوه تجزیه و تحلیل نیز استدلالی و عقلانی باشد، استخراج و طبقه‌بندی اطلاعات بصورت دیگری مطرح می‌شود که با تحقیقات آماری تفاوت دارد؛ از این‌رو، محقق ناگزیر است با در نظر داشتن ماهیت تحقیق، نوع اطلاعات، ابزار سنجش و گردآوری داده‌ها، روش تجزیه و تحلیل و ...، طرح خود را برای استخراج و طبقه‌بندی داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده تهیه نماید.

در این بخش سعی داریم به شما روش صحیح تحقیق و پایان‌نامه نویسی را همراه با شما بیاموزیم تا بیشتر آماده جشن فارغ التحصیلی شویم



## شیوه کدگذاری ابزار گردآوری اطلاعات

### ● بازیابی و کدگذاری اطلاعات گردآوری شده

کدگذاری در جاهای مختلف مورد استفاده محقق قرار می‌گیرد؛ مثلاً در تحقیقات و مطالعات کتابخانه‌ای برای خلاصه کردن اطلاعات و صرفه‌جویی در وقت در هنگام فیش‌برداری، از روش کدگذاری استفاده می‌شود. در اینجا محقق سعی می‌کند به جای آنکه در همه فیش‌ها مشخصات کامل یک اثر را بنویسد.

در اینجا منظور از کدگذاری اختصاص دادن شماره یا عددی خاص به هر یک از اقلام مندرج در ابزار گردآوری اطلاعات اعم از صفحات، سؤالات، گزینه‌ها و ... است تا به کمک آن امکان انتقال اطلاعات به رایانه فراهم آید.

برای سهولت کار و صرفه‌جویی در هزینه‌ها و فرصت‌ها، بهتر است محقق ابزار طراحی شده خود را قبل از اجرا و تکثیر و چاپ، کدگذاری نماید. وی برای کدگذاری اقلام پرسشنامه باید با یک نفر متخصص در امور پانچ و رایانه مشورت نماید و ضمن بیان و توضیح اهداف و روش کار خود ابزار طراحی شده را به رؤیت او برساند تا با اطمینان کامل از حیث اختصاص کدهای مناسب و کافی، نسبت به تکثیر و چاپ آن اقدام کند. البته نتایج مرحله پیش‌آزمون ابزار نیز می‌تواند به محقق برای اصلاح عملیات کدگذاری کمک کند. آنچه باید محقق در زمان طراحی پرسشنامه و قبل از اجرای عملیات میدانی کدگذاری نماید عبارتند از:

۱. پرسشنامه: هر پرسشنامه باید دارای شماره و کد ویژه باشد.
۲. منطقه و ناحیه: اگر پرسشنامه در سطح منطقه وسیعی اجرا می‌شود و جامعه مورد مطالعه از گستردگی جغرافیایی برخوردار است، باید به هر یک از واحدهای تقسیمات جغرافیایی (استان، شهرستان یا بخش و ...) که ویژه‌ای اختصاص داده شود.
۳. صفحات: هر یک از صفحات پرسشنامه باید کد اختصاصی داشته باشد که ترکیبی از شماره پرسشنامه و شماره صفحه خواهد بود.
۴. سؤالات: هر یک از سؤالات به کد نیاز دارند؛ ولی شماره ترتیب سؤال نقش کد را ایفا می‌کند.

۵. گزینه‌ها: گزینه‌های مربوط به پاسخ‌های احتمالی که در مقابل یا ذیل هر سؤال درج می‌شود، نیاز به کدگذاری دارد.

۶. ستون کد پاسخ‌ها: این ستون اگرچه پس از پایان کار تکمیل پرسشنامه و ابزار گردآوری اطلاعات کدگذاری می‌شود، ولی در سؤالاتی که دارای چند گزینه بوده، هر گزینه دارای گزینه‌های بلی و خیر است، باید به تعداد گزینه‌های اصلی، طشتک ویژه در ستون مقابل سؤال پیش‌بینی شود. این طشتک‌ها از بالا به پایین نیاز به کدگذاری دارند که این کار باید قبل از چاپ و تکثیر و اجرای پرسشنامه انجام پذیرد. در فرم پرسشنامه زیر انواع کدهای مزبور مشخص شده است:

| طشتک محل کد پرسشنامه و صفحه مربوط                             |                                                                                                                                                                                     | ۲۳۵/۱۲ |
|---------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------|
| ۱. مسیر مهاجرت شما کدامیک از حالات زیر بوده است؟              |                                                                                                                                                                                     |        |
| ۳                                                             | <input type="checkbox"/> جامعه عشایری به شهر<br><input type="checkbox"/> روستا به شهر<br><input type="checkbox"/> عشایر به روستا<br><input type="checkbox"/> شهر به روستا           |        |
| ۲. مهاجرت تا چه اندازه در بروز فقر و نداری شما مؤثر بوده است؟ |                                                                                                                                                                                     |        |
| ۳                                                             | <input type="checkbox"/> خیلی زیاد<br><input type="checkbox"/> زیاد<br><input type="checkbox"/> کم<br><input type="checkbox"/> خیلی کم<br><input type="checkbox"/> تأثیر نداشته است |        |
| ۳. کدامیک از عوامل زیر سبب مهاجرت شما بوده است؟               |                                                                                                                                                                                     |        |
| ۱                                                             | <input type="checkbox"/> کمبود درآمد<br><input type="checkbox"/> بلی<br><input type="checkbox"/> خیر                                                                                |        |
| ۰                                                             | <input type="checkbox"/> بیکاری<br><input type="checkbox"/> بلی<br><input type="checkbox"/> خیر                                                                                     |        |
| ۲                                                             | <input type="checkbox"/> فقدان امنیت اجتماعی<br><input type="checkbox"/> بلی<br><input type="checkbox"/> خیر                                                                        |        |
| ۱                                                             | <input type="checkbox"/> حوادث طبیعی<br><input type="checkbox"/> بلی<br><input type="checkbox"/> خیر                                                                                |        |
| ۰                                                             | <input type="checkbox"/> کمبود خدمات<br><input type="checkbox"/> بلی<br><input type="checkbox"/> خیر                                                                                |        |
| ۱                                                             | <input type="checkbox"/> تحقیر روستائیشینی<br><input type="checkbox"/> بلی<br><input type="checkbox"/> خیر                                                                          |        |

اگر محقق نخواهد یا نتواند قبل از طراحی و اجرای پرسشنامه و کارت اقدام به کدگذاری نماید، می‌تواند پس از پایان کار گردآوری اطلاعات نسبت به کدگذاری آن اقدام کند که در این صورت، کار پرزحمتی را متحمل خواهد شد. برای کدگذاری باید ابتدا از پرسشنامه‌ها و کارت‌ها آغاز کند و به هر یک شماره و کد ویژه‌ای اختصاص دهد. سپس گزینه‌های مربوط به هر یک از سؤالات را کدگذاری نماید. برای این کار باید یک تابلوی راهنما یا کلید پیش‌بینی کند که بداند به هر یک از گزینه‌ها چه کدی را باید اختصاص دهد. پس از آن برای انتقال کدها به رایانه و پانچ داده‌ها نیازمند عملیات دیگری است که در بحث مربوط به استخراج اطلاعات به شیوه ماشینی به آن اشاره خواهد شد.

### ● بازبینی و کدگذاری اطلاعات گردآوری شده

پس از آنکه ابزار گردآوری اطلاعات جمع‌آوری شد، محقق باید کار بازبینی و کنترل آن را انجام دهد. بطور کلی هدف اصلی مرحله بازبینی و کنترل، اطمینان از حسن اجرای عملیات میدانی و نیز اعمال اصلاحات لازم است. پس از این اقدام، محقق باید نسبت به کدگذاری پاسخ‌ها اقدام کند. کدگذاری پاسخ‌ها کاری بسیار ظریف و دقیق است؛ بنابراین، اگر محقق می‌خواهد از گروه یا فرد دیگری بعنوان کدگذار استفاده کند، باید به آنها آموزش لازم را بدهد و بر کار آنها دائماً نظارت نماید. اگر این افراد از تجارب قبلی در این کار برخوردار باشند، بر دقت و سرعت کدگذاری افزوده خواهد شد. در کدگذاری پاسخ‌ها باید دقت شود که ارقام به گونه‌ای در محل خود قرار داده شوند که پانچ‌جست بتواند بدون خستگی و خطای چشم و نظایر آن، اطلاعات را وارد رایانه نماید. در مورد پاسخ‌ها مواردی وجود دارد که بدون جواب می‌ماند یا در پاسخ آنها تناقض وجود دارد یا پاسخگو بیش از یک گزینه را جواب داده است. در اینگونه موارد و موارد مشابه کدگذاری پاسخ‌ها مشکل می‌شود. از این‌رو، محقق باید قبلاً نحوه کدگذاری و نیز کد یا شماره اختصاصی اینگونه موارد را مشخص کند و به گروه کدگذار آموزش لازم را بدهد و بر کار آنها نظارت نماید و به سؤالات و مشکلات آنها پاسخ دهد.

### ● استخراج داده‌ها به شیوه دستی

منظور از استخراج اطلاعات و داده‌ها به روش دستی آن است که محقق یا محققان برای هر یک از سؤالات پرسشنامه‌ها جداول ویژه‌ای در نظر گرفته، تک تک سؤال‌ها و پاسخ‌ها را در تمامی پرسشنامه‌ها بررسی نموده، پاسخ‌ها را به آنها منتقل نمایند و در پایان فراوانی و جداول توزیع مربوط به هر یک از آنها را تنظیم کنند.

### ● استخراج داده‌ها به شیوه دستی در سؤالات باز

در پاسخ به سؤالات باز پاسخگویان آزادی عمل دارند؛ از این‌رو، پرسشگر ناچار است اظهارات و اقدامات آنها را در پرسشنامه یا کارت مصاحبه و مشاهده ثبت و ضبط نماید. روش استخراج این‌گونه پاسخ‌ها بدین طریق است که ابتدا محقق جدول ویژه استخراج سؤال باز را تهیه می‌نماید. سپس کلید پاسخ‌ها را به ترتیب ذیل یکدیگر ردیف و ثبت می‌کند. پس از اتمام ثبت پاسخ‌ها، باید فراوانی پاسخ‌های مشابه را محاسبه و همراه با شماره پرسشنامه‌های مربوط در مقابل اولین ردیف از پاسخ‌های مشابه قید کند. اگر حجم کار کم باشد، می‌تواند فرم استخراج مرحله دوم را نیز طراحی کند. در مرحله سوم محقق باید از روش خلاصه‌سازی استفاده کند و عناوین پاسخ‌های نزدیک به هم را در یک عنوان کلی تر ادغام کند تا بدین ترتیب تعداد پاسخ‌ها به حداقل ممکن تقلیل یابد. آنگاه تعداد فراوانی هر یک از آنها را با همدیگر جمع کند. در امر خلاصه‌سازی پاسخ‌ها، محقق باید به نکات زیر توجه داشته باشد:

۱. به هدف و فرضیه‌ها و سؤالات ویژه تحقیق توجه داشته باشد و پاسخ‌های

غیرمربوط را حذف کند.

۲. پاسخ‌های خلاصه‌شده باید از همدیگر متمایز بوده، با هم تداخل نداشته باشند.

۳. عنوان کلی‌تر باید در برگرفته عناوین جزئی‌تر بوده، پاسخی از قلم بیفتد.

۴. گزینش عناوین کلی نباید آنقدر وسیع و فراگیر باشد که امکان سنجش و ارزیابی متغیرها و فرضیه‌های تحقیق فراهم نیاید.

۵. فراوانی‌های عناوین جزئی را با همدیگر جمع کند و مجموعه را بعنوان فراوانی عنوان کلی در نظر بگیرد.

### ● استخراج داده‌ها به شیوه دستی در سؤالات بسته

استخراج پاسخ اینگونه سؤالات برخلاف سؤالات باز نیاز به کار زیادی ندارد، بخصوص اگر ابزار از نوع استاندارد باشد، استخراج داده‌ها و تهیه جدول‌های مربوط ساده‌تر است. برای استخراج اینگونه سؤالات، جداول استخراج با توجه به نوع و تعداد گزینه‌های سؤالات طراحی می‌شود. در اینجا محقق می‌تواند جدول استخراج را برای هر طبقه از انواع گزینه‌ها تهیه کند و بدین ترتیب در زمان و امکانات صرفه‌جویی کند. البته اگر تعداد پرسشنامه‌ها زیاد باشد و محقق بخواهد شماره هر پرسشنامه را نیز در جدول استخراج ذکر کند، احتمالاً مجبور می‌شود برای هر سؤال یک جدول استخراج ویژه طراحی کند. وقتی محقق جدول‌های استخراج را طراحی کرد، اقدام به نوشتن سؤال در بالای جدول یا در هر یک از ردیف‌های جدول می‌نماید. آنگاه پرسشنامه‌ها را مورد بازبینی قرار داده با توجه به پاسخ‌های داده شده، در محل گزینه مربوط در جدول یک علامت قراردادی (بعلاوه، ضربدر و ...) ثبت می‌کند و در نهایت نسبت به شمارش علامت‌ها و تعیین تعداد آنها اقدام می‌کند. تعداد علامت معرف تعداد فراوانی در هر یک از گزینه‌ها و نیز در رابطه با کل سؤال خواهد بود. آنگاه محقق می‌تواند جدول توزیع فراوانی در درصدهای توزیع را تنظیم کند.

بعد از استخراج پاسخ‌ها لازم است توزیع فراوانی آنها مشخص شود. در سؤالات کیفی و ارزشی، باید امتیاز هر یک معین گردد؛ از این‌رو، جدول توزیع فراوانی و امتیازبندی که برای کمی کردن ارزش‌های کیفی سؤال مناسب است، تهیه می‌شود و پس از لحاظ کردن ارزش عددی هر یک از درجات کیفی می‌توان میانگین و وزن هر کدام را مشخص نمود.

### ● استخراج داده‌ها به شیوه ماشینی

در پرسشنامه یا ابزار سنجش امکان وجود هر دو نوع سؤال باز و بسته وجود دارد.

### ● استخراج داده‌ها به شیوه ماشینی در سؤالات باز

برای استخراج سؤال‌های باز همانند روش دستی، باید ابتدا فهرستی از پاسخ‌های داده شده به هر سؤال را تهیه کرد. سپس باید هر کدام از پاسخ‌ها در حکم گزینه تلقی و کدگذاری شود؛ بدین‌ترتیب، تابلوی راهنمای کدگذاری فراهم می‌شود. آنگاه محقق یا کدگذار براساس کد راهنمای هر گزینه که در تابلو مشخص شده، به پاسخ‌های مربوط به هر پرسشنامه کد مربوط را اختصاص می‌دهد و در ستون حاشیه که اختصاص به کد پاسخ‌ها دارد، در مقابل سؤال باز و بر روی طشتک مربوط به آن کد گزینه را قرار می‌دهد؛ بدین ترتیب، کدگذاری سؤال باز با سایر سؤال‌های بسته پرسشنامه هماهنگ می‌شود.

### ● استخراج داده‌ها به شیوه ماشینی در سؤالات بسته

برای استخراج سؤالات بسته ابتدا باید سؤالات کدگذاری شود. اگر کدگذاری قبل از طراحی پرسشنامه و ابزار گردآوری اطلاعات انجام شده باشد، محقق یا کدگذار صرفاً به کدگذاری پاسخ‌ها خواهد پرداخت. ولی اگر کدگذاری گزینه‌ها قبلاً انجام نشده باشد، ابتدا باید گزینه‌ها و صفحات و سایر اقلام مورد نیاز کدگذاری شود و سپس نسبت به کدگذاری پاسخ‌ها اقدام گردد.



از لغزش نیکان چشم پوشی کنید چرا که آنها لغزش نمی کنند مگر اینکه دست خدا بدست آنان است و بلندشان می نماید. **امیر المومنین (ع)**

|                                     |                           |                               |                                   |                                |                           |                         |                                   |
|-------------------------------------|---------------------------|-------------------------------|-----------------------------------|--------------------------------|---------------------------|-------------------------|-----------------------------------|
| سالروز تولد حضرت زینب نامیده می شود | هشتم اسفند نامگذاری شده   | مرموز                         | ماهی که در آن هستیم پدر اختراعات  | رشته کوهی در آمریکای جنوبی     | مروارید در ست             | کنایه از خشمناک         | ۱۵ اسفند به آن جا حمله شیمیایی شد |
|                                     |                           | ردالت                         |                                   |                                | بخل در قرآن               |                         |                                   |
|                                     | معادل فارسی آن آبشویه است |                               |                                   |                                | دست افزار کشاورزی         |                         |                                   |
| سوغات اصفهان صدمه و آسیب            |                           | پشم و کرک مالیده شده اثر چربی |                                   |                                | پنبه را اینطوری می نویسند | پروردگار از پسوندها     |                                   |
|                                     | شب طولانی سال             |                               |                                   | ۴ حرف کاملاً فارسی زیرک و مودی |                           |                         |                                   |
| نا پیدا دوستی و محبت                |                           | واحدی در سطح                  | دارایی زغال سنگ                   |                                |                           |                         |                                   |
| تقویت رادیولوژی پرده در             |                           |                               | مرکز استرالیا                     |                                |                           |                         | حالت بیهوشی                       |
|                                     |                           |                               | سرزمین باستانی در عراق یک خودمانی |                                |                           | منقار مهمانپذیر با شکوه |                                   |
| جزیره های در اندونزی                |                           |                               | نویسنده و شاعر طنز پرداز ایرانی   | معادل فارسی آن پردینه است      | فرزند                     | هدایتگر                 |                                   |
| رودی در هندوستان گردنده             |                           |                               |                                   |                                |                           |                         |                                   |
|                                     |                           | ای خدا از پسوندها             |                                   |                                |                           |                         | دارای یقین                        |
| هزار کیلو گرم چه چیزی است           |                           | از بیماری های معمولی          |                                   |                                | رطوبت                     |                         |                                   |
|                                     |                           | چیزها                         |                                   |                                | اراده قوی از پسوندها      |                         |                                   |
| سربچی ظرف سرکه دزدی عربی            | ثلث عظمت                  |                               |                                   |                                | حرف ندا حیوان با وفا      |                         |                                   |
|                                     |                           |                               | ارفاغ                             |                                |                           | سوره ۵۰ قرآن            |                                   |
| ۱۹ اسفند روز حقوق ... است           |                           |                               |                                   |                                |                           |                         |                                   |

طراح جدول / حسین کریمشاهی بیگدلی

در صورت تمایل به شرکت در مسابقه پاسخ های خود را به آدرس دب / صندوق پستی ۲۳۰۶۴ ارسال و یا به دفتر مسجد امام حسین (ع) تحویل دهید.

info@3rdimam.com

